



یوم‌الله ۲۲ بهمن مبارک باد

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۲۲۵ | دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۴ | ۲۰ شعبان ۱۴۴۷ | ۹ فوریه ۲۰۲۶ | ۱۶ صفحه

نگاهی به پرونده جفری اپستین
غرب وحشی

۸
پرونده

یعقوب ربیعی



۱۱
خرد

علی حیدری



۲
نگاه

۲۲ بهمن نماد ایران قوی

گزارش صبح صادق از نمایش قدرت موشکی جمهوری اسلامی ایران

بازدارنده

۱۴
پاسدار

سه‌گانه انسجام اعتماد و اقتدار در مذاکرات

اسلحه استراتژیک!

۲
سرمقاله

۱۳
فرهنگ

معاون سیاسی سپاه

قدرت نظامی ایران قابل معامله نیست

جانشین فرمانده کل سپاه

دشمن تحت کنترل و نظارت ماقرار دارد

۱۵
پاسدار

۱۵
پاسدار

ایران ابر قدرت

فتح مرزهای علم و فناوری

۳
دیدگاه

۱۲
مجازستان

نیم نگاه

۲۲ بهمن
نماد ایران قوی

علی حیدری
سردبیر

چهل‌هشتمین طلیعه بهار آزادی در حالی از راه می‌رسد که انقلاب اسلامی و مردم ایران، نه تنها در آزمون‌های سخت تاریخی سربلند بیرون آمده‌اند، بلکه به سمت «ایران قوی» و فتح قله‌های عزت و پیشرفت رهسپار هستند. لذا ۲۲ بهمن، تنها یک یادبود تاریخی نیست؛ بلکه جلوه‌ای از اراده ملتی است که با اتکا به ایمان، وحدت و رهبری حکیمانه، نقشه قدرتمندی از اقتدار را در منطقه و جهان ترسیم کرده است.

دستاورد‌های گسترده و ملموس ۴۷ سال گذشته در عرصه‌های علمی، فناوری، دفاعی و زیربنایی، روایتی است از استقلالی که با تحمل هزینه‌های سنگین به دست آمده است. این مسیر، داستان عبور از طوفان‌ها و تبدیل تهدیدها به فرصت‌های بی‌نظیر است.

از جنگ تحمیلی هشت‌ساله تا تحریم‌های ناجوانمردانه و فشارهای حداکثری، هر مرحله به سکوی پرشی برای رسیدن به مرزهای جدید خوداتکایی و پیشرفت تبدیل شده است. پیشرفت‌های هسته‌ای، دستیابی به چرخه کامل فناوری فضایی، رشد چشمگیر در تولید دارو و واکسن و تقویت بنیه دفاعی و نظامی کشور تا حدی ایجاد بازدارندگی در دشمن، تنها بخشی از این سربلندی‌هاست.

اما دشمنان این ملت، پس از شکست‌های پی‌در پی در برابر ملت ایران، به نبرد ترکیبی و شش‌بخشی روی آورده‌اند. آنها پس از ناکامی در تجاوز نظامی و ناتوانی در مقابله مستقیم (جنگ ۱۲ روزه)، تلاش می‌کنند با ابزارهای نوین، بنیان‌های اجتماعی و روانی جامعه ایران را هدف قرار دهند. اقدامات تروریستی مذبوحانه با هدف کشته‌سازی، جنگ رسانه‌ای سازمان‌یافته، در کنار شایعه‌پراکنی، ایجاد یأس و دامن زدن به تفرقه، حلقه‌هایی از یک تزنجیره طراحی شده برای تضعیف امنیت ملی و شکستن وحدت مثال زدنی مردم ایران است که هدف نهایی‌اش متوقف ساختن حرکت پرش‌تاب ملت ایران به سمت قله‌های ترقی و خوداتکایی است.

در این شرایط خطیر، اتحاد و انسجام مردم ایران همان اصلی‌ترین بازدارنده و خشتی‌کننده نقشه‌های دشمن است. حضور آگاهانه، بیداری و انسجام ملی، بزرگ‌ترین سد در برابر هرگونه توطئه جنگ ترکیبی است. هر ایرانی با بصیرت، مقاومت در برابر هجومه‌شناختی و حفظ آرامش و وحدت، در خط مقدم دفاع از میهن و دستاوردهای انقلاب قرار دارد. حضور هوشمندانه مردم در صحنه‌های مختلف نشان داده که ملت ایران به خوبی ماهیت این بازی خطرناک را شناخته و با «عمل جمعی» خود، صفحه‌شطرنج دشمن را به هم می‌ریزد.

امروز، ایران تصویری غرور انگیز از پنج دهه پرافتخار، قدرتی باثبات، اثرگذار و پیشرو ارائه می‌دهد. اقتدار دفاعی، پیشرفت‌های علمی فزاینده و حوزه نفوذ گسترده که در طول دهه‌ها تداوم یافته و کلید تداوم این مسیر، در گرو حفظ همان سرمایه‌های اصلی یعنی ایمان راسخ، وحدت کلمه، پیروی از رهبر حکیم و مشارکت حداکثری مردم در سرنوشت خویش است.

آینده درخشان «ایران قوی» نه یک رویا، که مسیری است که با گام‌های استوار این ملت بزرگ در حال پیموده شدن است. با حفظ هوشیاری و انسجام، حضور آگاهانه و با تکیه بر توان داخلی و روحیه جهادی، ایران فردا در جایگاهی خواهد ایستاد که نه تنها قله‌های پیشرفت را فتح کرده، بلکه به الگویی برای عزت و استقلال در جهان تبدیل شده است و این راه را پر قدرت‌تر و قوی‌تر از گذشته خواهد پیمود.



عزیز غضنفری
عضو شورای
سیاست‌گذاری صبح صادق

بعد از سپهری شدن چند ماه حساس و سرنوشت‌ساز مجدداً ایران و آمریکا مذاکرات غیر مستقیم خود را در مسقط از سر گرفتند. با بحث بر سر سه مفهوم کلیدی و راهبردی به نام انسجام، اعتماد و اقتدار به بررسی و ارزیابی دور جدید مذاکرات هسته‌ای خواهیم پرداخت. موضوعی سیاست خارجی از جمله موضوعاتی است که دقیقاً مرتبط با امنیت و منافع ملی ایران محسوب می‌شود و اگر بخواهیم یک جا را در عرصه سیاست بیابیم که کمترین و یا هیچ نسبتی با حوزه احزاب و گروه‌های سیاسی ندارد، همین مسائل و پروژه‌های سیاست خارجی است. در نتیجه انسجام عمومی و حداکثری و رویکردهای وحدت بخش برای آن که کار منافع ملی در عرصه سیاست خارجی پیش برود اهمیت چشمگیری دارد. میان انسجام و وحدت ملی با تحقق اهدافی که تیم مذاکره‌کننده در جریان مذاکرات هسته‌ای با دولت بدعهد و غیر قابل اعتماد آمریکا دنبال می‌کنند رابطه تنگاتنگی وجود دارد. هیچ پروژه‌ای در سیاست خارجی مادامی که جامعه‌ای دچار تفرقه و اختلاف

است به سامان درستی نمی‌رسد. در این جا شرط موفقیت بستن باب تفرقه و اختلاف در داخل و قرار گرفتن در مسیری هست که رهبر معظم انقلاب از آن به اتحاد مقدس یاد کردند. موضوع دوم اعتماد به تیم مذاکره‌کننده است؛ این اعتماد به معنای این نیست که در داخل کشور بر سر مراعات خطوط قرمز و منافع ملی مطالبه‌ای صورت نگیرد. حتی به معنای این هم نیست که نقد‌های دلسوزانه و عالمانه در زمینه مدیریت پرونده هسته‌ای مطرح نگردد. اما باید این نکته مهم را در نظر داشته باشیم که در نهایت به سر‌بازان عرصه دیپلماسی کشور اعتماد کنیم. فرض را بر این بگذاریم که تیم مذاکره‌کننده در چارچوب سیاست‌های اعلام شده از طرف شورای عالی امنیت ملی مأموریت دارند منافع ملی ایران را در جریان مذاکرات پیش ببرند. که البته واقعیت نیز همین است؛ چرا که در هر دوره‌ای که بحث مذاکره با آمریکایی‌ها و یا حتی برخی پرونده‌های مهم امنیت ملی دیگر پیش می‌آید، شورای عالی امنیت ملی سیاست‌های لازم را معین می‌سازد. این قاعده عمومی در همه جای دنیاست. در این وضعیت، بی‌اعتمادی گاه از آن جایی آغاز می‌شود که عده‌ای از منطق تصمیمات اتخاذ شده و برخی اهم و مهم‌ها و یا حتی برخی مصالح عالی کشور آگاهی‌های چندانی ندارد؛

سر مقاله

سه‌گانه انسجام، اعتماد
و اقتدار در مذاکرات

در نتیجه قضاوت و ارزیابی آنان ناقص و یک سویه می‌شود. تحسین و تمجید چندباره رهبر معظم انقلاب نسبت به عملکرد وزارت امور خارجه و وزیر محترم، خود نکته اطمینان‌بخشی است که کمک می‌کند ما با اعتماد به صحنه بنگریم. در نهایت باور عناصر دلسوز کشور باید این باشد که بخش دیپلماسی کشور با الهام از تجربیات گذشته از خطوط معین شده تخطی نخواهند کرد؛ این باور تولید اعتماد می‌کند.

موضوع سوم در مقطع کنونی که اهتمام به آن ارزش و منافع بسیار بالایی دارد، موضوع تولید و انتشار روایت اقتدار است. مع‌الاسف گاه کسانی که در دام بی‌اعتمادی به تیم مذاکره‌کننده گرفتار آمده‌اند ناخواسته موضع خودی را تضعیف و موضع طرف بدعهد غربی را تقویت می‌کنند. اینان به جای پرداختن به قوت‌های بخش دیپلماسی کشور، بر حواشی غیر ضروری متمرکز می‌شوند. ظرف چند ماه گذشته رئیس‌جمهور و برخی مقامات دیگر دولت آمریکا بارها اعلام کردند که هر گاه میز مذاکره با ایران شکل بگیرد، موشک‌های بالستیک و گروه‌های مقاومت منطقه بخشی از مذاکرات خواهد بود. حتی آمریکایی‌ها پیامی فرستادند که اگر ایران ۴ شرط مشخص شده از سوی آمریکا را نپذیرد، اقدام نظامی را ترتیب خواهد داد و حتی آرایش نظامی نیز به خود

منافقین، تا ایجاد و حمایت از شورش‌های قومی و تجزیه‌طلبانه در نقاط مختلف کشور، همه در راستای ایجاد ناامنی و فروپاشی از درون بود. **تحریم‌های همه‌جانبه و جنگ اقتصادی:** از ابتدای انقلاب، تاکنون انواع تحریم‌های ظالمانه اقتصادی، مالی، بانکی، نفتی و فناوری علیه ایران اعمال شده است. هدف از این تحریم‌ها، فلج کردن اقتصاد، ایجاد نارضایتی عمومی و در نهایت، مجبور کردن ایران به تسلیم در برابر خواسته‌های قدرت‌های خارجی بوده است.

جنگ رسانه‌ای و روانی: شبکه‌های رسانه‌ای وابسته به قدرت‌های سلطه‌گر، با تولید و گسترش حجم عظیمی از اخبار کذب، تحریف، شایعه و تبلیغات منفی، در پی ایجاد یأس، تفرقه و بی‌اعتمادی در داخل کشور بوده‌اند. **تروورهای علمی:** ترور دانشمندان و نخیشان علمی کشور، نشان‌دهنده عزم دشمن برای جلوگیری از پیشرفت و خودکفایی ایران در حوزه‌های حساس است.

♦ مقایسه‌ها چه می‌گویند؟

با در نظر گرفتن این دو مؤلفه اساسی- میراث سنگین گذشته و هجوم گسترده دشمنی‌ها در حال حاضر- اگر باز هم عملکرد جمهوری اسلامی را با رژیم پیشین مقایسه کنیم، کارنامه نظام برآمده از انقلاب شکوهمند ۱۳۵۷، درخشان و متمایز است. این تفاوت در حوزه‌های مختلفی خود را نشان داده است:

سیاست داخلی: گذار از دیکتاتوری فردی به جمهوری مبتنی بر آرای مردم. جایگزینی خفقان و سرکوب پهلوی با مشارکت سیاسی گسترده در قالب انتخابات‌های پرشمار و پر حاشیه (از ریاست‌جمهوری تا شوراهای شهر و روستا)، فعالیت قانونی احزاب و گروه‌ها، و امکان چرخش مسالمت‌آمیز قدرت. وجود فضای رقابت سیاسی و نقد، با دوران سکوت و وحشت پیش از انقلاب قابل قیاس نیست.

سیاست خارجی: تبدیل ایران از یک دست‌نشانده منفعل به یک کنشگر مستقل و اثرگذار در معادلات منطقه‌ای و جهانی. رویکرد جمهوری اسلامی بر پایه نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری استوار شد. این استقلال رأی، هر چند هزینه‌های سنگینی مانند تحریم به همراه داشت، اما عزت ملی را به ایران بازگرداند. ایران امروز نه تنها بازیگری تأثیرگذار در غرب آسیاست، که در بسیاری از موضوعات جهانی،

بدون جایگزینی مناسب، و شکاف عمیق طبقاتی از شاخصه‌های این دوره بود.

استبداد سیاسی و خفقان اجتماعی: فضای سیاسی کشور فاقد هرگونه مشارکت واقعی مردمی بود. احزاب مستقل سرکوب می‌شدند، مطبوعات آزاد وجود نداشت و هرگونه صدای منتقدی با شدیدترین واکنش‌ها مواجه می‌شد. ساواک به عنوان نماد این سرکوب، نه تنها فعالان سیاسی، که اقشار مختلف مردم را نیز تحت کنترل و فشار قرار داده بود.

تضعیف هویت فرهنگی و مذهبی: پروژه‌های غرب‌گرایی افراطی، اغلب با حمله مستقیم به ارزش‌های اسلامی و سنت‌های ایرانی همراه بود. سیاست‌های ضدحجاب، ترویج فرهنگ مصرفی غربی در رسانه‌ها، و بی‌توجهی به علوم انسانی بومی، منجر به ایجاد یک شکاف هویتی در جامعه شد.

تجزیه‌طلبی و از دست دادن بخش‌هایی از خاک کشور: ضعف حکومت مرکزی و وابستگی به خارج، زمینه‌ساز جدا شدن بخش‌هایی از ایران همچون بحرین، ارتفاعات آرات و دشت ناامید در دوره پهلوی و سرزمین‌های وسیعی از شمال و شمال‌غرب کشور در دوره قاجار بود.

بدون درک عمیق از این میراث شوم، که کشوری با چنان مشکلات ریشه‌ای و متعدد را به انقلاب اسلامی تحویل داد، هرگونه داوری درباره عملکرد دوران پس از انقلاب، ناقص و ناعادلانه خواهد بود.

♦ الزام دوم: دشمنی‌های بی‌سابقه

دومین مؤلفه کلیدی که قضاوت را منصفانه می‌سازد، توجه به شرایط خصمانه و بی‌سابقه‌ای است که جمهوری اسلامی از نخستین روزهای تأسیس با آن مواجه شده است. این حجم از تهاجم و فشار چندجانبه، در تاریخ معاصر ایران و حتی بسیاری از کشورهای جهان، کم‌نظیر است. این دشمنی‌ها در اشکال مختلف و با اهدافی مشترک برای مهار، تضعیف یا نابودی نظام نوپا اعماک شد:

– تهاجم نظامی مستقیم: تنها ۲۰ ماه پس از پیروزی انقلاب، رژیم صدام با حمایت گسترده مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی ده‌ها کشور قدرتمند جهانی و منطقه‌ای، به ایران حمله کرد.

تروریسم و بی‌ثبات‌سازی داخلی: از ترور شخصیت‌های برجسته انقلاب و هزاران شهروند عادی توسط گروهک‌های تروریستی مانند

صدایی مستقل و محترم دارم.

امنیت ملی و تمامیت ارضی: تثبیت حاکمیت ملی و ایجاد امنیتی پایدار در مرزها. در حالی که رژیم پهلوی شاهد جدا شدن بخش‌هایی از خاک کشور بود، جمهوری اسلامی با عبور از جنگ تحمیلی و مقابله با تهدیدات تروریستی، نه تنها از تمامیت ارضی ایران دفاع کرد، بلکه امنیت مرزها را به سطحی بی‌سابقه رساند. توسعه توان دفاعی و موشکی، بازدارندگی کشور را در مقابل تهدیدات تضمین کرده است.

فرهنگ و هویت: احیای هویت مستقل ایرانی-اسلامی. جایگزینی سیاست غرب‌زدگی و مبارزه با مذهب با تقویت ارزش‌های دینی و ملی، رشد کیفی و کمی حضور جوانان در عرصه‌های علمی و مذهبی، رشد چشمگیر تحصیلات دانشگاهی به ویژه میان زنان، ارتقای جایگاه اجتماعی زنان در عین حفظ کرامت انسانی آنان، و پیدایش سینما و هنری متعهد و صاحب سبک، از دستاوردهای این تغییر رویکرد است.

اقتصاد و توسعه: تلاش برای تغییر الگوی اقتصاد وابسته و تک‌محصولی به اقتصادی درون‌زا و مقاوم. علی‌رغم همه فشارها و تحریم‌ها، دستاوردهایی مانند خودکفایی در بسیاری از کالاهای اساسی، رشد فناوری‌های نوین (مانند هسته‌ای، نانو، زیست‌فناوری، هوافضا)، توسعه زیرساخت‌های عظیم (سد‌ها، نیروگاه‌ها، راه‌ها، شبکه‌ریلی)، گسترش پوشش خدمات بهداشتی و آموزشی به دورترین نقاط کشور، و کاهش شدید شاخص‌های بی‌سوادی و مرگ‌ومیر کودکان، حاصل همین نگاه درون‌گرا و تکیه بر ظرفیت داخلی بوده است.

در نتیجه، قیاس اصولی دو دوره تاریخی پهلوی و جمهوری اسلامی، تنها زمانی معنا می‌یابد که هم عمق فاجعه‌ای که انقلاب با آن روبه‌رو بود، و هم عظمت فشارهایی که در طول چهار دهه بر کشور وارد آمد، به طور هم‌زمان در کفه ترازو قرار گیرد. با این معیار، جمهوری اسلامی نه تنها کشور را از برتگاه وابستگی و فروپاشی نجات داد، بلکه در شرایطی بسیار دشوارتر، دستاوردهای ملموس و افتخارآمیزی در حوزه‌های استقلال، امنیت، علم و فناوری برای ملت ایران به ارمغان آورده است.

روزنه

ایران ابرقدرت

رضا قارزی

کارشناس سیاسی



در ادبیات کلاسیک روابط بین الملل، «ابر قدرت» به کشوری اطلاق می‌شد که دارای برتری نظامی، اقتصادی و فناوریانه جهانی باشد و بتواند اراده خود را بر دیگران تحمیل کند.

اما تحولات دهه اخیر- به‌ویژه جنگ‌های نامتقارن، افول هژمونی آمریکا و شکل‌گیری نظم چندقطبی- نشان می‌دهد که ابر قدرتی امروز، بیش از آن‌که مبتنی بر قدرت سخت باشد، مبتنی بر توان تأثیرگذاری بر محاسبات دشمن است.

تحلیل «محاسبه هزینه» به دشمن

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ابر قدرتی در نظم جدید جهانی، بازدارندگی فعال است؛ یعنی کشوری بتواند به‌گونه‌ای عمل کند که هر تصمیم دشمن علیه آن، به‌صورت خودکار، با هزینه‌ای سنگین، چندسطحی و غیرقابل پیش‌بینی همراه شود.

آمریکا و رژیم صهیونیستی، علی‌رغم تهدیدهای مکرر، از ورود به جنگ مستقیم پرهیز کرده‌اند. هر اقدام ضدایرانی، با سناریوهای پاسخ منطقه‌ای، امنیت انرژی و بی‌ثباتی ژئوپلیتیک سنجنیده می‌شود. حتی «مذاکره» نه از موضع برتری، بلکه از موضع کنترل و مهار هزینه‌ها مطرح می‌شود. ایران توانسته است اراده تصمیم‌سازی دشمن را محدود کند؛ و این، بالاترین سطح قدرت جهانی از دیدگاه خودغربی‌ها هم هست که نیاز به نگهداری بازتولید دارد.

قدرت ائتلاف‌سازی

ابر قدرت امروز الزاماً کشوری نیست که بیشترین متحدان رسمی را داشته باشد، بلکه کشوری است که بتواند شبکه‌ای از بازیگران همسو با منافع مشترک اما مستقل و با قابلیت عمل منطقه‌ای ایجاد کند.

دستاوردهای ایران در این حوزه را می‌توان اینگونه برشمرد: انتقال موازنه قوا از سطح «دولت‌محور» به «شبکه‌محور»، شکل‌دهی ائتلافی غیررسمی اما مؤثر که در بزرنگاه‌ها معادلات نظامی و سیاسی را تغییر می‌دهد. خارج کردن ابتکار عمل از دست قدرت‌های فرامنطقه‌ای و بازگرداندن آن به بازیگران بومی. بر این اساس این نوع قدرت قابل تحریم کامل نیست؛ با حمله نظامی از بین نمی‌رود؛ و حتی با حذف یک بازیگر، بازتولید می‌شود. نکته کلیدی آن است که «ابر قدرتی ایران» بیش از آنکه ادعای داخلی باشد، برداشتی بیرونی است. شواهد آن تمرکز دائمی رسانه‌ها و نهادهای امنیتی غرب بر تصمیمات ایران؛ تبدیل ایران به متغیر کلیدی در معادلات انرژی، امنیت خلیج فارس و جنگ‌های نیابتی؛ ناتوانی دشمنان در طراحی یک راه‌حل نهایی برای مهار ایران.

پیوند راهبردی با منطق قرآنی

قرآن کریم این منطق قدرت را چنین تبیین می‌کند: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

در این آیه: «الأعلون» به معنای برتری عددی یا اقتصادی نیست؛ بلکه به معنای برتری اراده، ایمان، ثبات و اثرگذاری است. قدرتی که از ایمان، صبر راهبردی و محاسبه دقیق ناشی شود، می‌تواند بر قدرت‌های ظاهراً بزرگ‌تر غلبه کند؛ همان چیزی که امروز در رفتار ایران دیده می‌شود.

کلام آخر

ایران ابر قدرت و کشوری است که دشمن را از تصمیم بازمی‌دارد؛ بازیگری است که موازنه‌ها را تغییر می‌دهد و بدون جنگ، دستور کار امنیتی جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این منظر، ایران در سطح راهبردی جهانی و منطقه‌ای- واجد بسیاری از مؤلفه‌های ابر قدرتی است.

اپوزیسیون می خواهد زن ایرانی را به عقب برگرداند

بررسی جایگاه زن، در تفکر انقلابی ۵۷ در گفت‌وگو با انوشه سادات میرمرعشی



دیدیم. گرچه باز معتقدم، وضع چپ‌ها نسبت به سایرین کمی بهتر است.

چگونه می‌توان آن زن انقلابی سال ۱۳۵۷ را در سال ۱۴۰۴ بازیابی کرد؟

من کمی با این سؤال اختلاف نظر داریم. زن مسلمان انقلابی در طول این سال‌ها همیشه در صحنه بوده است، از این رو محو نشده یا از بین نرفته است که بخواهیم آن را بازیابی کنیم. اتفاقاً باید به این موضوع اشاره داشت که تفکر انقلابی توانسته است این زن مسلمان انقلابی را در طول این سال‌ها بهینه کند و مطابق زمانه آن را در جایگاه خود قرار دهد. زنان انقلابی ایران، در عرصه‌های مختلف، از علم و دانش گرفته تا موضوعات کارآفرینی و اقتصادی، حضور پررنگ و فعال داشتند، لذا از این منظر کم و کاستی در قبال اصل زن مبارز انقلابی نیست که بخواهیم او را بازیابی کنیم.



درک کرد که نقش‌آفرینی زنان در مسائل سیاسی و اجتماعی در تفکر انقلابی جایگاه والایی داشت.

شخصیت‌های بزرگ دیگر انقلاب، مانند شهیدان مطهری و بهشتی همین نگاه را به بانوان داشتند. این که شهید مطهری در مورد حقوق زنان در اسلام و مسئله حجاب کتاب می‌نویسد و از رویکرد اقناع استفاده می‌کند و از سوی دیگر شاهدیم که زنان در حوزه تشکیلات خود دارای اراده هستند؛ نشان می‌دهد این قشر، ابزار دست نیستند، بلکه عاملیت و اراده جدی و مستقل در روند مبارزات دارند.

رویکرد اپوزیسیون به زن و خانواده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا آنان واقعا دغدغه زنان دارند؟

باید در باره این سؤال اپوزیسیون را به دسته‌های جدا از هم تفکیک کرد. لذا اگر به گروه سلطنت‌طلب نگاه کنیم می‌بینیم که زن، و مسئله آن چندان اهمیت خاصی

عقل جمعی و حلم جامعه است.

بر این اساس، جنگ نرم تنها زمانی کار می‌کند که عقل‌ها پراننده، هیجان‌ها مهار نشده و تشخیص‌ها آشفته باشد. جامعه‌ای که عقل جمعی‌اش سامان یافته، نه با شایعه می‌لغزد و نه با تحریک عصبانی می‌شود. به همین دلیل در منطق مهدوی، جنگ نرم از ریشه بی‌اثر است؛ نه به‌خاطر نبود دشمن، بلکه به‌خاطر نبود «مخاطب‌فریب‌پذیر».

این الگو به معنای نفی قاطعیت نیست. امام زمان(عج) اهل خشونت و خون‌ریزی عمومی نیست، اما در برابر سران ظلم، توحش و جنایت، مامشات هم نمی‌کند. برخورد، محدود، هدفمند و متوجه سردمداران لجوج و اصلاح‌ناپذیر است.

به بیان رهبری معظم، امیرالمؤمنین(ع) در تمامی نبردهای سخت شکست نخورد، اما جایی محدود شد که جنگ نرم پیش آمد؛ تبلیغات معاویه و تردید خواص، موفق شدند ذهن‌ها را فریب دهند، و از این رو پیروزی نظامی علی علیه‌السلام به نتیجه کامل

ملت عاقل

آماده ظهور

مهدی عامری

کارشناس علوم اسلامی



در روایتی نورانی امام باقر علیه‌السلام می‌گوید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا، وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بَيْنَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ. وَفِي قَائِمٍ مَا قِيَامُ كُنْد، خَدَاوَنَدِشْت را بر سر بندگان می‌گذارد، عقل‌هایشان را جمع می‌کند و خرده‌هایشان کامل می‌شود.» این «وضع ید» الهی، اشاره به توجه و تدبیر خداوند به کانون فهم و اراده انسان‌هاست، نه لمس فیزیکی، و نشان می‌دهد که قدرت واقعی در

عکس و مکث



مدال دخالت/ دست راست رژیم صهیونی یعنی آمریکا به سه خلبان خود به دلیل کمک به رژیم صهیونی در جریان عملیات وعده صادق یک، قدیمی‌ترین جایزه هوانوردی آمریکا را اعطا کرد.



هم‌صدایی ادیان در انتظار منجی/ همزمان با نیمه‌شعبان، مسجد جعفران میزبان گردهمایی نمایندگان ادیان الهی در کنار منتظران منجی، جشن نیمه‌شعبان را گرمای داشتند.



جنتلن‌های تروریست/ حضرت آقا « در نماز جمعه تاریخی بعد از شهادت حاج قاسم چقدر دقیق و با معنا بود: «جنتلن‌های پشت میز مذاکره همان تروریست‌های فرودگاه بغداد هستند»



بازیگر جدید دکتربین آفندی/ با رونمایی از شهر تازه موشکی سپاه، «خرم‌شهر ۴» رسماً وارد میدان شد؛ موشکی با برد دوهزار کیلومتر و سرچنگی سنگین که با سرعت و دقت بالا.



میمون بازی سیاسی/ انتشار تصویری دونالد ترامپ در صفحه مجازی خود تصویری دستکاری‌شده و در قالب میمون از باراک اوباما و همسرش را منتشر کرد که واکنش‌های گسترده برانگیخت.



پرواز نمادین/ در حرکتی معنادار و نمادین، هواپیمای حامل عراقچی، مبدأ پرواز خود را محصرای طبس اعلام کرد و سپس به مقصد عمان به پرواز درآمد؛ اقدامی که یادآور یک روایت تاریخی بود.

پیشخوان |

خودکشی پزشکی



نشریه «اکنومیست» نوشت: «انتظار می‌رود نیویورک به ۱۲ ایالت دیگر آمریکا بپیوندد که در آنها، مردن با کمک پزشک، قانونی است. تا پایان ۲۰۲۶، بیش از ۳۰ درصد از آمریکایی‌ها در ایالت‌هایی زندگی خواهند کرد که پزشکان می‌توانند برای بیماران لاعلاج داروی کشنده تجویز کنند. کمی بیش از نیمی از آمریکایی‌ها معتقدند که خودکشی با کمک پزشک از نظر اخلاقی قابل قبول است. این سهم در صورتی که بیمار درد شدید داشته باشد، هیچ شانس برای بهبودی نداشته باشد و برای مردن درخواست کمک کند، به دوسوم افزایش می‌یابد.» به نوشته این نشریه، قوانین مردن با کمک پزشک در آمریکا ایجاب می‌کند که دو پزشک تأیید کنند که بیمار شش ماه یا کمتر فرصت زندگی دارد. بیماران باید از صلاحیت ذهنی برخوردار باشند، درخواست دارو دهند و خود قادر به مصرف آن باشند، نه اینکه اجازه دهند پزشک آن را تجویز کند. بنابراین تعداد نسبتاً کمی از افراد واجد شرایط هستند و آنجا که برخی بیمارستان‌ها و پزشکان به دلایل اخلاقی از کمک خودداری می‌کنند، خودکشی با کمک همچنان نادر است. اکنومیست افزود: «فعالان آمریکایی معمولاً مردن با کمک را برای بیمارانی که لاعلاج نیستند، رد می‌کنند. حتی تعداد کمتری از آن برای کسانی که تنها بیماری آنها روانی است حمایت می‌کنند.»

آزادی بیان آمریکایی!



روزنامه «لس آنجلس تایمز» نوشت: «پس از آنکه چارلی کرک حین سخنرانی در محوطه یک دانشگاه در یوتا هدف گلوله مرگبار قرار گرفت، جاناتان پرکینز، یکی از مدیران دانشگاه یوسی‌ای‌ال، در یک شبکه اجتماعی نوشت: «وقتی کسی که از تو متنفر بود و خواستار مرگ قوم تو بود می‌میرد، خوشحال بودن اشکالی ندارد، حتی اگر به قتل رسیده باشد. من همیشه از مرگ متعصبان خوشحال می‌شوم.» به گفته پرکینز، او در حال ازمودن حق آزادی بیان خود بود؛ اما تصاویر پست‌های او در سایت‌های خبری محافظه‌کار و رسانه‌های اجتماعی پخش شد. او به مرگ تهدید شد و تلی از شکایت‌ها به مدیریت دانشگاه روانه گشت و در نهایت نیز حکم اخراج او از دانشگاه صادر شد. در نامه اخراج، به نقض سیاست‌های «پیشگیری از خشونت در محیط کار» استناد شده بود، از جمله پست‌هایی که «به خشونت یا مرگ اشاره داشتند یا به نظر از آن حمایت می‌کردند.» این روزنامه افزود: «داستان پرکینز یکی از بیش از ۱۰۰ مورد در سطح ملی از اعضای هیئت علمی یا کارکنان کالج است که به دلیل اظهارنظر درباره کرک تنبیه شدند. معاون رئیس‌جمهور از دانشگاه‌ها خواسته بود کارکنانی را که پس از کشته شدن کرک علیه او صحبت کرده‌اند، اخراج کنند وگرنه ممکن است با کاهش بودجه فدرال مواجه شوند.»

زهر ا توحیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

در حالی که این روزها ترامپ با ربودن مادرو و لشکرکشی به غرب آسیا خودنمایی می‌کند، آمریکا در بحرانی دست و پا می‌زند که کمتر مورد توجه کارشناسان قرار گرفته است. «جهارا ماتیسک»، خلبان نیروی هوایی ایالات متحده و پژوهشگر کالج جنگ نیروی دریایی ایالات متحده در گزارشی در اندیشکده «مؤسسه تحقیقات سیاست خارجی» (FPRI) در این باره نوشت: «یک قطعی برق جزئی در سانفرانسیسکو، پیش‌نمایشی آرام اما گویا از یک آسیب‌پذیری راهبردی بود که از چشم همه پنهان است. وقتی چراغ‌های راهنمایی خاموش شدند، ده‌ها خودروی خودران از کار افتادند. چهارراه‌ها قفل شدند و بخش‌های بزرگی از شهر تا زمان رسیدن یک‌کش‌ها فلج شدند.»

شکست در همه بحران‌ها

وی افزود: «این رویداد، هشدار جدی برای لجستیک نظامی است. همان امری که عبور و مرور شهروندان را فلج کرد، می‌تواند حرکت نیروها از پادگان به بندر را متوقف کند. با این

حال، سیاست‌گذاران آمریکایی فرض را بر این می‌گذارند که پایه صنعتی کشور تاب‌آور است، در حالی که در واقعیت شکننده است و برای زنجیره‌های تأمین «درست به موقع» و ظرفیت «در حد کفاف» بهینه‌سازی شده است. وقتی شوک‌هایی مثل همه‌گیری‌ها، جنگ‌ها، بی‌ثباتی سیاسی، حوادث سایبری یا... رخ می‌دهند، واکنش واشنگتن اعطای اختیارات اضطراری و بودجه‌های ویژه است و «تحمل» را با «آمادگی» اشتباه می‌گیرد. سیستمی که صرفاً با اختلال لنگان لنگان پیش می‌رود، برای تداوم طراحی شده، نه بحران.»

در این مطلب آمده است: «در دهه گذشته، تاب‌آوری به معنای بازیابی خدمات پس از یک شوک بوده است. اگرچه این رویکرد ممکن است از فاجعه جلوگیری کند، اما یک کشور را برای رقابت، بازدارندگی یا جنگ آماده نمی‌سازد. اقتصاد آمریکا برای کارایی و مصرف در زمان صلح طراحی شده، نه تولید پایدار تحت فشار. بحران‌های اخیر این شکاف را آشکار کرده‌اند. جنگ اوکراین نشان داد مهمات با چه سرعتی تمام می‌شود و صنعت با چه کندی خود را احیا می‌کند. کمبودهای دوران همه‌گیری، از تجهیزات پزشکی گرفته تا نیم‌رساناها، وابستگی‌های شکننده در بخش‌های مختلف را آشکار کرد.

افراسو |

جنون بدون محدودیت!

گزارش گاردین از پایان توافق هسته‌ای مسکو و واشنگتن

به گزارش گاردین، واپسین معاهده هسته‌ای میان این دو قدرت، یعنی توافق «استارت نو»، روز پنج‌شنبه به پایان رسید و به این ترتیب مسکو و واشنگتن رسماً از مجموعه‌ای از محدودیت‌ها بر زرادخانه‌های هسته‌ای خود آزاد شدند که این امر هراس از یک مسابقه تسلیحاتی جهانی را برانگیخته است.

«آنتونیو گوتشر»، دبیرکل سازمان ملل متحد، انقضای پیمان استارت نورا در «لحظه‌ای خطرناک برای صلح و امنیت بین‌المللی» توصیف کرد، از ایالات متحده و روسیه خواست تا به سرعت قرارداد جدیدی برای کنترل تسلیحات هسته‌ای امضا کنند. وی در بیانیه‌ای اعلام کرد که برای نخستین بار در بیش از نیم قرن گذشته، ما با جهانی رو به رو هستیم که هیچ محدودیت الزام‌آوری بر زرادخانه‌های هسته‌ای راهبردی دو کشوری که اکثریت قاطع ذخایر جهانی سلاح‌های هسته‌ای را در اختیار دارند، وجود ندارد.

روسیه و آمریکا کنترل بیش از ۸۰ درصد کلاهک‌های هسته‌ای جهان را در دست دارند و به همین دلیل گوترش از واشنگتن و مسکو

هشدار اندیشکده آمریکایی به دولت دونالد ترامپ

اقتصاد آمریکا تحمل جنگ تازه ندارد!

وی با اشاره به بروز ناکامی‌های غرب در جنگ اوکراین افزود: «عرضه توپخانه متحدین نه به دلیل کمبود اراده سیاسی یا پول، بلکه به این خاطر کمبود داشت که سیستم‌های صنعتی بهینه‌شده برای زمان صلح، قادر به افزایش تولید با سرعت زمان جنگ نبودند. حتی با تأمین بودجه، گسترش تولید توپخانه در آمریکا سال‌ها طول کشیده و با کمبود مواد مورد نیاز، تجهیزات و نیروی کار آموزش دیده محدود شده است. محدودیت اصلی زمان بود، نه پول.»

این اندیشکده با تأکید بر این که آمریکا با برون‌سپاری کارخانه‌ها، همان اکوسیستم صنعتی که امکان رشد و تطبیق سریع تولید را فراهم می‌کند نیز برون‌سپاری کرد، نوشت: «حادثه خودروها این شکست را در مقیاس کوچک نشان داد: یک قطعی برق ساده، حسگرهای خودروها را مختل کرد؛ این اختلال، فرآیند تصمیم‌گیری خودران آنها را متوقف ساخت و احتیاط دیجیتال را به رکود فیزیکی تبدیل کرد. نکته کلیدی اینجا بود که هیچ قطعه منفردی به طور فاجعه‌باری خراب نشد. در عوض، کل سیستم به سادگی از کار افتاد. اگر این موضوع در مقیاس ملی رخ دهد، یک شکست مشابه، جریان نیرو و بسیج نظامی را مسدود و توان فراقتنی قدرت آمریکا در بحران را فلج خواهد کرد.»

پنجره |

هرج و مرج خودساخته

اعتراف نیویورک تایمز به سردرگمی دولت آمریکا

دولت ترامپ کوشیده است با حرکت شتابان و ایجاب هم‌زمان بحران‌های متعدد، مخالفان را در وضعیت سردرگمی دائمی نگه دارد. اما به گفته نیویورک تایمز، همین تاکتیک به فرسودگی خودساخته انجامیده است.

نیویورک تایمز تصریح می‌کند بر خلاف بسیاری از ریاست‌جمهوری‌ها که زیر فشار بحران‌های بیرونی پیش‌بینی نشده قرار می‌گیرند، دولت ترامپ عمدتاً خود خالق بحران‌هایش بوده است! رسانه آمریکایی فهرستی از تصمیم‌ها را برمی‌شمارد که به تشدید بی‌ثباتی انجامیده‌اند: اعمال تعرفه‌های دائماً متغیر، تهدید به تصاحب گرینلند از طریق فشار اقتصادی یا نظامی، پیگیری تحقیقات علیه رقبای سیاسی، تلاش علنی برای تحت فشار گذاشتن رئیس فدرال رزرو، و بیگانه‌سازی متحدان دیرینه آمریکا. این انتخاب‌ها تحمیلی نبودند، بلکه آگاهانه دنبال شدند.

رسانه آمریکایی با اشاره به فرهنگ مبتنی بر وفاداری افراطی و تملق در کابینه ترامپ تأکید می‌کند دولت ترامپ صرفاً با بحران‌ها دست‌وپنجه نرم نمی‌کند، بلکه خود به بحران تبدیل شده است!

زیرساخت دیجیتال نیز به همان اندازه آسیب‌پذیر است، زیرا اختلال در خدمات ابری می‌تواند به شکست لجستیک و فرماندهی و کنترل نظامی منجر شود. مشکل، فرسایش اکوسیستم صنعتی است که مسئول تبدیل قدرت اقتصادی به قدرت راهبردی است. تا زمانی که این تغییر نکند، تاب‌آوری آمریکایی مفهومی باقی می‌ماند، نه عملیاتی؛ معتبر بر روی کاغذ، اما شکننده تحت فشار.»

احتمال افزایش صد درصد قطع برق

پژوهشگر کالج جنگ نیروی دریایی ایالات متحده تصریح کرد: «همین مشکل در سراسر زیرساخت‌های حیاتی دیده می‌شود. یک گزارش وزارت انرژی هشدار می‌دهد که «به دلیل منابع انرژی غیرقابل اعتماد، قطعی برق تا سال ۲۰۳۰ ممکن است ۱۰۰ برابر افزایش یابد.» سیستم‌هایی که فاقد ظرفیت جهش هستند، در زمان صلح قابل اعتماد عمل می‌کنند، اما تحت فشار شکنندگی خود را نشان می‌دهند. بنابراین، بحث تاب‌آوری باید از حفظ عملکرد سیستم‌ها به اطمینان از توانایی احیا و تولید در مقیاس بزرگ تغییر کند. بدون عمق صنعتی، تاب‌آوری چیزی بیش از یک وضعیت تدافعی نیست؛ مفید برای اجتناب از فروپاشی، اما ناکافی برای رقابت یا درگیری.»

نیویورک تایمز در نوشتاری تصریح می‌کند: ویژگی شاخص دوره دوم ریاست‌جمهوری «دونالد ترامپ»، راهبردی مبتنی بر سرعت، تهاجم و ایجاد اختلال مداوم بسوده که در نهایت دولت او را دچار فرسودگی و آشفتگی کرده است. آنچه در ابتدا به‌عنوان تاکتیک حساب‌شده برای تسلط بر فضای سیاسی و خنثی‌سازی مخالفان معرفی می‌شد، در عمل به زنجیره‌ای از بحران‌ها انجامیده که کاخ سفید به‌طور فزاینده‌ای از مهار آنها ناتوان به نظر می‌رسد.

این روزنامه آمریکایی می‌نویسد: ریشه این شیوه حکمرانی به مفهومی بازمی‌گردد که «استیو بنن» استراتژیست پیشین کاخ سفید از آن به‌عنوان «سرعت دهانه» یاد کرده بود. بنن با استفاده از استعاره‌ای برگرفته از سلاح گرم، استدلال می‌کرد که بمباران مداوم فضای سیاسی بسا اقدامات و جنجال‌های متعدد، توان تمرکز و سازماندهی مخالفان را از بین می‌برد. این منطق از سوی حلقه نزدیک به ترامپ پذیرفته شد و بر این باور استوار بود که سرعت و شوک می‌تواند جایگزین انسجام برنامه‌ریزی و خویشنداری شود.

این گزارش می‌افزاید طی یک سال گذشته،

تله اروپا

«دیمیتری مدوف»، نایب رئیس شورای امنیت روسیه، گفت: «اروپا که به شدت به گاز ایالات متحده وابسته شده است، باید با بقایای حاکمیت، هزینه آن را بپردازد، گرینلند فقط آغاز ماجرا است.» وی افزود: «بروکسل که از واردات گاز روسیه خودداری کرده، حتی متوجه نیست که در چه دام وحشتناکی گرفتار شده است. همین چند روز پیش، رهبری اتحادیه اروپا مقررات مربوط به ممنوعیت کامل واردات تحت قراردادهای بلندمدت گاز طبیعی مایع روسیه را به اجرا گذاشت. واشنگتن نقش خود را به عنوان ناجی اتحادیه اروپا، با تأمین منابع انرژی، تثبیت خواهد کرد، اما سهم کمک‌ها فراتر از پول خواهد بود.»



ابزارسازی اجتماعی

«برتران بدیع»، نظریه‌پرداز حوزه روابط بین‌الملل، گفت: «ایران نمونه‌ای از کشوری است که آنچه در آن جریان دارد، بیش از هر چیز بیانگر «انرژی اجتماعی» است.» به گفته وی، این انرژی اجتماعی نه قابل مهندسی است و نه قابل ابزارسازی در خدمت راهبردهای خارجی. بدی صراحتاً هشدار داد که تلاش برای استفاده از اعتراضات اجتماعی ایران به‌عنوان اهرم فشار یا توجیه اقدام نظامی، خطایی جدی و پرهزینه است و افزود: «نمی‌توان از پشت میز، برای مردمی که در میدان زندگی می‌کنند، تصمیم گرفت و آنها را به سمت مرگ فرستاد. چنین رویکردی نه اخلاقی است و نه از نظر سیاسی و راهبردی قابل دفاع.»



محاكمه بين المللى

«یهود المرت»، نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی، گفت: «تلاشی خشونت‌آمیز و جنایتکارانه برای پاکسازی قومی در کرانه باختری در حال وقوع است که توسط گروه‌هایی از شهرکنشینان مسلح و خشن، با آزار و اذیت، ضرب‌وشتم و حتی قتل فلسطینیانی را که در آنجا زندگی می‌کنند، انجام می‌شود.» وی ابراز امیدواری کرد که جامعه بین‌المللی اقداماتی سیاسی اتخاذ کند که این رژیم را وادار به فعال‌سازی سازوکارهای لازم برای توقف جنایات علیه بشریت کند. وی افزود: «شاید در نهایت، هیچ گزینه‌ای جز آن نباشد که دیوان کیفری بین‌المللی به مرجع ناگزیر برای تحقیق، شناسایی مسئولان و اتخاذ اقداماتی تبدیل شود که سرانجام به بازداشت و محاکمه آنان خواهد انجامید.»





نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد

این روزها، کمتر محفلی است که در آن، گفت‌وگو به این پرسش ختم نشود: «واقعاً چه می‌شود؟». چه در میان اهالی بازارو اقتصاد، چه در حلقه هادیان سیاسی و سیاست‌ورزان، یا حتی در جمع‌های خانوادگی و دوستانه، این سؤالِ است که چون سایه‌ای سنگین، بر ذهن و زبان اغلب افراد سنگینی می‌کند. اگر دقت کنیم سؤالِی مانند «آیا قیمت‌ها ثبات می‌یابند؟»، «آینده سیاسی منطقه به کدام سو می‌رود؟»، «تحولات منطقه چه چشم‌اندازی را رقم خواهد زد؟» بازتاب‌دهنده حقیقت زندگی ما در عصر «عدم قطعیت» است! عصری که سرعت سرسام‌آور تغییرات، پیچیدگی فزاینده روابط، و گسترده‌گی ابعاد تحولات، هرگو نه‌پیش‌بینی سریعی از چشم‌انداز آینده را دشوار کرده است. نگارنده بر این عقیده است که این پرسشگری، به خودی خود، نشانه‌ای مبارک است چرا که نشان از تلاشی انسانی و عقلانی برای چیرگی بر نادانسته‌ها، و یافتن قطب‌بنمایی در اقیانوس متلاطم رو به آینده است. در واقع این پرسشگری، تلاشی است برای تقویت «عقلانیت متقدم»؛ یعنی ظرفیت اندیشیدن پیش‌دستانه، طراحی سناریوهای محتمل، و مهیا ساختن سازوکارهای لازم پیش از آنکه پدیده‌ها و چالش‌ها، ما را غافلگیر کنند. غفلت از این مهم، ما را به ورطه «عقلانیت متاخر» می‌کشاند؛ رویکردی واکنشی که هزینه‌های مدیریتی را به شدت افزایش داده و کشورمان را در چرخه‌ای فرسایشی از حل مسائل پس از وقوع آنها قرار می‌دهد. در میانه این میدان پر تلاطم، تقویت عقلانیت متقدم، نه تنها یک انتخاب، که یک ضرورت راهبردی برای حفظ و پیشبرد منافع ملی کشورمان است.

اهمیت فهم عدم قطعیت!

برای حرکت در مسیر آینده، نخست باید ماهیت «عدم قطعیت» را به درستی درک کرد. این مفهوم، آن‌گونه که اقتصاددان برجسته‌ای چون «فرانک نایت» برای اولین بار تبیین کرد، فراتر از «ریسک» است. «ریسک» را می‌توان همچون بازی با تاس دید؛ یعنی هر چند از نتیجه نهایی پرتاب تاس بی‌خبریم، اما تمامی نتایج ممکن (اعداد ۱ تا ۶) و احتمال وقوع هر یک (یک ششم) را می‌دانیم. این وضعیت، قابل اندازه‌گیری، تحلیل و برنامه‌ریزی است. اما «عدم قطعیت» دنیایی دیگر است! یعنی جایی که نه تنها از نتیجه بی‌خبریم، بلکه حتی احتمال وقوع نتایج ممکن نیز برایمان ناشناخته و غیرقابل محاسبه است. مادر این حالت، قادر به ترسیم یک توزیع احتمالی مشخص برای آینده نیستیم. عدم قطعیت شکل تدرتی هم تحت عنوان «عدم قطعیت رادیکال» دارد که یک قدم فراتر رفته و ما را به دروازه «ناشناخته‌های ناشناخته» رهنمون می‌شود! این مفهوم، به وضعیتی اشاره دارد که در آن، ما حتی قادر به فهرست کردن تمامی نتایج ممکن که ممکن است رخ دهند، نیستیم. رویدادهایی که نه تنها نادر و غیرقابل پیش‌بینی‌اند، بلکه تأثیرات عظیمی بر جای می‌گذارند و به کلی خارج از دایره انتظارات و مدل‌های تحلیلی ما قرار دارند. در چنین جهانی، پرسش

نگاهی نو به مفهوم عقلانیت متقدم، قطب‌نمای حرکت در اقیانوس عدم قطعیت‌ها

چه خواهد شد؟!

محوری دیگر این نیست که «احتمال وقوع رویداد X چقدر است؟»، بلکه این است که «چه رویدادهای Y و Z... دیگری وجود دارند که ما حتی به وجود آنها فکر هم نکرده‌ایم؟».

چالش‌های حکمرانی در عصر عدم قطعیت

جهان ما به دلایل متعددی، به سرعت به سمت افزایش عدم قطعیت در حرکت است و این امر، چالش‌های بی‌سابقه‌ای را برای حکمرانی و تصمیم‌گیری‌های راهبردی ایجاد کرده است. نخست، پیچیدگی روزافزون ساختار و روابط جهانی است. اقتصاد، سیاست، فرهنگ و امنیت در هم تنیده‌اند و هر کنش و واکنش در یک بخش، می‌تواند اثرات دومینوار و غیر خطی در سایر بخش‌ها ایجاد کند. این عدم قطعیت، دیگر از یک حوزه خاص نیست، بلکه ماهیتی فراگیر و نظام‌مند دارد. دوم، سرعت سرسام‌آور تحولات فناورانه است. ظهور و گسترش فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی، بیوتکنولوژی، و کوانتوم، پیامدهایی را در پی دارد که حتی متخصصان برجسته نیز قادر به پیش‌بینی کامل آنها نیستند. تأثیرات این فناوری‌ها بر اشتغال، ساختارهای اجتماعی، امنیت ملی و حتی تعریف هویت انسانی، ابعاد ناشناخته‌ای دارند. سوم، پویایی عامل انسانی است. رفتارهای انسانی، که عمیقاً تحت تأثیر روایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی، و روانشناسی جمعی قرار دارند، هرگز به طور کامل قابل مدل‌سازی و پیش‌بینی نیستند. تغییرات سریع در افکار عمومی، الگوهای مصرف، و تمایلات سیاسی، به لایه جدیدی از عدم قطعیت در تصمیم‌گیری‌های حکومتی می‌افزاید. این سه عامل، به همراه یکدیگر، مدل‌های پیش‌بینی سنتی را که بر پایه داده‌های گذشته و مفروضات خطی بنا شده‌اند، ناکارآمد می‌سازند. انکای بیش از حد به این مدل‌ها، می‌تواند به «غافلگیری‌های راهبردی» منجر شود که هزینه‌های جبران‌ناپذیری برای هر کشوری به دنبال خواهد داشت. بنابراین، مواجهه با عدم قطعیت، نیازمند یک «تغییر پارادایم» اساسی در شیوه‌های دولت‌داری و سیاست‌گذاری است. به جای تلاش برای بهینه‌سازی سیستم برای یک آینده منفرد و مفروض، سیاست‌گذاری باید بر «تاب‌آوری» متمرکز شود؛ یعنی ساختن ظرفیت‌هایی که بتوانند در برابر

شوک‌های غیر منتظره دوام آورده، و با کمترین چالش و هزینه، خود را با شرایط جدید وفق دهند. این رویکرد، مستلزم برنامه‌ریزی سناریوهای متعددی برای آینده و توسعه راهبردهای انطباق‌پذیر است که انعطاف‌پذیری لازم را برای واکنش سریع و هوشمندانه به تغییرات فراهم آورد.

راهبرد مواجهه با عدم قطعیت

مفهوم «عقلانیت»، در قلب روندهای تصمیم‌گیری و مدیریت جای گرفته است. اما انواع عقلانیت، رویکردهای متفاوتی به مواجهه با «آینده» دارند. عقلانیت ابزاری، که بر کارایی و یافتن کارآمدترین ابزارها برای رسیدن به اهداف متمرکز است، هرچند در کوتاه‌مدت می‌تواند به بهره‌وری کمک کند، اما در بلندمدت ممکن است به قفس آهنین عقلانیت تبدیل شود؛ یعنی سیستمی خشک و بی‌روح که خلاقیت را کشته و انسان را تایم منطقی‌های خشک و محاسباتی صرف می‌کند. این نوع عقلانیت، به تنهایی، در مواجهه با عدم قطعیت، ناکارآمد است. در مقابل، «عقلانیت متقدم»، همانگونه که پیشتر اشاره‌شد، به معنای نگاهی جامع، آینده‌نگر و پیش‌دستانه است. این عقلانیت، به دنبال کاهش سطح عدم قطعیت از طریق طراحی آینده، نه فقط واکنش به آن، است. این رویکرد، از طریق تحلیل روندها، مطالعه تاریخ تطبیقی، و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فکری و پژوهشی، سعی در روشن کردن تصویر آینده دارد. این به معنای نادیده گرفتن عقلانیت ابزاری نیست، بلکه به کارگیری آن در چارچوب و خدمت یک عقلانیت راهبردی و ارزشی بالاتر است. «عقلانیت متاخر» اما، رویکردی است که صرفاً پس از بروز مسائل، به دنبال راه‌حل می‌گردد؛ شبیه به آتش‌نشانی که تنها پس از شعله‌ور شدن آتش، وارد عمل می‌شود. این شیوه، هرچند در مواقع اضطراری لازم است، اما اگر به رویکرد غالب تبدیل شود، منجر به فرسایش منابع، از دست رفتن فرصت‌های طلایی، و در نهایت، گرفتار شدن کشور در چرخه مدیریت بحران می‌شود. در شرایط کنونی، که دشمنان کشورمان به شکل ویژه برای تضعیف و فرسوده ساختن توان ملی تلاش می‌کنند، تحمیل عدم قطعیت بر جامعه و نظام تصمیم‌گیری، یکی از تاکتیک‌های اصلی آنهاست. هدف آنها، سوق دادن کشورمان به سمت «عقلانیت

تقویت عقلانیت متقدم، نه تنها یک انتخاب، که یک ضرورت راهبردی برای حفظ و پیشبرد منافع ملی کشورمان است.

«عدم قطعیت» یعنی نه تنها از نتیجه بی‌خبریم، بلکه حتی احتمال وقوع نتایج ممکن نیز برایمان ناشناخته و غیر قابل محاسبه است. ما در این حالت، قادر به ترسیم یک توزیع احتمالی مشخص برای آینده نیستیم.

عدم قطعیت، نیازمند یک «تغییر پارادایم» اساسی در شیوه‌های دولت‌داری و سیاست‌گذاری است. به جای تلاش برای بهینه‌سازی سیستم برای یک آینده منفرد و مفروض، سیاست‌گذاری باید بر «تاب‌آوری» متمرکز شود؛ یعنی ساختن ظرفیت‌هایی که بتوانند در برابر شوک‌های غیر منتظره دوام آورده، و با کمترین چالش و هزینه، خود را با شرایط جدید وفق دهند.

«عقلانیت متقدم»، به معنای نگاهی جامع، آینده‌نگر و پیش‌دستانه است. این عقلانیت، به دنبال کاهش سطح عدم قطعیت از طریق طراحی آینده، نه فقط واکنش به آن، است. این رویکرد، از طریق تحلیل روندها، مطالعه تاریخ تطبیقی، و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فکری و پژوهشی، سعی در روشن کردن تصویر آینده دارد.

چه مسیری را انتخاب کنم؟

رشته و حرفه‌کاری، نیازمند اتخاذ رویکردی بر پایه عقلانیت متقدم در انتخاب رشته و مسیر شغلی هستیم. این رویکرد، به معنای پرهیز از تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده یا بر پایه تعاریف سنتی و ناکارآمد از مفهوم «موفقیت»، و در عوض، مبتنی بر تحلیل دقیق و آینده‌نگرانه از بازار کار است.

علاوه بر این عقلانیت متقدم، به دانش‌آموزان والدین حکم می‌کند تا به جای انکا به اعتبار گذشته یا صرف علاقه، به داده‌های امروز و چشم‌اندازهای فردایی که هوش مصنوعی نقش مهمی در شکل دادن آن دارد توجه کنند. برای مثال، رشته‌هایی مانند پزشکی، حقوق، مهندسی کامپیوتر، برق، حسابداری و... از جمله رشته‌های هستند که اگر چه امروز بازار کار خوبی دارند اما در سال‌های نه چندان دور آینده با هوش مصنوعی و ربات‌ها جایگزین

مرزهای میان رشته‌ها در هم تنیده شده و تخصص‌های دیروز، ممکن است پاسخگوی نیازهای فردا نباشند. این عدم قطعیت در رابطه با آینده شغلی، اگر به درستی مدیریت نشود، می‌تواند منجر به سرمایه‌گذاری‌های عظیم زمانی، مالی و انسانی در مسیرهایی شود که در نهایت، به سر منزل مقصود نمی‌رسند. چه بسیار جوانانی که سالیان طلایی عمر و شور خود را در رشته‌هایی سپری می‌کنند که با واقعیت‌های بازار کار آینده کشورمان همخوانی ندارند و تنها خروجی آن تولید نسل جوان ناراضی است. این ناهماهنگی، نه تنها به سرخوردگی فردی منجر می‌شود، بلکه منابع ارزشمند کشور را نیز به هدر می‌دهد؛ منابعی که می‌شد و می‌شود در مسیرهای کارآمدتر و مؤثرتر، به توسعه و پیشرفت کشورمان یاری رسانند.

برای غلبه بر این عدم قطعیت در انتخاب

متاخر» و درگیر کردن مادر یک جنگ فرسایشی است. **♦ بسج نخبگانی؛ سپر دفاعی کشور** مواجهه با تاکتیک دشمن و غلبه بر عدم قطعیت، نیازمند یک بسج نخبگانی همه‌جانبه در کشورمان است. این بسج، به معنای فعال‌سازی و هم‌افزایی تمامی ظرفیت‌های فکری، تحلیلی و راهبردی است که در دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی، دستگاه‌های اجرایی، و حتی در میان اصحاب رسانه و افکار عمومی آگاه وجود دارد. سیاست‌گذاران، مدیران، پژوهشگران، و فعالان رسانه‌ای، همگی باید در یک جبهه واحد، به کاهش سطح عدم قطعیت در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی تلاش کنند. این هم‌افزایی نخبگانی، باید بر اساس یک رویکرد بینارشته‌ای، سیاست‌محور، داده‌بنیاد و ناظر به منافع ملی استوار باشد. ما باید با استفاده از روش‌های تحلیل روندها، سناریونویسی، و تاریخ تطبیقی، به شناسایی «ناشناخته‌های ناشناخته» بپردازیم. برای آنها سناریوهای محتمل ترسیم کنیم، و راهبردهای تاب‌آوری و انطباق‌پذیری را پیشنهاد دهیم. این رویکرد، مانع از غلبه عدم قطعیت بر نظام تصمیم‌گیری و شکل‌گیری انواع پرهزینه و سخت عدم قطعیت، از جمله عدم قطعیت رادیکال، بر تصمیم‌سازی‌های خرد و کلان کشور می‌شود. به تقویت عقلانیت متقدم و بسج ظرفیت‌های نخبگانی، کشورمان نه تنها می‌تواند در برابر تلاش‌های دشمن برای ایجاد ترلزل در اراده ملی مقاومت کند، بلکه قادر خواهد بود با انکا به خودباوری علمی و عملی، آینده‌ای روشن‌تر و بایاث‌تر را برای خود رقم بزند.

جمع‌بندی و چشم‌انداز راهبردی

در شرایط امروز منطقه و جهان که با فشارهای بی‌سابقه خارجی، تهدیدات مستمر و تحریم‌های ظالمانه علیه کشورمان همراه است، عقلانیت متقدم بیش از پیش به مثابه قطب‌نمای حرکت و سپر دفاعی ما ظاهر می‌شود. این دوران، اگر چه مملو از چالش‌هاست، اما در عین حال فرصتی بی‌بدیل برای نمایش اقتدار و تاب‌آوری ملی کشورمان است. با این رویکرد، ما نه صرفاً به تهدیدات واکنش نشان می‌دهیم، بلکه با نگاهی بلندمدت و آینده‌نگر، فعالانه آینده خود را طراحی کرده و مسیر حرکت را در دست می‌گیریم. کلید گذر از این گرده‌دشوار و خشنی‌سازی توطئه‌هایی که به دنبال فرسایش توان و القای یأس در جامعه ما هستند، در «وحدت ملی» و «انسجام درونی» نهفته است. ممکن است در میان آحاد جامعه و نخبگان، اختلاف سلیقه‌های سیاسی، فرهنگی یا دیدگاهی وجود داشته باشد؛ امری طبیعی و حتی ضروری برای بالندگی جامعه. اما هنر عقلانیت متقدم در این است که این تفاوت‌ها، نه تنها به شکاف و واگرایی منجر نشوند، بلکه با تبدیل شدن به ظرفیت‌های متنوع، به تقویت هم‌افزایی و همبستگی ملی بدل گردند. دشمنان کشورمان دقیقاً به دنبال ایجاد تفرقه و استهلاک انرژی داخلی ما در مسیر اختلافات کم‌اهمیت هستند تا بتوانند به تمامیت ارضی و منافع راهبردی کشورمان آسیب برسانند. بنابراین، با تقویت عقلانیت متقدم و با حفظ انسجام و همبستگی ملی، می‌توانیم این دوره پر مخاطره را با اقتدار پشت سر بگذاریم. آینده، از آن ملتی است که با خرد جمعی، وحدت کلمه، و اعتماد به نفس، چالش‌ها را به فرصت تبدیل کند و با تکیه بر اراده پولادین خود، مسیر توسعه و امنیت پایدار را برای کشورمان رقم بزند. این، همان عقلانیت بومی‌سازی شده است که ضامن عبور سرافرازانه کشورمان از طوفان‌های پیش رو خواهد بود.

خواهند شد و تنها رشته‌هایی بازار کار مناسب خواهند داشت که هوش مصنوعی و ربات‌ها قادر به جایگزینی آنها نیست.

در این مسیر، مسئولیت تنها بر دوش دانش‌آموزان و والدین نیست. نظام آموزش عالی کشور، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها نیز باید نقش محوری خود را در پایش مستمر وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان ایفا کنند. همانطور که از سال ۱۳۹۷، طرح پایش اشتغال دانش‌آموختگان آغاز شده است، این نهادها باید با ساماندهی دوره‌های مهارت‌افزایی، فعال‌سازی مشاوره‌های شغلی و برقراری ارتباط مستمر با صنعت، فاصله میان آموزش و نیازهای بازار کار را پر کنند. این هم‌افزایی، به تربیت نیروی انسانی توانمند و ماهر منجر می‌شود که سرمایه‌ای بی‌بدیل برای کشورمان در شرایط کنونی است.

۵

راهبرد

شماره ۱۳۲۵ | دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۴

صداقت

دیگران

نسل از دست رفته!

صبح صادق این بادداشت را صرفاً جهت اصلاع مخاطبان منتشر می‌کند!*

بریتانیا با بحرانی جدی در آماده‌سازی نسل جوان خود برای ورود به بازار کار مواجه است. تازه‌ترین تحقیقات سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) با عنوان «وضعیت آمادگی نوجوانان برای مشاغل جهانی» نشان می‌دهد شکاف عمیقی میان آرزوهای شغلی معمول جوانان و نیازهای واقعی و رو به رشد بازار کار وجود دارد. این گزارش، در کنار آمار رسمی اداره آمار ملی بریتانیا که از وجود نزدیک به یک میلیون جوان خارج از چرخه تحصیل و اشتغال حکایت دارد، زنگ خطر را برای شکل‌گیری یک «نسل از دست رفته» به صدا درآورده است.

درحالی‌که از ابتدای قرن بیست و یکم، مشاغلی در حوزه‌های دیجیتال، محاسبات، علم داده، انرژی‌های تجدیدپذیر و صنایع سبز به سرعت رشد کرده‌اند، آرزوهای شغلی جوانان در ۲۵ سال گذشته تغییر چندانی نکرده است. بسیاری از آنان، همچنان بر تعداد معدودی از مشاغل سنتی مانند «بازیگری، پزشکی و وکالت» تمرکز دارند یا به سمت آرزوهای غیرواقع‌بینانه‌ای چون «اینفلوئنسر شبکه‌های اجتماعی و ستاره ورزشی» سوق پیدای می‌کنند؛ مشاغلی که شانس موفقیت در آنها بسیار اندک است. این تمرکز بر روی تعداد محدودی از مشاغل، در تناقض آشکار با نیازهای رو به رشد صنایع کلیدی کشور است. تحقیقات نشان می‌دهد که ۴/۴۶ درصد از جوانان بریتانیایی نسبت به گزینه‌های شغلی خود ناامطمن هستند که این رقم نسبت به سال ۲۰۱۸ با ۶/۲۴ درصد، افزایش قابل توجهی داشته و بریتانیا را در میان ۸۰ کشور مورد بررسی، در رده‌های پایین قرار می‌دهد.

«نیک چمبرز»، مدیرعامل مؤسسه خبریه «آموزش و کارفرمایان»، با ابراز نگرانی عمیق از این وضعیت، تأکید کرده است که ما در قبال آماده‌سازی نسل‌های آینده برای ورود به دنیای کار کوتاهی می‌کنیم. او این وضعیت را نه تنها به معنای هدر رفتن پتانسیل فردی جوانان، بلکه به مثابه یک «هزینه هنگفت» برای اقتصاد و مالیات‌دهندگان بریتانیا در سطح کلان می‌داند. دانش جوانان در مورد مشاغل و فرصت‌های موجود، عمدتاً تحت تأثیر دایره ارتباطات آشنایان، تلویزیون و رسانه‌های اجتماعی قرار دارد.

این مؤسسه خبریه خواستار اقدام فوری برای گسترش چشمگیر تلاش‌ها به منظور کمک به جوانان است تا «آنچه را که می‌توانند باشند، ببینند». این امر می‌تواند به سرعت و به آسانی، از طریق طرح‌هایی مانند برنامه «الهام‌بخش آینده» محقق شود. در این برنامه، داوطلبان از اقشار مختلف شغلی، از «کارآموزان تا مدیران ارشد»، و از «تحلیلگران هوش مصنوعی تا جانورشناسان»، به صورت حضوری یا مجازی با دانش‌آموزان به گفت‌وگو می‌پردازند و آنها را بدنیای کار و مسیرهای شغلی متنوع آشنا می‌کنند. تحقیقات گسترده نشان می‌دهد که مداخلات مستمر، به ویژه از دوران ابتدایی، تأثیر چشمگیری بر انتخاب‌های آینده زندگی کودکان خواهد داشت. این مؤسسه به دنبال حمایت کارفرمایان، سیاستمداران و مدارس است تا بتواند این طرح را به سرعت گسترش داده و تعداد جوانان تحت پوشش را از حدود نیم میلیون به یک میلیون و سپس به پنج میلیون نفر برساند. اکنون زمان اقدام برای تضمین پیش‌رو کامل جوانان از فرصت‌های شغلی می‌شود و اطمینان از وجود نیروی کار مورد نیاز برای آینده‌ای پویا و شکوفا برای اقتصاد جامعه بریتانیاست.

***مؤسسه آموزش و کارفرمایان انگلیس**

یادداشت

راه هدایت سرمایه‌ها؟

جعفر قادری

عضو کمیسیون برنامه،
بودجه

یکی از موضوعاتی که در سالیان گذشته می‌بایست در بالاترین سطوح از سوی دولت و تمامی ارکان حاکمیت دنبال می‌شد؛ رشد و جهش تولید بود. با این حال متأسفانه رشد و جهش تولید که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه اقتصاد کشور و ارز آوری به شمار می‌رود، آنچنان که باید و شاید در اولویت توجه و تمرکز دولت‌ها قرار نگرفت.

بی‌تردید بعد از تشدید تحریم‌ها از سال ۱۳۹۷ دولت وقت و دولت‌های بعدی می‌بایست بخش اعظم توجه و تمرکز خود را بر رشد تولید قرار می‌دادند، یعنی رشد و جهش تولید را باید با زمینه‌سازی و تسهیل‌گری‌های لازم رقم می‌زدند اما این اتفاق رخ نداد لذا علی‌رغم اینکه از تحقق شعار رشد و جهش تولید دیرزمانی گذشته اما برای عملیاتی کردن این موضوع مهم نباید لحظه‌ای را از دست داد.

مجلس شورای اسلامی در کنار دولت چهاردهم متعهد آن است که در موضوع رشد و جهش تولید اولین اولویت را بر تسهیل‌گری تولید و حمایت‌های متعدد از بنگاه‌های تولیدی قرار دهد زیرا بخش عمده‌ای از عدم توفیق تولید در دست‌یابی به جایگاه مناسب ناشی از در دسترس نبودن یا فراهم نشدن زیرساخت‌های مناسب تولید است.

تسهیل‌گری راه رشد واحدهای تولیدی و هدایت سرمایه‌ها به سمت تولید را باز می‌کند از این رو با فضاسازی‌های لازم برای عبور از سنگ‌اندازی‌هایی که مانع سرمایه‌گذاری در تولید شده‌اند می‌توان نقدینگی را به بخش مولد بازگرداند و نقدینگی سرگردان را از بازار دارایی‌های تورم‌زا دور کرد. از جمله عواید تسهیل‌گری و حذف قوانین و بروکراسی‌های دست و پاگیر افزایش تولید در مقیاس‌های بزرگ است. در این موضوع تردیدی نیست در شرایط فعلی کشور که با چالش رکود تورمی دست و پنجه نرم می‌کنیم بهترین راهکار عبور اقتصاد کشور از بحران‌ها و بن‌بست‌های پیش‌رو، حمایت از تولید در راستای تسهیل فضای کسب‌وکار و رفع موانع تولید است.

با توجه به اینکه اگر سیاست‌گذار خواستار تأمین مالی واحدهای تولیدی با روش اعطای تسهیلات بانکی باشد این روند موجب افزایش و رشد نقدینگی کشور شود، به بیان بهتر هم‌زمان با تأمین نیاز مالی واحدهای تولیدی پایه پولی افزایش بیابد و زمینه‌ساز رشد تورم و مشکلات دیگری شود از این رو باید به سراغ روش‌های غیر تورمی تأمین مالی مانند اوراق گام یا الکترونیک و... یا استفاده از صندوق‌های ارزی و سپرده‌گذاری ارزی حرکت کرد تا منابع ارزی خانگی وارد سیستم بانکی شود تا باین روش بخش عمده‌ای از تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی تأمین شود.

بی‌شک تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی یک حمایت مهم از فعالیت‌های تولیدی به شمار می‌رود، اما تأمین مالی نباید منجر به افزایش تورم شود. از این‌رو باید از همه ظرفیت‌های مالی غیر تورم‌زای کشور برای حمایت از تولید، کاهش واردات و عدم خروج ارز از کشور بسیج شوند.



ساحل عباسی

خبرنگار

عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان و استاد اقتصاد گفت: «جلوگیری از سرکوب دستوری قیمت‌ها مؤلفه بسیار مهمی در امیدواری به فعالیت در بخش تولید و تجارت کشور است. در صورتی که مردم قدرت خرید نداشته باشند، نقدینگی مورد نیاز بنگاه‌های تولیدی تأمین نمی‌شود؛ بنابراین چرخ تولید از حرکت می‌ایستد و فاجعه‌ای که در اقتصاد رخ می‌دهد سایر حوزه‌ها از جمله مسائل اجتماعی و سیاسی را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.»

«رحمان سعادت» کارشناس اقتصادی و عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان در گفت‌وگو با «صبح صادق» درباره سازوکارهای حمایتی از اقشار ضعیف جامعه با راهبرد اعطای کالابرگ یک میلیون تومانی به نقاط ضعف و قوت این طرح اشاره کرد و گفت: «در موضوع طرح اعطای کالابرگ یک میلیون تومانی در راستای کمک به بهبود معیشت مردم با توجه به در پیش گرفتن سیاست حذف ارز ترجیحی، دولت خواستار آن شده تا آخرین حلقه و زنجیره خرید یعنی مردم و مصرف‌کننده واقعی از یارانه یا کالابرگ یک میلیون تومانی برخوردار شود. هر چند بر خورداری مصرف‌کننده واقعی رویکرد خوبی است؛ اما با توجه به آثار تورمی حذف ارز ترجیحی و عدم تقویت قدرت خرید مردم در بازه زمانی کوتاهی که پشت سر گذاشته‌ایم، به نظر می‌رسد این طرح شائبه‌ها و ابدها و ناپایدایی داشته باشد.»

وی ادامه داد: «حذف ارز ترجیحی در نگاه نخست تصمیمی جذاب و به ظاهر اصلاح‌گرانه به نظر می‌رسد؛ تصمیمی که مدافعان آن با تکیه بر مفاهیمی چون مبارزه با رانت، فساد و اتلاف منابع از آن دفاع می‌کنند. با این حال، اقتصاد ایران امروز از شرابطی قرار دارد که تورم بالای ۵۰ درصد در آن به یک واقعیت مزمن تبدیل شده است. در چنین فضایی، هر شوک قیمتی جدیدی می‌تواند به سرعت به انتظارات تورمی دامن بزند و جامعه را وارد یک چرخه تورمی شدیدتر کند. حذف ارز ترجیحی دقیقاً از همین جنس شوک‌هاست و همانطور که دیدیم بعد از حذف ارز ترجیحی قیمت‌ها با سرعتی بسیار بالا تعدیل شدند و مردم هر روز با قیمت‌های

صادرات رادیوداروها

صنعت داروی ایران که قدمتی نزدیک به یک قرن دارد، مسیر تحول خود را پس از انقلاب در سه مرحله کلیدی پیمود: ملی‌سازی در دوران دفاع مقدس، تقویت تولید داخلی با ورود بخش خصوصی در دوران سازندگی و جهش دانش‌بنیان‌ها در دهه ۸۰. امروز بیش از ۹۷ درصد داروهای کشور در داخل تولید می‌شود و سهم واردات به ۱۸ درصد کاهش یافته است. با تولید ۷۰ درصد مواد اولیه دارویی داخلی و حضور در حوزه‌های نوین بیوتکنولوژی، ایران توانسته تاب‌آوری خود را در دوران کرونا نشان دهد. هدف اکنون توسعه صادرات و تبدیل صنعت دارو به موتور ارزآوری برای اقتصاد ملی است.



رحمان سعادت در گفت‌وگو با صبح صادق

حقوق و دستمزد باید واقعی شود



جدیدی رویه‌رو می‌شوند و این تکرار روزانه، ذهنیت افزایش مداوم قیمت‌ها در آینده را تثبیت می‌کند. «وی در این باره یادآور شد: «اگرچه دولت تلاش می‌کند بعد از حذف کامل ارز ترجیحی نرخ‌ها را واقعی کند یعنی بر این موضوع تأکید دارد که باید به سمت آزادسازی نرخ‌ها برویم، واقعی شدن قیمت‌ها را برای رقابت در امر تجارت یک بار برای همیشه در اقتصاد ایران اعمال و نهادینه کنیم اما این موضوع ابهاماتی دارد به عنوان مثال همه پای واقعی شدن قیمت‌ها دولت تلاشی برای واقعی شدن حقوق و دستمزد نکرده است. بنابراین تا این موضوع به سرانجام روشنی نرسد، نمی‌توان گفت دولت نگاه جامعی به سمت و سوی حمایت از معیشت و رفاه مردم دارد.»

این کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی معتقد است: «اگرچه دولت معتقد است یارانه باید به مصرف‌کننده نهایی یعنی مردم داده شود و توزیع ارز ترجیحی که بیشتر به توزیع رانتی شبیه بود از بین برود و مردم عادی از عواید این طرح برخوردار شوند؛ اما دولت قدرت خرید مردم را از یاد برده است. با افزایش‌هایی که در قیمت بسیاری از کالاها یا به عبارت دیگر همه کالاها حتی کالاهایی که در زمره کالاهای اساسی نیستند رخ داد، یک میلیون کالابری که داده می‌شود نمی‌تواند جبران‌کننده تورمی باشد که اجرای این طرح ایجاد کرده است.» سعادت در ادامه بحث یادآور شد: «دولت معتقد است با حذف ارز ترجیحی و اعطای یارانه یک میلیون تومانی قدرت خرید مردم افزایش می‌یابد،

این موضوع زمانی درست است و نتیجه می‌دهد که همپای افزایش نرخ‌ها مثل بسیاری از کشورهای منطقه و کشورهای جهان که اقتصاد آزادی دارند حقوق‌ها نیز به روز شود؛ نه اینکه حقوق‌ها در همان سطوح اولیه بسیار پایین باقی بماند اما دولت توقع داشته باشد بعد از حذف ارز ترجیحی و با کمک یارانه یک میلیون تومانی معیشت مردم بهبود بیابد.» عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان تأکید کرد: «امیدواریم در آینده‌ای نه چندان دور با باز شدن فضای رقابت آزاد در امر تجارت شاهد حضور تاجران باشیم که وابسته به ارز دولتی و رانت نیستند و هدف آنها رقابت برای جذب بیشتر مشتری باشد، این موضوع در نهایت به نفع مردم تمام می‌شود البته اگر ساز و کارهای تسهیل تولید و بازار و فضای آزاد تجارت فراهم شود و دولت دست از بروکراسی‌ها و فضاسازی‌های خسته و کسل‌کننده بردارد.»

وی در این باره یادآور شد: «در صورتی که همت دولت به این سمت باشد که تسهیل فضای کسب‌وکار و تسهیل‌گری را در دستور کار قرار دهد، این امیدواری وجود دارد که بازار به ثباتی در نرخ‌ها برسد زیرا رانت وارداتی از بین می‌رود و براساس نیاز بازار، کالاهای مورد نیاز وارد کشور می‌شود. در صورتی که دولت نظارتی بدون کنترل‌گری و بدون نرخ‌گذاری دستوری روی بازار داشته باشد و این بار فضا را برای ورود تجار و بازرگانانی باز بگذارد که براساس قابلیت‌های خود و شناخت از بازار و نیازهای مردم تصمیم به وارد کردن اقلام و نهاده‌ها و مواد اولیه مورد نیاز تولید می‌کنند می‌توان به ثبات

حذف ارز ترجیحی تصمیمی جذاب و به ظاهر اصلاح‌گرانه به نظر می‌رسد؛ تصمیمی که مدافعان آن با تکیه بر مفاهیمی چون مبارزه با رانت، فساد و اتلاف منابع از آن دفاع می‌کنند.

دولت معتقد است با حذف ارز ترجیحی و اعطای یارانه یک میلیون تومانی قدرت خرید مردم افزایش می‌یابد، این موضوع زمانی درست است و نتیجه می‌دهد که همپای افزایش نرخ‌ها مثل بسیاری از کشورهای منطقه و کشورهای جهان که اقتصاد آزادی دارند حقوق‌ها نیز به روز شود

ثبات درسیاست‌ها را حتی می‌توان مؤثرتر از اتخاذ و تدوین سیاست‌های درست عنوان کرد؛ زیرا بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری‌ها و از یک سیاست به سیاست دیگر تغییر مسیر دادن بازار و تجار و فعالان بازار را خسته، کلافه و نگران می‌کند

حذف ارز ترجیحی در نهایت به نفع مردم تمام می‌شود البته اگر ساز و کارهای تسهیل تولید و بازار و فضای آزاد تجارت فراهم شود و دولت دست از بروکراسی‌ها و فضاسازی‌های خسته و کسل‌کننده بردارد

شاخص

بدهی ۱۰۰ درصدی

وزارت دارایی اوکراین اعلام کرد بدهی دولتی این کشور در سال ۲۰۲۵ نزدیک به ۳۰ درصد افزایش یافته و به ۹۸/۴ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است. تا پایان سال، مجموع بدهی‌ها به ۹۰۴۲/۷ میلیارد گریونا (۲۱۳/۳ میلیارد دلار) رسید که ۴۷/۳ میلیارد دلار آن ناشی از تأمین مالی بلندمدت شرکای بین‌المللی بود. حدود ۷۵ درصد این بدهی‌ها خارجی است و بیش از نیمی از آن به اتحادیه اروپا تعلق دارد. کی‌یف تأکید می‌کند تنها هزینه‌های دفاعی را از منابع داخلی تأمین می‌کند و بودجه سایر بخش‌ها به کمک غرب وابسته است. کسری بودجه ۲۰۲۶ بی‌سابقه و ۴۷/۵ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است.



افزوده

ارزش در معرض خطر

یکی از ابزارهای کلیدی در مدیریت ریسک مالی، ارزش در معرض خطر است که میزان ریسک سرمایه‌گذاری را تخمین می‌زند. به زبان ساده، ارزش در معرض خطر نشان می‌دهد حداکثر زیان احتمالی یک سبد سرمایه‌گذاری در یک دوره مشخص چقدر است و این محاسبه بر اساس سطح اطمینان تعیین می‌شود. با استفاده از این معیار، سرمایه‌گذاران می‌توانند انواع دارایی‌ها از جمله سهام، اوراق قرضه، مشتقات و ارزها را با هم مقایسه کنند و تصمیمات بهتری در مدیریت پرتفوی بگیرند. ارزش در معرض خطر نه تنها تصویری روشن از ریسک ارائه می‌دهد، بلکه ابزار مهمی برای شفافیت و پایش سرمایه‌گذاری‌ها محسوب می‌شود.



مکتب

رسالت منتظران!

سیدعلی میرهادی

کارشناس سیاسی

در عصر غیبت و در انتظار فرج مبارک، بحث درباره موانع ظهور و چالش‌های پیش‌روی امام‌زمان(عج) یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مباحثی است که ذهن هر شیعه را به خود مشغول می‌کند. امام(ع) برای ظهور موانعی دارند و دشمنانی که گاهی شناخت آنها از دشمنان آشکار و بی‌دین دشوارتر است. از جمله دشمنان امام زمان(ع) کسانی هستند که در ظاهر به دین اعتقاد دارند، لباس دینداری بر تن کرده و حتی شعارهای دینی سر می‌دهند اما در باطن دین‌مدار نیستند و اتفاقاً به جنگ با دین و اصول آن می‌روند. این افراد منافقانی هستند که هویت واقعی خود را پشت نقاب‌های مختلف پنهان می‌کنند و در واقع برای همراه کردن مردم با خودشان در هر زمان و مکان متفاوت عمل می‌کنند. آنها استاد تغییر چهره هستند.

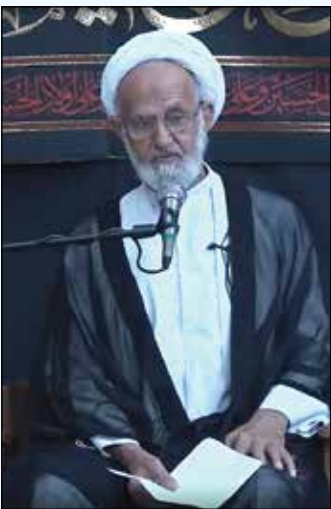
از جمع روایات در این باره می‌توان فهمید که دیندار بودن مردم برای فراهم شدن شرایط ظهور لازم است. شرطی حیاتی که بارها در کلام معصومین(ع) به آن تأکید شده است. به عبارتی مردم باید در یک سطح قابل قبولی از دینداری باشند تا بتوانند امام زمان(ع) و برنامه‌ای که دارند را عملی کنند. امام زمان(ع) رهبری هستند که جامعه‌ای آماده و باورمند را می‌طلبند. جامعه‌ای که نه تنها شعار دهد، بلکه در عمل به تعالیم دین پایبند باشد. اگر جامعه از نظر معنوی تهی باشد و دینداری تنها به یک سری آیین‌های ظاهری تقلیل یابد، زمینه برای حکومت حقیقی عدالت الهی فراهم نخواهد شد. دشمنان دانا به همین مسئله واقفند و برای همین تمرکز خود را بر روی تخریب باورهای دینی و مسست کردن پایه‌های ایمان در میان مردم گذاشته‌اند تا آن سطح لازم از دینداری محقق نشود و ظهور به تأخیر بیفتد.

بنا بر روایتی از پیامبر اکرم(ص) برخی از کسانی‌که دین حقیقی را نمی‌شناسند هم با امام زمان(ع) دشمنی می‌کنند و روش ایشان در مواجهه با دشمنان رازبر سوال می‌برند. از جمع روایات می‌توان فهمید که روش امام زمان(ع) در برخورد با دشمنان همان روش رسول‌الله(ص) است، روشی که مبتنی بر اصل مدارا و فرصت به مخالفان است. در حالی‌که احادیثی در مورد برخورد خشن امام زمان(ع) با دشمنان به دست ما رسیده است که نمی‌تواند با روح اسلام و برنامه عدالت‌گستری امام زمان(ع) منطبق باشد، در نگاه اول این تضاد به نظر می‌رسد اما با تدبر بیشتر در می‌یابیم که آنچه در روایات به‌عنوان خشونت یا قاطعیت بیان شده، در واقع همان اجرای دقیق حدود الهی و پاکسازی جامعه از فساد است که باید با علم آموزی و کار روی فهم انسان‌ها انجام شود تا ریشه‌ای حل شود. تارسییدن به شرایط یاری امام زمان وظیفه و رسالت منتظران، شناخت حقیقی دین است. اگر ما دین را درست نشناسیم، ممکن است در دام همان دشمنان با ظاهر دینی بیفتیم و ناخواسته مانع ظهور شویم. شناخت دین ناب، مرزبندی دقیق بین دوست و دشمن، و درک صحیح از اهداف و روش‌های امام زمان، تنها راهی است که می‌تواند منتظران را در این مسیر پر پیچ و خم یاری کند.

منبر

آماده میهمانی خداشویم

گفتاری از حجت الاسلام و المسلمین محمد حسین رخشاد



آمده‌اند. ماه رمضان، میهمان خانه خداست اما میهمانی او با ما فرق دارد خداوند می‌گوید: نخورید و نیشامید؛ زیرا می‌خواهد بعد معنوی ما را تغذیه کند. «کَتَبَ عَلَیْکُمُ الصَّیَّامُ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ»؛ خداوند می‌خواهد نور تقوا به دل‌مان بدهد اما شرط آن این است که دل باید پاک باشد. اگر لیوان متعفن باشد بهترین شربت هم در آن متعفن می‌شود. اگر دل با گناه زنگار گرفته باشد، «کَلَّا بَلْ زَانَ عَلَی قُلُوبِهِمْ»؛ انوار ایمان و تقوا سازگار با آن نیست حضرت امیر(ع) می‌فرمایند: «قُلُوبُ الْعِبَادِ الطَّاهِرَةُ»؛ دل‌های پاک بندگان جایگاه تابش انوار معرفت است. ماه رجب و ماه شعبان دائماً به ما می‌گویند استغفار کنید و دعا بخوانید و دل را پاک کنید تا آماده تابش انوار معرفت در رمضان باشید. ماه مبارک رمضان زمان پذیرایی با نور است. ان‌شاءالله با همت، از این فرصت بهره بگیریم و با دل پاک وارد ماه رمضان شویم.

معرفی می‌کنیم. مانند کشتنی نوح که پناهگاه از فتنه‌هاست. در ماه شعبان سعی کنید بر استغفار هفتاد بار در روز مداومت داشته باشید. یک استغفار در ماه شعبان برابر با هزار استغفار در ماه‌های دیگر است. حضرت امیر(ع) فرمودند: «توبه دل را پاک و گناه را می‌شوید.» فلسفه این اعمال آماده شدن برای میهمانی خداوند است. «لَا تَقْطُرُوا مِنْ زَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً»؛ از رحمت خدا ناامید نشوید خدا همه گناهان را می‌آمرزد. امام رضا(ع) فرمودند: «توبه‌کننده مثل کسی است که گناه نکرده است.» وقتی ما بر می‌گردیم دو بازگشت از خدا نصیب‌مان می‌شود. بازگشت اول: خدا حالت ندامت به ما می‌دهد؛ بازگشت دوم: بعد از آمدن به در گاهش ما را می‌آمزد... روزه یک روز در ماه شعبان برابر با آمزش و ورود به بهشت است. ماه رجب و شعبان برای آماده‌سازی ما برای رمضان

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «فرصت‌ها را غنیمت بشمارید که مانند ابر می‌گذرند. لحظات عمر مانند سه نوع ابر است. ابرهای برکت بخش لحظات طاعت و عبادت؛ ابر‌های ویرانگر لحظات گناه و ظلم که قوم عساد و فرعون را هلاک کردند؛ ابرهای بی‌فایده لحظات بیکار که فردا پشیمانی می‌آورد.» یکی از مصادیق این قدرشناسی، استمرار بر مناجات است؛ در این میان نباید از مناجات شعبانیه که سیره تمام انمه(ع) بوده است غافل بود. امام خمینی(ره) تأکید زیاد داشتند و در نجف به مناسبت ماه شعبان حتی درس‌ها تعطیل می‌کردند. اگر همت دارید این مناجات را هر شب کامل بخوانید یا حداقل چند سطر از آن را با دقت بخوانید. صلوات شعبانیه را در وقت زوال یا بعد از نماز ظهر و عصر محافظت کنید. در این صلوات اهل بیت(ع) را «الکف‌الحصین» یعنی دژ محکم و کشتی‌های جاری در امواج تاریخ

آیه

وقت انتخاب!

است. انسان‌هایی که حتی وقتی به موقعیت‌های علمی، اجتماعی یا اقتصادی بالا می‌رسند، باز در اعماق وجودشان خود را «غریبه»، «کمتر» یا «نامتعلق» می‌دانند. ایسن همان بردگی ذهنی است؛ بردگی‌ای که از بیرون شکسته می‌شود اما از درون باقی می‌ماند. بردگی امروز دیگر الزاماً با شلاق و زنجیر نیست، با «باور» است. انسانی که باور کرده برای دیده شدن باید شبیه الگوی تحمیل شده باشد، عملاً آزادی خود را واگذار کرده است. قرآن کریم وقتی از فرعون سخن می‌گوید، فقط به قدرت نظامی او اشاره نمی‌کند، بلکه به همین نظام طبقاتی اشاره دارد: «إِنْ فِرْعَوْنُ عَلَا فِی الْأَرْضِ وَجَعَلْ أَهْلَهَا سِجْناً»؛ فرعون برتری طلبی کرد و مردم را طبقه‌طبقه ساخت. طبقه‌سازی، ابزار همیشگی شیطان وایادی اوست.

وقتی انسان‌ها به طبقات تقسیم می‌شوند، برخی خود را «اریاب» می‌پندارند و برخی دیگر خود را «نوکر». خطرناک‌تر آنجاست که این تقسیم‌بندی به درون ذهن انسان‌ها نفوذ کند. انسانی که از کودکی شنیده «تو از این طبقه‌ای»، «تو از این نژادی»، «تو از این کشور آمده‌ای»، حتی اگر به ظاهر موفق شود، در درون خود سقفی می‌سازد که اجازه پرواز کامل به او نمی‌دهد. امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) جمله‌ای تکان‌دهنده دارد: «لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرٍ کَ وَقدْ جَعَلَکَ اللَّهُ حُرّاً»؛ بنده دیگری مباش، در حالی‌که خدا تو را آزاد آفریده است. (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱) این آزادی، قبل از آنکه سیاسی یا اجتماعی باشد، «ذهنی و اعتقادی» است. انسانی که خود را کمتر می‌بیند، حتی اگر در ظاهر آزاد باشد، در حقیقت اسیر است؛ اسیر نگاهی که شیطان در ذهن او کاشته است. اسلام آمده تا این زنجیرها را بشکند. آمده تا انسان بفهمد ارزش او از «تَفَخُّتٍ فِیهِ مِنْ

کشانند: نژاد، ثروت، قدرت، زبان، رنگ پوست، طبقه اجتماعی و این همان جنگی است که هنوز ادامه دارد؛ جنگی که بسیاری از انسان‌ها ناآگاهانه در آن به‌جای خدا، به نفع شیطان صف کشیده‌اند. یکی از خطرناک‌ترین ترفندهای شیطان این نیست که انسان را مستقیماً به گناه دعوت کند، بلکه این است که «باور انسان نسبت به خودش» را تخریب کند. وقتی انسانی باور کند که ذاتاً کم‌ارزش است، دیگر نیازی به زنجیر فیزیکی ندارد. او خودش بردگی و بندگی شیطان را می‌پذیرد. قرآن از این نوع بردگی باعنوان «عبودیت غیر خدا» یاد می‌کند؛ بندگی‌ای که گاهی نه در سجده، بلکه در فکر و باور شکل می‌گیرد. شیطان به انسان‌ها القا می‌کند که ارزش تو وابسته به چیزهایی بیرون از وجود توست. اگر ثروت داری، محترمی؛ اگر زبانت زبان غالب است، مهمی؛ اگر پوستت روشن است، دیده می‌شوی؛ اگر از کشور قدرتمندی هستی، انسانی و اگر هیچ‌کدام را نداری، «کمتر». این همان منطقی است که قرن‌ها برده‌داری، استعمار، تبعیض نژادی و طبقاتی را توجیه کرده است. منطقی که انسان‌ها را به «درجه یک و درجه دو» تقسیم می‌کند. پیامبر اکرم(ص) در خطبه معروف حجة‌الوداع، دقیقاً به همین نقطه حمله می‌کند: «هیچ عرب را بر عجم و هیچ عجم را بر عرب و هیچ سفید را بر سیاه و هیچ سیاه را بر سفید برتری نیست مگر به تقوا»؛ این جمله فقط یک توصیه اخلاقی نیست؛ یک اعلان جنگ است علیه تفکر شیطانی طبقه‌ساز. یعنی هر نظام فکری، فرهنگی یا سیاسی که برتری را بر اساس رنگ، نژاد، ثروت یا ملیت تعریف کند، در تقابل مستقیم با پیام اسلام ایستاده است. اما مشکل آنجاست که این تفکر شیطانی فقط در ساختارهای ظالمانه باقی نمانده؛ به ذهن انسان‌ها نفوذ کرده

سیدحسین

خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف



از همان آغاز خلقت، مسئله «انسان» مسئله‌ای ساده و سطحی نبوده است. وقتی خداوند اراده کرد انسانی بیافریند، ماجرا فقط خلق یک موجود زیستی نبود؛ سخن از «خلیفه‌الله» بود، از موجودی که قرار است بار امانتی را بر دوش بکشد که آسمان و زمین از حمل آن سر باز زنند و اصلاً توانایی نداشتند برای این مقام و جایگاه؛ قرآن کریم این جایگاه را با صراحت بیان می‌کند: «وَلَقَدْ کَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»؛ ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم. این کرامت، پیش از هر رنگ، زبان، نژاد، قوم، ثروت و موقعیت اجتماعی به انسان داده شده است. نگاه خداوند، نگاهی از بالا به پایین نیست، نگاهی از «ارزش ذاتی» است. نگاهی که انسان را به‌خاطر انسان بودنش محترم می‌داند، نه به‌خاطر داشته‌ها و ظواهرش. در مقابل این نگاه الهی، نگاهی دیگر از همان آغاز شکل گرفت؛ نگاهی که ریشه‌اش در تکبر، مقایسه و تحقیر بود. شیطان وقتی مأمور به سجده شد، معیار ارزش‌گذاری خود را آشکار کرد: «أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِینٍ». او نگفت آدم نافرمان است یا نالایق؛ گفت من از عنصر بهتری آفریده شده‌ام. همین جا خط تمایز میان نگاه خدا و نگاه شیطان شکل گرفت: خدا به «بودن» انسان نگاه می‌کند، شیطان به «از چه ساخته شدن» و «چه تفاوتی داشتن». از همان لحظه، جنگ با انسانیت آغاز شد؛ جنگ بر سر معیار ارزش انسان. خداوند معیار را در تقوا، اختیار، آگاهی و بندگی تعریف کرد اما شیطان معیار را به ظاهر

احکام

مستحب مؤکد!

پرسش: بعضی از افراد برای اعلان دخول وقت نماز، اقدام به گفتن اذان به‌صورت دسته جمعی در معابر عمومی می‌کنند که الحمدلله این کار اثر زیادی در جلوگیری از فساد علنی در منطقه داشته و موجب روی آوردن مردم به خصوص جوانان به نماز اول وقت شده است. ولی فردی می‌گوید این عمل در دین اسلام وارد نشده و بدعت است و گفته او باعث ایجاد شبهه در این زمینه شده است. نظر شریف حضرت عالی چیست؟ پاسخ: اذان اعلامی در اول وقت نمازهای واجب یومیه و تکرار آن از طرف شنوندگان از مستحبات شرعی مؤکد است و اذان گفتن به‌صورت دسته جمعی در معابر عمومی، اگر موجب سد معبر و یا اذیت دیگران نشود، اشکال ندارد.



آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتات، سؤال ۴۵۱

تاریخ نگار

حکومت سربداران

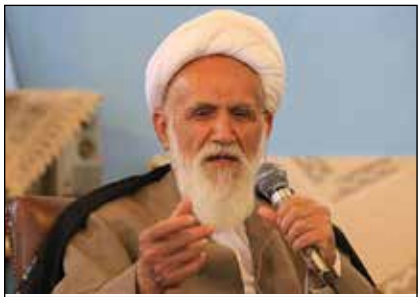
حکومت سربداران در سبزواری یکی از مهم‌ترین جنبش‌های مردمی و عدالت‌خواه در تاریخ ایران بود که در ۲۵ شعبان سال ۷۳۷ هجری، در غرب خراسان شکل گرفت و تا سال ۷۸۸ هجری قمری، یعنی حدود ۵۱ سال، دوام آورد. این جنبش در آغاز به‌صورت قیامی محلی علیه سلطه و ستم حاکمان مغولی پدید آمد و به‌تدریج به یک حکومت مستقل تبدیل شد. این حکومت از مدافعان جدی مذهب تشیع بود و در گسترش و تقویت آن در منطقه خراسان نقش مهمی ایفا کرد. جنبش سربداران به‌عنوان نمادی ماندگار از مقاومت، عدالت‌خواهی و حکومت مردمی در تاریخ ایران باقی مانده است.



سلوک

نتیجه تحمل!

آیت‌الله محی‌الدین حائری شیرازی: کسانی‌که تا از بچه‌هایشان خطایی می‌بینند، با توپ و تشر با آنها برخورد می‌کنند و پر و بال آنها را می‌چینند، بچه‌هایشان بچه‌های بزرگ و شخصیت‌داری نخواهند شد. یک وقت امام حسن(ع) به مسجد آمد و پیامبر(ص) داشت خطبه می‌خواند. امام حسن(ع) از بین مردم گذشت و از منبر بالا رفت و روی گردن پیامبر(ص) سوار شد. علی(ع) می‌فرماید: «دو تا پای حسن روی سینه پیغمبر آویزان بود.»! ایسن تبلور در حوصله پدر و مادر جسا می‌افتد. تبلور و استحکام و صلابت فرزند، نتیجه تحمل و درایت و حوصله و صبر پدر و مادر است.





چرا روایت رسمی قانع کننده نیست؟

عباس خادمی
چهرهنگار

مرگ جفری ایستین، سرمایه‌دار و چهره بانفوذ آمریکایی، در زندان، خبری بود که نه تنها جهان را ششوک کرد، بلکه آغاز یک پرسش جدی درباره عدالت، شفافیت و نقش قدرت و سیاست در نظام قضایی آمریکا بود. اعلام رسمی مرگ او به عنوان «خودکشی» بسیاری از افکار عمومی، رسانه‌ها و تحلیل‌گران حقوقی را قانع نکرد و باعث شد پرونده‌ای که انتظار می‌رفت پایان یابد، تبدیل به یکی از پرباهام‌ترین پرونده‌های معاصر شود.

این پرونده تنها درباره جرایم فردی ایستین نیست؛ بلکه بازتاب‌دهنده پیچیدگی‌های سیستم قضایی، محدودیت شفافیت و تأثیر قدرت و سیاست بر مسیر عدالت است. افکار عمومی با این پرسش مواجه شد که چگونه مرگ یک متهم می‌تواند مسیر حقیقت‌یابی را متوقف کند و چرا روایت رسمی قادر به پاسخ‌گویی به همه ابهامات نبود. در کنار این، نقش رسانه‌ها، انتشار ناقص اسناد و توافق‌های قضایی ویژه، همگی زمینه‌ای فراهم کردند تا اعتماد عمومی به نهادهای قضایی و مقامات مسئول به چالش کشیده شود.

بررسی این پرونده نشان می‌دهد که حتی دریک نظام حقوقی پیشرفته، فقدان شفافیت و پاسخ‌گویی می‌تواند اعتماد عمومی، مشروعیت نهادهای قضایی و باور مردم به عدالت را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. مرگ ایستین شاید به معنای پایان زندگی او باشد، اما پرسش‌هایی که از پرونده او باقی مانده‌اند، هنوز زنده‌اند و اهمیت آنها در تعیین مسیر عدالت، مسئولیت نهادهای قضایی و اخلاق حرفه‌ای، همچنان پابرجاست.

ایستین مقدمه به خواننده یساذ آوری می‌کند که پرونده ایستین بیش از هر چیز، نمونه‌ای از تقاطع حقوق، قدرت، سیاست و اعتماد عمومی است و بررسی دقیق آن می‌تواند درک بهتری از چالش‌های عدالت مدرن و محدودیت‌های نهادهای قضایی در شرایط حساس فراهم آورد.

روایت رسمی؛ آنچه گفته شد

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، ایستین در سلول انفرادی خود جان باخت و علت مرگ «خودکشی» اعلام شد. مقامات قضایی تأکید کردند که روندهای قانونی رعایت‌شده و هیچ نشانه‌ای از دخالت خارجی وجود ندارد. در این روایت، از منظر حقوقی، پرونده را منته‌ای اعلام می‌کرد.

اما مشکل از همین‌جا آغاز شد. روایت رسمی، بیش از حد خلاصه و فاقد جزئیات قانع‌کننده بود. در پرونده‌ای با این سطح از حساسیت، انتظار می‌رفت شفافیت بیشتری ارائه شود؛ شفافیتی که بتواند افکار عمومی را آرام کند، نه اینکه بر ابهامات بیفزاید.

در غیاب توضیحات دقیق، روایت رسمی به‌تنهایی بار سنگین اعتماد عمومی را به دوش می‌کشید؛ باری که به‌سرعت سنگین‌تر از توان آن شد.

زندان امن، خطاهای غیرقابل توضیح

یکی از مهم‌ترین محورهای تردید، شرایط زندان محل نگهداری ایستین بود. زندانی که به‌عنوان یکی از امن‌ترین مراکز نگهداری متهمان خاص شناخته می‌شود، جایی نیست که خطاهای ساده به‌راحتی پذیرفته‌شود. گزارش‌ها از نقص دوربین‌ها، غیبت یا خواب‌بودن نگهبانان و عدم رعایت پروتکل‌های نظارتی حکایت‌داشت. هر یک از این موارد به‌تنهایی قابل بررسی است، اما تجمع هم‌زمان آن‌ها پرسش برانگیز شد. در پرونده‌های عادی، چنین خطاهایی ممکن است به‌عنوان سهل‌انگاری تلقی شود؛ اما در پرونده‌ای که پای افراد بانفوذ و اسرار حساس در میان این صورت، حتی یک سوخت اصلی بی‌اعتمادی تبدیل می‌شود.

گروه پرونده

صبح صادق

پرونده جفری ایستین، سرمایه‌دار و چهره بانفوذ آمریکایی، سال‌ها توجه افکار عمومی و رسانه‌ها را به خود جلب کرده است. این پرونده نه تنها بازتاب‌دهنده جنایات فردی است، بلکه بحران‌هایی عمیق در نظام قضایی، سیاست و اعتماد عمومی را نیز آشکار کرده است.

به مناسبت بررسی ابعاد حقوقی و بین‌المللی این پرونده، با دکتر رضا صارمی‌راد، کارشناس روابط و حقوق بین‌الملل، گفت‌وگویی داشتیم تا از منظر حقوقی، سیاسی و اخلاقی مسیر عدالت، توافق‌های قضایی و نقش نهادهای دولتی در پرونده‌ای که جهان را تحت تأثیر قرار داد، بررسی شود.

از منظر حقوق بین‌الملل، آیا اصل برابری در برابر قانون در پرونده‌هایی مانند ایستین نقض می‌شود یا همچنان می‌توان از اجرای عدالت دفاع کرد؟

به‌صورت کلی، من بعید می‌دانم که اصول حقوق بین‌الملل به شکل مستقیم در چنین



پرونده‌ای در داخل خاک آمریکا قابلیت اجرا داشته باشد، مگر آنکه یکی از نهادهای بین‌المللی به‌صورت رسمی وارد رسیدگی شود یا درخواست مشخصی از سوی یک شخص یا نهاد حقوقی بین‌المللی مطرح شود. این پرونده اگرچه ابعاد بین‌المللی دارد، اما ماهیت آن یک پرونده داخلی است، چراکه اقدامات مجرمانه مورد بحث در داخل سرزمین ایالات متحده رخ داده و نه خارج از آن.

نکته مهم‌تر این است که حتی در چارچوب حقوق داخلی آمریکا نیز با چالش‌های جدی مواجه هستیم. برای مثال، نکته آمریکا چند ماه پیش مصوبه‌ای دوحزبی تصویب کرد که بر اساس آن کلیه اسناد مربوط به پرونده ایستین باید به‌صورت عمومی منتشر می‌شد. این مصوبه هرگز به‌طور کامل اجرا نشد. از حدود شش میلیون سند موجود، تنها حدود سه‌میلیون سند منتشر شد و همان‌ها نیز به‌صورت ناقص و مخدوش در فضای عمومی بارگذاری شدند.

در نهایت، وزارت دادگستری آمریکا به‌طور رسمی اعلام کرد که دیگر هیچ سندی در این خصوص منتشر نخواهد شد. این مسئله به‌روشنی نشان می‌دهد که اصل شفافیت و برابری در برابر قانون، حداقل در عمل، با محدودیت‌های جدی روبروست.

توافق‌های قضایی ویژه، مانند توافق سال ۲۰۰۸، تا چه حد می‌تواند بوده‌اند و از مسیرهای حقوقی برای جبران خسارت استفاده کنند، هر چند که اجرای

مشروع باشند، وقتی مسیر رسیدگی کامل و شفاف را مسدود می‌کنند؟ توافق قضایی سال ۲۰۰۸ یکی از نقاط کلیدی این پرونده است. در آن توافق، به ایستین اجازه داده شد که تنها برخی اتهامات سبک را بپذیرد و در مقابل، از بخش عمده‌ای از اتهامات سنگین میرا شود. این مسئله بعدها، به‌ویژه پس از بازداشت مجدد او در سال ۲۰۱۱، به یکی از محورهای اصلی انتقاد تبدیل شد.

در نظام حقوقی آمریکا، چنین توافق‌هایی از نظر شکلی قانونی هستند و به‌ویژه در چارچوب اختیارات قوه‌مجریه و دادستانی تعریف می‌شوند. حتی رؤسای‌جمهور آمریکا در پایان دوره ریاست‌جمهوری خود می‌توانند افراد مختلفی را بدون ارائه دلیل مشخص عفو کنند. این یک رویه شناخته‌شده در سیاست و حقوق آمریکا است.

با این حال، مشروعیت حقوقی لزوماً به معنای مشروعیت اخلاقی یا اجتماعی نیست. وقتی این توافق‌ها منجر به انسداد مسیر شفافیت و پاسخ‌گویی شوند، اعتماد عمومی به‌شدت آسیب می‌بیند. نکته قابل توجه این است که با تغییر رئیس‌جمهور، امکان بازگشت و احیای برخی از این پرونده‌ها وجود دارد و این پرونده نیز به‌شدت تحت تأثیر فضای انتخاباتی و رقابت‌های سیاسی قرار گرفته است.

مرگ متهم در میانه فرآیند دادرسی چه تأثیری بر حق جامعه و قربانیان برای داشتن حقیقت دارد؟

مرگ متهم در جریان رسیدگی قضایی، صرفاً مسئولیت کفبری شخصی او را از بین می‌برد. به بیان ساده، مجازات‌هایی مانند حبس یا محکومیت کفبری دیگر قابل اجرا نیستند، زیرا شخص فوت کرده است. اما این به معنای پایان کامل پرونده نیست. دعای مدنی، مطالبه خسارت و شکایت قربانیان همچنان به‌قوت خود باقی می‌ماند. این خسارت‌ها می‌تواند از محل اموال متهم، دارایی‌های باقی‌مانده او یا در برخی موارد، از طریق سازوکارهای مسئولیت مدنی دیگر جبران شود. بنابراین حق قربانیان برای پیگیری حقوقی به‌طور کامل از بین نمی‌رود.

در چنین پرونده‌هایی، قربانیان می‌توانند همچنان ادعا کنند که جزو افراد آسیب‌دیده بوده‌اند و از مسیرهای حقوقی برای جبران خسارت استفاده کنند، هر چند که اجرای

دکتر رضا صارمی‌راد، در گفت‌وگو با صبح صادق عنوان کرد

غلبه قدرت بر عدالت

عدالت کفبری نسبت به شخص متهم دیگر امکان‌پذیر نیست.

آیا حقوق بین‌الملل سازوکاری برای ادامه حقیقت‌یابی پس از مرگ متهم پیش‌بینی کرده است؟

در سطح بین‌المللی، چنین سازوکارهایی وجود دارد، اما معمولاً در پرونده‌هایی فعال می‌شود که جنبه فراملی، جنایات بین‌المللی یا نقض گسترده حقوق بشر داشته باشند. نمونه‌های آن را می‌توان در پرونده‌های مربوط به یوگسلاوی سابق یا برخی رهبران و مقامات سیاسی مشاهده کرد. اما در مورد پرونده ایستین، موضوع عمدتاً در چارچوب حقوق داخلی آمریکا تعریف می‌شود. وقایع در داخل خاک آمریکا رخ داده و رسیدگی باید در همان نظام قضایی انجام شود. بنابراین امکان ورود مستقیم دادگاه‌های بین‌المللی، حداقل در وضعیت فعلی، بسیار محدود است. به همین دلیل، ادامه حقیقت‌یابی در این پرونده بیش از آنکه به حقوق بین‌الملل وابسته باشد، به اراده سیاسی و قضایی داخل آمریکا بستگی دارد.

چرا در پرونده‌های حساس، نبود شفافیت به‌سرعت به بحران اعتماد عمومی تبدیل می‌شود؟

این پرونده به دلیل حساسیت بالا و پوشش گسترده رسانه‌ای، به‌شدت در معرض قضاوت افکار عمومی قرار دارد. در آمریکا، فضای رسانه‌ای کاملاً مدیریت‌شده است و بازی‌های رسانه‌ای نقش پررنگی در جهت‌دهی افکار عمومی ایفا می‌کنند. بسیاری معتقدند فعال‌شدن مجدد پرونده ایستین ارتباط مستقیمی با رقابت‌های سیاسی دارد، به‌ویژه پس از اظهارات دونالد ترامپ درباره لزوم محاکمه برخی چهره‌های سیاسی، از جمله باراک اوباما. این اظهارات باعث شد جناح‌های رقیب نیز به‌طور جدی وارد میدان شوند.

وقتی شفافیت وجود نداشته باشد، پرونده از مسیر حقوقی خارج شده و به ابزاری برای تسویه‌حساب سیاسی تبدیل می‌شود. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که اعتماد عمومی

پای چه افرادی در اسناد ایستین در میان است؟

افراد سیاسی و عمومی:

بیل کلینتون
رئیس‌جمهور پیشین آمریکا

شاهزاده اندرو، دوک یورک
عضو خاندان سلطنتی بریتانیا

ایلان ماسک
مدیرعامل تسلا و بنیان‌گذار اسپیس‌ایکس

استیو بنن
چهره رسانه‌ای و سیاسی

دونالد ترامپ
رئیس‌جمهور فعلی آمریکا

ایهود باراک
نخست‌وزیر سابق اسرائیل

ال گور
معاون رئیس‌جمهور پیشین آمریکا

میت-ماریت
شاهدخت نروژ

جف بزوس
بنیان‌گذار آمازون

دیوید کاپرفیلد
شعبده‌باز مشهور

وودی آلت
کارگردان و فیلم‌ساز

معربوب؟ شواهد نشان می‌دهد رخ داد، حاصل مجموعه‌ای از تصمیم‌ها، سبک‌ها و سازوکارهایی بود که فراتر از یک فرد عمل می‌کردند. تمرکز صرف بر شخص ایستین، خطر ساده‌سازی مسئله را دارد. اگر او تنها یک مجرم بود، با مجازات او پرونده بسته می‌شد. اما استمرار پرسش‌ها و بی‌اعتمادی عمومی نشان می‌دهد جامعه با یک مسئله ساختاری مواجه است.

در این چارچوب، ایستین را می‌توان آینه‌ای دانست که ناهرابری در دسترسی به عدالت را منعکس می‌کند. آینه‌ای که شکستن آن، تصویر را از بین نمی‌برد، بلکه فقط دیدن آن را دشوارتر می‌کند.

پول، نفوذ و مصونیت؛ یک الگوی تکرار‌شونده

پرونده ایستین را نمی‌توان جدا از یک الگوی گسترده‌تر در برخورد دوگانه دستگاه عدالت اقتصادی بررسی کرد. در بسیاری از پرونده‌های بزرگ فساد یا جرائم سازمان‌یافته، مشاهده می‌شود که روند رسیدگی برای افراد قدرتمند طولانی، پیچیده و گاه بی‌نتیجه می‌شود.

این الگو، پول فقط ابزار دفاع حقوقی نیست؛ بلکه امکان دسترسی به بهترین وکلا، مدیریت روایت رسانه‌ای و حتی تأثیرگذاری غیرمستقیم بر روند پرونده را فراهم می‌کند. ایستین دقیقاً در چنین موقعیتی قرار داشت؛ جایی که هزینه‌بر بودن عدالت، به نفع متهم تمام می‌شود. تحلیل‌گران معتقدند این وضعیت، شکاف میان «عدالت قانونی» و «عدالت واقعی» را عمیق‌تر می‌کند. وقتی شهروندان احساس کنند قانون برای همه یکسان اجرا نمی‌شود، مشروعیت کل سیستم سوز می‌رود؛ مسئله‌ای که در واکنش‌های عمومی به پرونده ایستین به‌وضوح دیده شد.

سکوت و تأخیر رسانه‌ای؛ چرا دیر دیده شد؟

یکی از ابعاد مهم پرونده ایستین، نقش رسانه‌هاست. پرسش اصلی این است که چرا باوجود شواهد و گزارش‌های اولیه، این پرونده سال‌ها در حاشیه ماند و تنها در مقاطع خاص به تیر اول رسانه‌ها تبدیل شد.

برخی تحلیل‌ها نشان می‌دهد روابط گسترده ایستین با نخبگان سیاسی و اقتصادی، فضای رسانه‌ای را محتاط یا حتی منفعل کرده بود. پرداختن به چنین پرونده‌ای، به‌معنای ورود به حوزه‌ای پررهنه و پرریسک برای رسانه‌ها تلقی می‌شد.

با این حال، تأخیر رسانه‌ای خود به بخشی از مسئله تبدیل شد. وقتی رسانه‌ها دیر وارد می‌شدند، روایت رسمی تثبیت شده و امکان پاسخ‌گویی واقعی کاهش می‌یابد. در پرونده ایستین، همین تأخیر باعث شد افکار عمومی احساس کند حقیقت، قربانی ملاحظات قدرت شده است.

ایستین؛ فرد یا نشانه یک سیستم؟

سؤال کلیدی این پرونده این است: آیا ایستین یک استثنا بود یا نشانه‌ای از یک سیستم

تقویم انقلاب

عملیات فریب!

سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

روزهای آخر بهمن سال ۱۳۶۲ لحظات حساس جبهه‌های جنوب بود، پس از مدت‌ها کارهای آموزشی، سازماندهی، جلسات متعدد و هماهنگی‌ها، انتقال تجربیات را گذرانده بودند و همواره در صبر و انتظار می‌بردند تا اینکه فرصت نقل و انتقالات امکانات تدارکاتی و نیروهای آماده به رزم فراهم گردید و از این تاریخ به بعد به طور رسمی عنوان از لشکر ابوذر به عنوان نیروهای عملیاتی احتیاط لشکر ۲۷ نام برده می‌شد، فرماندهان گردان‌ها کارشناسایی محور‌ها را انجام داده بودند و هماهنگی‌ها شده بود که در محورهای مشخص ایفای نقش بکنند و به هنگام شجاعانه وارد شدند که فرایند آن در چند گزینه ذیل توضیح مختصر داده می‌شود.

۱- مهمترین کار این بود که نیروهای آماده رزم در نزدیکی خطوط دفاعی جانمایی شوند و این کار با همت بلند فرمانده لشکر ابوذر انجام گرفت که در وقت لازم برای انجام عملیات آماده باشند.

۲- در برنامه عملیات هماهنگ شده بود که نیروهای احتیاط به نام لشکر ابوذر در محور خط پدافندی متجاوزین یعنی عملیات فریب انجام دهند و این نقش بسیار بالایی بود در مبحث بعدی که در عملیات بزرگی همچون خیر شرکت کردند موجب رضایت شهیدان همت و نوری بود، و موفق شدند واقعاً دشمن را در دام فریب ساعت‌ها سرگرم کنند.

۳- در این عملیات موقعیت زمین عملیات بود که برای رزمندگان خیلی آشنا نبود و با عملیات‌های قبلی بسیار متفاوت بود و مشخصه زمین این منطقه وجود «هور» بود، به عبارتی پوشیدگی زمین از آب نیز از و سرانجام باتلاقی بودن بخش‌هایی از آن نفس گیر بود. شناسایی دقیق‌تری را می‌طلبید و از طرفی محاسنی هم داشت و آن زدن به نقطه ضعف دشمن در منطقه جنوب بود.

۴- به منظور انجام عملیات فریب در چنین جغرافیایی و با این سرعت رو به جلو کار بسیار دشواری در پیش روی نیروهای رزمنده و لشکر ابوذر قرار داشت اساساً می‌بایست بررسی‌ها و شناسایی‌ها، ارزیابی‌ها دقیق‌تر انجام می‌گرفت. روی همین موضوع تمرکز بیشتری صورت گرفت فرمانده لشکر با توجه به شناختی که از گردان‌ها داشت و در مراحل گوناگون در چند ماه گذشته که تشخیص رسیده بود که کدامین را به میدان عملیات اعزام کند.

۵- پس از ریزی‌نی‌ها و حجم داوطلبین که فرمانده لشکر را تحت فشار قرار داده بود با ملایمت، نشست‌های توجیهی که با آنها داشت با توجه به موقعیت زمین عملیات روی چهار گردان تمرکز کرده بود که مناسب‌ترین سازکار و آمادگی رزمی را دارند انتخاب شوند. او با تدابیری که داشت و درایتی که به کار گرفت گردان‌هایی را مأموریت داد که اطمینان مقاومت بیشتری داشتند در مرحله اول برای عملیات دستور اعزام را به آنها داده شهید علیرضا نوری خصوصیات فراوان زیادی داشت از جمله از ظرفیت بالای صبر و حوصله و تحمل بر خوردار بود همه افراد تند، عصبانی را خیلی زود آرام می‌کرد و امیدوارم به آینده می‌نمود و همین روحیه در عملیات خیلی کارآیی داشت.

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

رخدادهای بهمن مساه ۱۳۵۷ پس از ورود حضرت امام خمینی(ره) به کشور با سرعت بالایی در حال رخ دادن بود. یکی از اقدامات مؤثر حضرت امام(ره) که در تسریع فروپاشی رژیم پهلوی نقش داشت، صدور حکم تشکیل دولت موقت به مهندس مهدی بازرگان بود. صادق طباطبایی از چهره‌های شناخته شده آن روزهای صحنه سیاسی کشور که با حضرت امام(ره) ارتباط مستقیمی داشت در این زمینه خواندنی است. وی در جلد سوم کتاب خاطراتش چنین یاد می‌کند:

«یادم هست که عصر یک‌شنبه ۱۵ بهمن بود که آقای فریدون سحابی تماس گرفت و گفت فردا ناهار همه دوستان در منزل آقای مهندس بازرگان جمع هستند، شما هم به آنجا بیایید. من و آقای حبیبی و آقایان صادق قطب‌زاده و کریم‌خداپناهی رفتیم، حدود چهل پنجاه نفر در آن جلسه بودند کادרהای بالای نهضت آزادی و افرادی که در انقلاب صاحب چهره و نقش بودند. در این جلسه به افرادی برخورد کردم که برخلاف انتظار من دارای روحیه‌ای بسیار تند و انقلابی بودند، به طوری‌که به دفعات نگاه پرس‌وجوگر من، با دکتر حبیبی و دکتر خدا پناهی تلاقی می‌کرد. در آن جلسه از مسوابق تحصیلی و کاری ما خلاصه‌ای تهیه شد و افراد حاضر در جلسه را نیز به ما معرفی کردند. آنجا اعلام شد که برای تصدی پست نخست‌وزیری انقلاب و ریاست دولت موقت، مهندس بازرگان دیروز از طرف شورای انقلاب به امام پیشنهاد شده‌اند و امام قرار است حکم نخست‌وزیری را بعد از ظهر همان روز در مدرسه رفاه به ایشان ابلاغ کنند.

در آن جلسه مذاکراتی هم شد. عده‌ای از کادر مرکزی نهضت آزادی موافق نبودند که آقای بازرگان ریاست دولت موقت را بر عهده بگیرد با این استدلال که الآن شرایط بسیار پیچیده و بحرانی است، ما اگر گرفتار مسائل اجرایی شویم از برنامه‌های سیاسی خودمان عقب خواهیم ماند و در یک شرایط بحرانی همه کاسه و کوزه‌ها سر ما شکسته می‌شود و معتقد بودند که آقای مهندس باید بیشتر وقت خودش را صرف ارتقای فکری و سیاسی مجموعه جریانات جامعه بکنند. عده‌ای نیز دلیل مخالفت ورود نهضت آزادی را در کارهای اجرایی به گفته و نظر آیت‌الله طالقانی مستند می‌کردند.

دهلیز

رژیم ضد ایرانی

مروری بر بحران‌های اقتصادی ایران در دوران دیکتاتوری پهلوی

خاندن پهلوی، خاندان فاسدی بود که علی‌رغم دست نشاندگی و حمایت‌های کشورهای غربی و در حالی‌که از هیچ جانبی تحت فشار تحریم‌های اقتصادی کشورهای بیگانه قرار نداشت، هیچگاه نتوانست بر مشکلات اقتصادی کشور فائق آید و روز به روز زندگی بر مردم سخت می‌شد. علت را باید در ساختار فاسدی دنبال کرد که نگاهی به منافع ملی نداشت و افراد فاسدی که در حاکمیت به دنبال بر خورداری‌های فردی بوده و از تحقق عدالت جلوگیری می‌کردند. برای اثبات این ادعا کافی است که خاطرات منسوبین پهلوی را مرور کرد که یکی از مهم‌ترین آنها «اسدالله علم» است که در جایگاه وزیر دربار سالیان متمادی از اوضاع کشور آگاه بوده و خاطرات خود را قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ثبت و ضبط کرده است. اسدالله علم در روز نوشت ۱۷ اسفندماه ۱۳۴۷ می‌نویسد:

«شریفایی شاه را در جریان تحولات اخیر قرار دادم و چند نکته را مطرح ساختم که او را ناراحت ساخت. گفتم دو برابر شدن آب بها مملکت را آشفته کرده است. آسفالت خیابان‌ها در حال از هم پاشیدگی است، فساد کارمندان گمرک رو به گسترش است و اعتبارات بانکی محدود شده و شرکت‌های زیادی رو به ورشکستگی می‌روند. دست آخر درباره بحران مالی دانشگاه‌ها به او هشدار دادم. شاه ناگهان از جا در رفت و مرا مورد حمله قرار داد و گفت: وقتی پولی



بازرگان، دولت نو مبارک!

برشی از خاطرات صادق طباطبایی از رخدادهای بهمن ۱۳۵۷



جمعیت هم در حیاط ایستاده بودند. ما در سالن اجتماعات نشسته بودیم که اسام آمدند، و آقای مهندس بازرگان و آقای هاشمی رفسنجانی هم همراه ایشان بودند. ابتدا امام سخنانی ایراد کردند، به چند سؤال خبرنگاران پاسخ دادند. بعد مهندس بازرگان صحبت کوتاهی کرد و در پایان حکم انتصاب توسط آقای هاشمی خوانده شد:

«بسم الله الرحمن الرحيم
(۶ ربیع الاول ۱۳۹۹)

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان بنا به پیشنهاد شورای انقلاب، بر حسب حق شرعی و حق قانونی ناشی از آرای اکثریت قاطع قریب به اتفاق ملت ایران که طی اجتماعات عظیم و تظاهرات وسیع و متعدد در سراسر ایران نسبت به رهبری جنبش ابراز شده است، و به موجب اعتمادی که به ایمان راسخ شما به مکتب مقدس اسلام و اطلاعی که از سوابق‌تان در مبارزات اسلامی و ملی دارم، جنابعالی را بصدون در نظر گرفتن روابط حزبی و بستگی به گروهی خاص، مأمور تشکیل دولت موقت می‌نمایم تا ترتیب اداره امور مملکت و خصوصاً انجام رفراندوم و رجوع به آرای عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی و تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم

حافظه

نابودی سازمان‌یافته

نگاهی به حضور استعمارگران غربی در سرزمین سرخپوستان

غنی‌اش را سرقت کرده‌اند. مردمان این قاره را از حافظه جمعی‌اش و از آگاهی نسبت به هویت واقعی‌اش محروم کرده‌اند».

نماد ملموس این تهاجم فرهنگی را می‌توان در مکزیکوسیتی امروزی مشاهده کرد. امروزه نمی‌توان بنای یک کلیسای مسیحی را بر روی اهرام مصر یا سازه‌های سنگی باستانی «استونهنج» در بریتانیا تصور کرد؛ اما این کار در تنوچتیتلان (پایتخت امپراتوری آزتک) اتفاق افتاده است. کلیسای جامع مکزیک

عامدانه بر فراز خرابه‌های معابد عظیم آزتک بنا شده، گویی که می‌خواهد پیروزی مذهب جدید را نه تنها در دل‌ها، که بر فراز ویرانه‌های تمدن پیشین نیز به نمایش بگذارند. این اقدام تنها یک انتخاب معماری نبود، بلکه نمادی



از انقیاد کامل فرهنگی، سیاسی و مذهبی بود. این غارت فرهنگی، تخریب یک جهان‌بینی کامل را شامل می‌شد: دانش نجوم پیشرفته مایاها، مهندسی دقیق اینکاها، پزشکی گیاهی غنی و سیستم‌های اجتماعی پیچیده، همه یا نابود شدند یا به حاشیه رانده شدند. اشیای هنری طلایی ذوب شدند تا به سکه تبدیل شوند، بناهای مقدس ویران گشتند و خدایان قدیمی بت‌گونه خوانده شدند. این فرآیند، محروم کردن یک قاره از حافظه تاریخی خود بود، قطع ریشه‌های هویتی‌ای که قرن‌ها شکل گرفته بود.

دوران فتح آمریکای لاتین و کارائیب (حدود سال‌های ۱۴۹۲ تا ۱۵۷۰) دورانی است که فراتر از یک فتح نظامی ساده، حاکی از سر به نیست کردن سازمان‌یافته و عمدی تمدن‌های بومی است. این فرآیند، که از ابعاد مختلف انسانی، فرهنگی و تمدنی قابل بررسی است، نابودی فیزیکی مردمان مختلف را با شکنجه‌های بی‌رحمانه و کشتارهای جمعی در پی داشت. اما خشونت تنها به حذف فیزیکی محدود نبود؛ این برنامه شامل به بردگی کشاندن بازماندگان «به خاطر خویی خودشان» و سرکوب نظام‌مند فرهنگ، تاریخ و زبان‌های آن مردمان نیز می‌شد. اروپاییان به صورتی برنامه‌ریزی شده، سوابق تاریخی، سیستم‌های

آموزشی، دانش بومی، موسیقی، تئاتر و رقص مردمان اصلی این منطقه وسیع را نابود کردند. طومارهای مایایی سوزانده شدند، معابد ویران گشتند و زبان‌های محلی سرکوب شدند. به عبارت دیگر، این قتل‌عام، یک قتل‌عام فرهنگی تمام‌عیار نیز بود. همان‌گونه که دانشمند برجسته آمریکای لاتین «فرناندو پائز» تأکید می‌کند: «این نیست و نابود کردن تاریخ ماست که در قلب این تناقضات، وابستگی‌ها و استثمار آمریکای لاتین و کارائیب قرار دارد و هنوز ادامه دارد. این قاره‌ای است که چیزی بسیار بیشتر از منابع

سیاست نامه

سیدمحمدباقر صدر-۷۲

نگرش انتقادی

مسعود پور فرد

کارشناس اندیشه سیاسی

بارزترین ویژگی‌های پیشرفت و هویت نزد شهید صدر که عملاً مشخصه مکتب فکری ایشان هم بوده، در هفت ویژگی فکری این شهید عزیز و نابغه نهفته است. شش تا از این ویژگی‌ها، یعنی روش‌شناسی تفکر، کل‌نگری و بالندگی نظری، حرکت از فرضیه به عمل‌گرایی، سفر از واقعیت به متن، احیای‌گری و بازگرداندن دوباره غایب و دفاع فعالانه یا پدافند تمدنی بررسی شد. در ادامه به تبیین هفتمین ویژگی که ما را در دادن پاسخ مسئله پیشرفت و هویت توانمند می‌کند، می‌پردازیم.

۷- نگرش انتقادی و دغدغه‌خردشدن رده‌بندی داخلی؛ علمایی هستند که به منتقد معروفند. مثلاً می‌گویند: شیخ محمد جواد مغنیه اهل نقد است. چون اولین کتابی که نوشته بود، نقدی بر واقعیت اجتماعی در جبل عامل بود. این یعنی که حس انتقادی او در مراحل اولیه متبلور شد. اما شهید صدر در همان لحظه که در پیشانی خط دفاعی بود، از واقعیت ما هم انتقاد می‌کرد؛ تجربه ایشان در نقد واقعیت حوزوی ما، در نقد روش‌های آموزشی و تجربه او در نقد برخی از پدیده‌های اجتماعی موجود در زندگی ما. این ذهنیت انتقادی که او نسبت به برخی پدیده‌ها داشت، در بسیاری از کتاب‌ها و تلاش‌های ایشان منعکس شده است. اما تمایز ایشان از بسیاری دیگر این است که نقدش را با آرامش انجام می‌داد و نیاز به تنفس عمیق داشت؛ زیرا روش نقدی که شاخصه ایشان بود، به‌روشنی به ما الهام می‌کند که وی آماده یک نفس‌گیری طولانی بود تا نقد را به ثمر برساند. برخلاف برخی از علما که شدیدتر و صریح‌تر نقد می‌کنند و معتقدند که ما نیاز به پرش داریم تا به نتیجه نقد برسیم. اما شرایط تاریخی شهید صدر در رابطه با رژیم حاکم عراق در آن دوره و بحرانی که ملت مؤمن در آن به سر می‌برد و اوضاع اسلامی به‌طور کلی در برابر پیشروی انقلاب شوروی و... شاید همه اینها ایشان را بر آن داشت تا مرحله‌بندی درازمدتی را در برخورد با نقد درونی مسائل ما، چه درون حوزوی و چه خاص اجتماعی انتخاب کند.

حال این سؤال مهم مطرح است که ما کجای پروژه شهید صدر هستیم؟ آیا عقلانیت دینی جدید متوقف شده است؟ به نظر می‌رسد این هفت ویژگی در اندیشه شهید سیدمحمدباقر صدر(روشنندی، کل‌نگری، عمل‌گرایی، واقع‌گرایی، تدافعی‌گرایی، احیای‌گری و نگرش انتقادی) اگر بادقت مطالعه شوند، حتما می‌توان به این موضوع پاسخ داد که: آیا شهید صدر واقعاً در ارائه پاسخ تفکر دینی به سؤال کلیدی درباره «جمع بین پیشرفت و هویت» نقش داشته است یا نه؟

بررسی زمانه و زمینه‌های عصر شهید صدر و اقتضات مکانی و عوامل دیگر نشان می‌دهد که شهید صدر به‌قدر توانش، نیاز امت را تأمین کرده است. اما سؤال بعدی این است که آیا نسل‌های آینده می‌خواهند بایستند و فقط به شرح کردن و حاشیه زدن مشغول باشند؟ یا می‌خواهند حرکت او را ادامه دهند؟! وفق آنچه از ویژگی‌ها و خصوصیات فکری و روحی شهید صدر در میان این سطور یاد گرفتیم، ایستادن و ایستا عمل کردن، برعکس آن چیزی که شهید صدر می‌خواست؛ زیرا اگر او به ایستادن فکر می‌کرد، از پیشینیان خود جلونی‌زد می.

از طرح بینون تا اسرائیل بزرگ و ضرورت همگرایی منطقه‌ای در مقابل آن

صهیونیست‌ها به چه می‌اندیشند؟

رژیم تا دمشق شده و حتی از الحاق شهرهای مقدس اسلامی مانند مکه و مدینه سخن گفته اند، این گفتمان را تشدید کرده است.

۲- تضعیف رقبای منطقه‌ای: رژیم صهیونی از طریق استراتژی «تفرقه بینداز و حکومت کن» به دنبال بی‌ثبات‌سازی کشورهای همسایه است.

با نگاه به بافت کنونی حوادث، متوجه خواهید شد که حمله به عراق در سال ۲۰۰۳، جنگ شش روزه لبنان در سال ۲۰۰۶، و حمله به لیبی در سال ۲۰۱۱، و جریانات اخیر سوریه، عراق و یمن، در مسیر همین طرح صهیونیست‌ها برای خاورمیانه صورت گرفت.

طرح سازمان جهانی صهیونیسم برای فلسطین بزرگ‌تر، اراضی و مناطقی مانند فلسطین تاریخی، جنوب لبنان تا صیدا، رود لیثانی، بلندی‌های جولان، فلات حوران، و درعا در سوریه، کنترل خط آهن حجاز از درعا تا عمان و تا خلیج عقبه در اردن و... را در بر می‌گیرد.

به اعتقاد کارشناسان برخی از صهیونیست‌ها حتی بیشتر هم می‌خواهند؛ از نیل تا فرات که شامل فلسطین، لبنان، غرب سوریه و جنوب ترکیه می‌شود. **صهیونیست‌ها تصمیم دارند تا اقتدر شهرک‌سازی کنند و اقتدر فشار بر فلسطینیان بیاورند تا از اراضی خود خارج شده و کرانه باختری و نوار غزه هم به خاک اشغال شده و اصطلاحاً همان «دولت اسرائیل» پیوست شود.** سپس، دولت‌های نیابتی را در بخش‌هایی از سوریه، لبنان، اردن، صحرای سینا، عربستان، و عراق که در برنامه اشغال‌گری‌اش است، ایجاد نماید.

♦ **صهیونیست‌ها به دنبال طرح بینون** طرح بینون، طرحی است در تداوم اندیشه مستعمراتی بریتانیا در خاورمیانه و هدف آن اطمینان از برتری منطقه‌ای اسرائیل است. این طرح، به دنبال این است‌که رژیم صهیونی محیط ژئوپلیتیک‌اش را از خلال بالکانیزه کردن منطقه در قالب کوچک و ضعیف کردن حکومت‌های اطراف‌اش بازطراحی نماید. **نشریه اتلانتیک در سال ۲۰۰۸ و مجله نیروی هوایی ارتش آمریکا**



در شعارهای برخی چهره‌های حاضر در اغتشاشات اخیر مسئله «نه غزه نه لبنان؛ جانم فدای ایران» مطرح می‌شد که نشان می‌داد اراده و تلاشی هست که موضوع رژیم صهیونیستی و فلسطین را یک موضوع عربی تعریف کند. برای این که نسل جوان علت حساسیت ما در مواجهه با رژیم صهیونی را متوجه شود نیاز داریم بر موضوع اسرائیل بزرگ و نقشه صهیونیست‌ها برای منطقه غرب آسیا مروری کنیم.

این موضوع از آن جهت اهمیت ویژه‌ای می‌یابد که صهیونیست‌ها از جمله تانیاهو در اظهارات اخیرش بر تحقق پروژه اسرائیل بزرگ به عنوان یک امر مقدس در میان صهیونیست‌ها تأکید کرد. تبیین این موضوع می‌تواند کمک شایانی به تحلیل جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی، شرایط فعلی و آینده مواجهه ما با صهیونیست‌ها در افکار نسل جوان و... داشته باشد.

♦ **آنچه جوان‌ها باید بدانند**

«تکودور هرترل» پدر صهیونیست‌ها گفت «محل‌وده دولت یهود، از رود نیل تا فرات خواهد بود». همین عبارت نیز از زبان «خاخام فیشرمن» نیز بدین شکل ایراز شده که «سرزمین موعود، از رود نیل مصر تا فرات عراق که بخش‌هایی از سوریه و لبنان هم جزو آن خواهد بود، مساحت خواهد داشت.»

ایده اسرائیل بزرگ در استراتژی‌های کلان رژیم صهیونی جایگاهی محوری دارد و ترکیبی از باورهای ایدئولوژیک و محاسبات عمل‌گرایانه را در بر می‌گیرد:

۱- مشروعیت‌بخشی دینی و سیاسی: استناد به متون توراتی برای جلب حمایت داخلی و بین‌المللی نقش کلیدی دارد. اظهارات شخصیت‌های تندرو که خواستار گسترش مرزهای

تبیین

جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین -۱۶۳

راز دشمنی با ایران

امیر قلی‌زاده

کارشناس سیاسی

در ایام مبارک دهه فجر چهل‌وهفتمین سالگرد انقلاب اسلامی هستیم و در حالی این روزها را گرامی می‌داریم که با توجه به تهدیدات و لفاظی‌های آمریکا و ایادی داخلی و منطقه‌ای آن بیشتر از قبل به مرور درس‌ها و عبرت‌های آن روزهای خدایی و نورانی نیازمندیم. به راستی آن روزها در اوج آن همه تهدید و خطر برای امام و انقلابیون و حتی در اوایل شکل‌گیری نظام نوپای اسلامی در ایرانی که همه جوره در ید اختیار و قدرت آمریکایی‌ها بود، چگونه از آن شرایط عبور کردیم؟! این سؤال تنها یک جواب دارد و آن، خداست! آری انقلاب الهی مردم ایران از میان هزاران مخاطره به هدایت الهی و ایمان و باور امام و انقلابیون تربیت شده امام که جزء خدا را در عالم مؤثر نمی‌دانستند، راه خود را باز کرد.

«ما را فروختند، استقلال ما را فروختند... عزت ما پایکوب شد؛ عظمت ایران از بین رفت» اینها جملات کلیدی بخشی از سخنرانی طوفانی امام خمینی (ره) در آبان ۱۳۴۳ است. زمانی که هیچ خبری از قیام مردمی و انقلاب نبود. دستگاه پهلوی آرام‌آرام در حال قدرت گرفتن بود و صدای هر مخالفی در نطفه خفه می‌شد. امام خمینی(ره) به ضرورت حفظ استقلال ایران اشاره می‌کنند و در برابر اعطای مصونیت قضایی به مستشاران

آمریکایی در ایران چنین طوفانی برپا می‌کنند.

برخلاف بسیاری از تحلیل‌گران ناآگاه که خصومت ضدصهیونی و ضدآمریکایی انقلاب اسلامی را از عوارض بعد از انقلاب می‌دانند که مایه درمسر شده و باید اصلاح شود اما تاریخ نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی زاینده مواضع استقلال‌طلبانه امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) در مخالفت با نفوذ و سلطه اسرائیل و آمریکا در ایران بود. اولین نقاط اصطکاک ایشان با دستگاه پهلوی از ابتدای دهه ۴۰ شمسی مخالفت شدید با سلطه رژیم صهیونی و آمریکا و عمال آنها بر کشور بود. مخالفت‌های غیرتمندانه و استقلال‌طلبانه‌ای که در ادامه با استقبال میلیون‌ها ایران‌رو به‌رو شد و قطار انقلاب اسلامی را راه‌اندازی کرد. ایشان ۱۵ سال بعد در خرداد ۱۳۵۹ زمانی که انقلاب اسلامی پیروز شده و شاه مخلوع از کشور اخراج شده بود هنوز از درد تحقیر ملت ایران در کاپیتولاسیون که نقطه شروع نهضت ضدآمریکایی مردم ایران بود در رنج بود و آن را بزرگ‌ترین جنایت در حق ملت ایران می‌دانست: «مستشاران آمریکا در مقدرات کشور مظلوم ما دخالت‌های مستقیم داشتند. تحمیل کاپیتولاسیون بر ملت مظلوم ما به وسیله شاه مخلوع سابق از بزرگ‌ترین جنایات آمریکا بود.(صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۷۰) امروز هم داستان همان عزت و استقلال ایرانی است. جرم ملت ایران و جمهوری اسلامی این است که نمی‌خواهند مقدرات ایران بزرگ توسط دست اجنبی رقم بخورد.

در سال ۲۰۰۶، هر دو، نقشه طرح بینون را ارائه دادند و در آن به تقسیم خاک لبنان، سوریه، و مصر و جزه‌بندی خاک ایران و ترکیه پرداختند. طرح بینون پا را فراتر گذاشته و حتی خواستار تجزیه شمال آفریقا از مصر تا سودان و لیبی شده است.

طرح صهیونیست‌ها باید در دو مرحله به هدف برسد؛ اول تبدیل رژیم به یک قدرت بلامنازع منطقه‌ای در حد یک امپراتوری، دوم تجزیه کشورهای منطقه و تبدیل آنها به حکومت‌های ضعیف و فرمانبر. بر اینن اساس جنگ ۱۲ روزه و تلاش‌های پس از آن و پیش از آن را باید هدف‌گذاری صهیونیست‌ها برای تحقق اسرائیل بزرگ و از بین بردن تنها ساختار مخالف عملگرای تجزیه منطقه، یعنی ایران دانست.

♦ **سه گام برای تحقق**

آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها (به عنوان نیروی نیابتی آمریکا) در شرایط حاضر به دنبال سه هدف در مواجهه با ایران هستند:

الف-درفسایش قدرت: **تاکتیک آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها، فرسایش قدرت با ضربات و بحران‌های متعدد در بازه های زمانی مختلف و با فاصله کوتاه است، من این تاکتیک را کلنگی کردن ساختار می‌نامم. با هر محاسبه‌ای که به درخت بزرگ و پر برگ و ریشه‌ای مانند ایران نگریسته شود به این نتیجه می‌رسیم که نمی‌توان آن را با یک حرکت سریع و آنی فروپاشاند.**

نتیجه اولی که از این نگاه می‌توان گرفت این است که یکی از علل اینکه فاصله بحران‌ها و چالش‌ها به هم نزدیک شده و هر چند مدت شاهد یک بحران هستیم همین تاکتیک آمریکایی‌ها و صهیونیست‌هاست، نتیجه دوم این است که یادداشت‌های اجرایی سال گذشته ترامپ، جنگ ۱۲ روزه، اسنپ‌ک، اغتشاشات اخیر، لفاظی‌های چندروز اخیر آمریکایی‌ها و... را باید در یک پازل و در ادامه همدیگر تعریف کرد، نتیجه سوم و اساسی آن است که رویکرد دشمن هیبریدی و چند لایه است، این موضوع را در خلال بحث بسیطر و وثیق‌تر باز خواهیم گفت.

به‌رژیم چنج یا براندازی نظام: هدف دوم و هدف

آفاق

ضوابط تفکر انقلابی-۲۸

ابزار معامله یا معیار هدایت؟



اگر مصلحت‌اندیشی غیرانقلابی به نام عقلانیت عرضه می‌شود اما به ذلت می‌انجامد، باید پرسید نقطه آغاز این خطا کجاست؟ پاسخ، پیش از آنکه در تاکتیک‌ها و محاسبات کوتاه‌مدت باشد در یک درگونی معرفتی است: وقتی ارزش‌ها از ذهن تصمیم‌گیر حذف می‌شوند و همه چیز به سود تقلیل می‌یابد، مصلحت هم به ابزار معامله تبدیل می‌شود، نه معیار هدایت. در منطق حکمرانی اسلامی، «سود» به‌خودی‌خود مذموم نیست؛ اما مشکل از جایی آغاز می‌شود که سود، تنها معیار تصمیم شود. این همان تمایزی است که رهبر معظم انقلاب با صراحت روی آن دست می‌گذارند: امروز تلاش می‌کنند ارزش را به سود تبدیل کنند؛ مدام می‌پرستند فلان اقدام سیاسی یا دیپلماتیک «سود دارد یا ندارد». ایشان می‌افزایند: هیچ‌کس از سود نمی‌گذرد؛ و اگر سود شخصی نباشد و سود عمومی باشد می‌تواند خودش یک ارزش شود. اما بلافاصله حدّ و مرز می‌گذارند: سود تنها ارزش نیست؛ ارزش‌های دیگری هم وجود دارد و گاه سودی به دست می‌آید اما یک ارزش پایمال می‌شود. در آن صورت، مسئله دیگر «مصلحت» نیست، بلکه «اداوستد بر سر ارزش» است. این تفکیک، یک معیار روشن به دست می‌دهد: در مصلحت‌اندیشی درست، سود حتی اگر عمومی و کلان باشد حق ندارد ارزش را قربانی کند. به

متوسط‌آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها، رژیم چنج یا براندازی جمهوری اسلامی است. اما معتقدیم که به اینجا قانع نخواهند شد و حرکت دیگری روی میز است.

ج- انهدام ساختاری به نام ایران: اما **هدف آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها کلیس یا انهدام ساختار (collapse) ایران است.** اگر رنالیستی و از منظر هژمون به روابط بین‌الملل و ساختار منطقه نگاه کنیم صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها، ساختاری که در تعارض با آنها باشد را بر نمی‌تابند و انهدام آن ساختار بر ایشان یک آمال و آرزوست.

نتیجه اولی که از این مطلب گرفته می‌شود این است که همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب فرمودند هدف دشمن ایران و ایران قوی است؛ «هر چیزی که ایران را قوی کند آنها را ناراحت می‌کند؛ چرا؟ چون می‌دانند که اگر ایران قوی شد، توطئه علیه ایران ناکارآمد خواهد شد؛ لذا نمی‌خواهند ایران قوی بشود. هر چیزی که ما را قوی کند آنها را عصبی می‌کند، ناراحت می‌کند». و اما نتیجه دوم آن است که وقتی ایران نشانه است فرقی ندارد مُعَمَّم بر سر کار باشد یا مُکَلَّل، اسلام‌گرا باشد یا سکولار و لاییک و... تلاش آن است که ایران باید فروپاشد.

♦ **تلاشی برای همگرایی منطقه‌ای**

هر چند خط و خطوط صهیونیست‌ها حول ایران می‌چرخد ولی آنها صرفاً به ایران نمی‌اندیشند. هژمون و تفوق صهیونیست‌ها در منطقه، به عنوان خط قرمز آمریکایی‌ها محسوب می‌شود. آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها آن قدر در این زمینه تلاش دارند که تا به امروز اجازه نداده‌اند که هر آنچه امکان هژمون شدن و تفوق صهیونیست‌ها را می‌گیرد نیز ممنوع کنند. نمونه‌اش را باید در ممنوعیت فروش ۳۳۵ به کشورهای منطقه دانست؛ چراکه آمریکایی‌ها حتی از آینده امتحانشان در مواجهه با صهیونیست‌ها ترس دارند. این فصول مشترک خصوصاً پس از عملیات طوفان الاقصی می‌تواند موجب همگرایی دولت‌های منطقه شود اگر آن چه صهیونیست‌ها در سر دارند به خوبی و به درستی روایت شود.

نکته گرام

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس: اعلام

می‌کنم که طبق بند هفت قانون اقدام متقابل در برابر اعلام سپاه به‌عنوان سازمان تروریستی، ارتش کشورهای اروپایی گروه تروریستی محسوب می‌شوند و عواقب این اقدام به‌عهده اتحادیه اروپا خواهد بود.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه:

مذاکرات مسقط شروع خوبی بود و می‌تواند ادامه خوبی هم داشته باشد، ولی بستگی به طرف مقابل و البته بستگی به تصمیم‌گیری‌هایی دارد که در تهران اتخاذ خواهد شد.

علی شمخانی، دبیر شورای دفاع: دکتر عباس عراقچی مذاکره‌کننده‌ای ماهر و راهبردی و مورد اعتماد سطوح عالی تصمیم‌گیری و نهادهای نظامی و اطلاعاتی است. سربازان ملت ایران در نیروهای مسلح دوشادوش سرداران عرصه دیپلماسی و تحت امر فرمانده معظم کل قوا برای صیانت از منافع ملت از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند.

اسماعیل باقانی سخنگوی وزارت امور خارجه:

مذاکرات ایران و آمریکا در مسقط با تفاهم طرفین برای ادامه گفت‌وگوها خاتمه یافت. طرفین ضمن تبیین دیدگاه‌ها و مطالبات خود، تفاهم کردند که در مشورت با پایتخت‌ها درباره دور بعدی گفت‌وگوها تصمیم‌گیری کنند. این تعامل دیپلماتیک، با اقتدار و با هدف رسیدن به یک تفاهم عادلانه، مرضی‌الطرفین و شرافتمندانه درباره موضوع هسته‌ای صورت می‌گیرد.

ابراهیم رضایی، سخنگوی کمیسیون امنیت**ملی مجلس:** دیپلمات‌های ما دیپلمات‌های

آنها می‌دانند که برد موشک‌های ایرانی به نام آبراهام لینکلن می‌رسد. مذاکرات فردا در مسقط به نتیجه نمی‌رسد مگر اینکه آمریکایی‌ها از زورگویی و زیاده‌خواهی دست بردارند. تمرکز ما بر میدان است. مقاومت همیشه جواب می‌دهد. اگر مذاکره در چارچوب جمهوری اسلامی ایران را نپذیرند، مجبور خواهند شد به جای دیپلمات‌ها با موشک‌ها و پهپادهای ما مذاکره کنند.

مهدی طباطبایی، معاون دفتر پزشکیان:

ماموریت وزیر خارجه به درستی انجام شد، زمینه‌سازی برای مذاکره عادلانه و منصفانه بر اساس عزت، حکمت و مصلحت.

حجت‌الاسلام علیرضا سلیمی، عضو**هیئت‌رئیس مجلس:** آمریکایی‌ها تصور نکنند

که می‌توانند خواسته‌های خود را تحمیل کنند. مذاکرات صرفاً در زمینه موضوعات هسته‌ای و طبق ساختار مشخص‌شده انجام می‌شود و در حوزه موشکی اصلاً مذاکراتی صورت نخواهد گرفت.

سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه:

روسیه در ماهیت مذاکرات آمریکا و ایران دخالت نمی‌کند و امیدوار است کسی دیگر نیز در آن مداخله نکند.

وب‌سایت عبری زبان ماکو: آخرین اظهارات

رهبر ایران در مورد جنگ احتمالی منطقه‌ای در واقع نشان می‌دهد که او سناریوی «درگیری محدود» بین رژیم ایران و نیروی هوایی و دریایی ایالات متحده را منتفی می‌داند و از دیدگاه او، هرگونه حمله‌ای علیه ایران، واکنشی را علیه اهدافی در منطقه، از جمله اسرائیل، به دنبال خواهد داشت.

وب‌سایت معاریو: رهبر جمهوری

اسلامی ایران، علی‌خامنه‌ای، پیام قوی و تهدیدآمیزی به ایالات متحده فرستاده و اعلام کرده است که هرگونه درگیری نظامی در آینده فراتر از مرزهای ایران و در سراسر منطقه خواهد بود.

آئیوی، بنیان‌گذار و مدیرکل جنبش الامینون

رژیم صهیونی: اسرائیل باید خود را برای مواجهه نظامی هم‌زمان با دو (مصر و ترکیه) کشور در سال‌های آینده آماده کند. توان ارتش مصر در حال افزایش است و باید این موضوع را تحت نظر داشت. ما با مصر روابط داریم، اما باید مانع از افزایش بیش از حد قدرت شویم.

وقتی آمریکا از ایران الگو می‌گیرد



جای تمرکز بر کارآیی و انبوه‌سازی، به سمت پیچیدگی و هزینه‌افزایی رفته‌اند. این رویداد بیش از هر چیز، یک پیام محکم به جهانیان دارد:

ایران نه فقط یک مصرف‌کننده سلاح نیست، بلکه امروز یکی از الهام‌بخش‌ترین تولیدکنندگان فناوری‌های دفاعی جهان به شمار می‌روداز زمانی که ایران با مهندسی معکوس پهپاد ساقط شده آمریکایی «MQ-۱۷۰» توانست مدل‌هایی از پهپاد داخلی را توسعه دهد، تا امروز که پهپادهای ایرانی الهام‌بخش طراحی‌های آمریکایی شده‌اند، مسیر پیشرفت دفاعی کشور یک مسیر «ایستادگی، خلاقیت و استقلال فناوریانه» بوده است.

این پیام به دشمنان و دوستان ایران واضح است: خلق سلاح‌های مؤثر و قابل تولید انبوه در شرایط تحریم و فشار خارجی نه تنها ممکن است، بلکه عامل تعیین‌کننده در قدرت دفاعی و بازدارندگی ملی است.وقتی دشمنی که ده‌ها سال برتری نظامی را برای خود محفوظ می‌دانست، در نهایت به تقلید از فناوری ایرانی تن می‌دهد، این نه فقط اعتراف به برتری دفاعی ایران است، بلکه گواهی روشن برزمینی بودن الگوهای جدید قدرت در جهان است: قدرتی که از استقلال، ابتکار و کاربردی بودن نشأت می‌گیرد مفاهیمی که ایران آنها را در عمل به جهانیان نشان داده است.

این اقدام آمریکا یکی از چرخش‌های بزرگ در تفکر نظامی جهان است: کشوری که پیشتر در تمام عرصه‌های فناوری نظامی پیشستاز تلقی می‌شد، اکنون در وضعیتی قرار گرفته که باید از فناوری‌های طراحی شده توسط ایران بهره‌برد تا قابلیت‌های خود را تقویت کند.

بخش مهمی از این تحول به فلسفه طراحی و به کارگیری سلاح‌های ایرانی برمی‌گردد، ساختار ساده، هزینه کم، قابلیت تولید انبوه و اثربخشی بالا. پهپادهایی مثل شاهد ۱۳۶ با تعبیه سیستم‌های هدایت ترکیبی و موتورهای ساده‌ولی قابل اعتماد، قادرند نه تنها برای عملیات شناسایی بلکه به عنوان سلاح‌های انتحاری دقیق عمل کنند. استراتژی دفاع نامتقارن ایران بر این اساس طراحی شده که در عین حال که هزینه تولید سلاح‌ها پایین است، اثرگذاریشان در تضعیف دشمن بسیار بالا باشد؛ موضوعی که امروز حتی دشمنان ایران نیز ناچار به پذیرش آن شده‌اند.

نکته جالب‌تر اینکه پهپادهای طراحی‌شده در غرب یا تلاش‌های آمریکایی برای مهندسی معکوس، اغلب نه فقط کیفیت و کارآمدی نسخه اصلی را ندارند، بلکه حتی در برخی مواقع با مشکلات فنی و هزینه‌های تولید چندین برابر مواجه‌اند؛ موضوعی که تحلیلگران نظامی نیز به آن اشاره کرده‌اند، چون طراحی‌های غربی به

نشان داده و از آن به‌عنوان یکی از نمادهای تکنولوژی دفاعی ایران یاد می‌شود. آنچه عجیب است این‌که کشوری که برای دهه‌ها خود را برتر از همه در زمینه فناوری نظامی می‌دانست، امروز در طراحی و ساخت پهپادهای ارزان و کاربردی، ناچار به الهام گرفتن از ایران شده است. این پهپادها با نام‌های آمریکایی مانند LUCAS (سامانه تهاجمی بدون سر نشین کم‌هزینه) تولیدودر مناطق عملیاتی غرب آسیا مستقر شده‌اند؛ اما در حقیقت، نسخه‌های مهندسی معکوس‌شده و الهام‌گرفته از طراحی ایرانی هستند. آنچه از رسانه‌های غربی منتشر شده نشان می‌دهد که ایالات متحده، بعد از تجربه شکست‌های مکرر در مقابله با پهپادهای کم‌هزینه و پرشمار ایران و متحدانش، به این نتیجه رسیده است که باید از همان مدل‌ها استفاده کند که ایران موفق شده با هزینه بسیار اندک و طراحی کارآمد، آنها را توسعه دهد.

در گزارش‌های منتشر شده آمده که ایجاد یگان‌های تخصصی هدایت و استفاده از پهپادهای کپی‌شده در ارتش آمریکا به صورت مستقیم با نمونه‌های ایرانی ارتباط دارد و حتی برخی شرکت‌های آمریکایی نمونه‌هایی را توسعه داده‌اند که به لحاظ شکل، عملکرد و فناوری به نسخه‌های ایرانی شباهت دارند. حتی روزنامه‌های بین‌المللی اذعان کرده‌اند که

گزارش

فتح مرزهای علم وفناوری

است؛ ترکیبی که نشان داده تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی نمی‌تواند مانع حرکت پیوسته ایران در مسیر توسعه علم و فناوری شود. بخش فضایی کشور با بهره‌گیری از نخبگان دانشگاهی، پژوهشگاه‌ها، متخصصان صنعتی و نیروهای جوان، توانسته است گام‌هایی بلند در عرصه‌ای بسیار رقابتی بردارد. این موفقیت‌ها همچنین به توسعه زیست‌بوم علمی و اقتصادی مرتبط با فضا کمک کرده است؛ جایی که شرکت‌های دانش‌بنیان، استارت‌آپ‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی با محوریت فناوری فضایی در حال شکل‌گیری و تقویت هستند و نقش مهمی در تثبیت جایگاه کشور در این عرصه ایفا می‌کنند. این تحولات، فرصت‌های جدیدی را برای همکاری‌های علمی و توسعه اقتصادی ایجاد کرده است و نشان می‌دهد که فناوری فضایی ایران در مسیر پویایی و تحرک است. روز ملی فناوری فضایی نه‌تنها یادآور یک موفقیت تاریخی است، بلکه نمادی از قدرت علمی، اراده ملی و چشم‌انداز بلند فناوری کشور در مسیر پیشرفت‌های آینده به شمار می‌آید.

فضایی جهان است. در کنار برنامه‌های ماهواره‌ای، توسعه سامانه‌های پرتاب ماهواره‌ها نیز به‌طور قابل توجهی پیشرفت داشته است. ایران هم‌اکنون به توان طراحی و ساخت ماهواره‌برهایی مجهز است که قادر به قرار دادن ماهواره‌ها در مدارهای پایین زمین هستند. این توانمندی، محصول سال‌ها کار علمی، مهندسی و بهره‌گیری از تخصص نخبگان کشور است که به‌صورت مستمر در حال بهبود و ارتقاء است. قدرت فضایی ایران همچنین در عرصه ارتباطات فضایی و سنجش از دور بروز یافته است؛ دستگاه‌هایی که نه فقط برای نیازهای داخلی، بلکه برای خدمت به بخش‌های مختلف اقتصادی، محیط‌زیستی و علمی قابل استفاده‌اند. ارتقاء وضوح تصویربرداری، افزایش عمر عملیاتی ماهواره‌ها و به‌کارگیری تکنولوژی‌های نوین در این حوزه‌ها، از مهم‌ترین محورهای توسعه صنعت فضایی کشور در سال‌های اخیر بوده است. آنچه این پیشرفت‌ها را برجسته می‌کند، ادغام فناوری، خودسازی ملی و مدیریت راهبردی

حال حرکت به سوی اهداف بلندتری مانند توسعه مدارهای بالاتر و افزایش ظرفیت‌های فضایی است.

یکی از مهم‌ترین دستاوردها در این مسیر، پرتاب موفق ماهواره‌های متعددساخت ایران به مدار زمین است؛ ماهواره‌هایی که برای اهداف مختلف تحقیقاتی، سنجش از دور، مخابرات و توسعه خدمات فضایی طراحی شده‌اند. این دستاوردها نمایانگر توان بالای مهندسی و تخصصی کشور در طراحی، ساخت و بهره‌برداری از فناوری‌های پیچیده فضایی است و جایگاه ایران را در جمع بازیگران مهم این عرصه تثبیت کرده است. هم‌زمان با بزرگداشت روز ملی فناوری فضایی، پروژه‌های جدید و برنامه‌های آینده صنعت فضایی کشور نیز رونمایی شده‌اند؛ از جمله تلاش برای رسیدن به مدار ژئو (GEO) که هدفی بلندپروازانه برای دستیابی به مدارهای فضایی بالاتر و توسعه خدمات ارتباطی و سنجشی محسوب می‌شود. این برنامه‌ها نشان‌دهنده عزم جدی ایران برای پیشبرد فناوری‌های پیشرفته و افزایش سهم خود در صنعت

گروه مجازستان

صبح صادق

در تقویم علمی کشور، هر سال روز ملی فناوری فضایی نقطه‌ای تأمل برانگیز برای مرور دستاوردهای برجسته ایران در عرصه فضایی است؛ دستاوردهایی که نه تنها توان علمی و مهندسی کشور را نشان می‌دهد، بلکه عزم ملی و روح خودنمایی را به تصویر می‌کشد. این روز یادآور نخستین پرتاب موفق ماهواره ایرانی به مدار زمین است، رخدادی که مسیر علمی کشور را متحول کرد و ایران را در جمع کشورهای صاحب فناوری فضایی قرار داد. در سال‌های اخیر، صنعت فضایی ایران با سرعتی چشمگیر مسیر توسعه را طی کرده است. از طراحی و ساخت ماهواره‌های سنجشی تا پیشرفت در حوزه تصویربرداری و مخابرات فضایی، تلاش متخصصان ایرانی توانسته گام‌های بزرگی در توسعه فناوری‌های نوین بردارد. روند توسعه این فناوری‌ها در سال‌های اخیر نشان داده است که ایران نه تنها توان تولید ماهواره‌های کاربردی را دارد، بلکه در

پژواک

رسوایی گوگل

همکاری جنمائی با پیمانکار رژیم صهیونی

یک کارمند سابق گوگل در شکایتی محرمانه به‌عنوان «افشاگر فدرال» اعلام کرده است که این شرکت در سال ۲۰۲۴ با کمک به یک پیمانکار نظامی رژیم صهیونیستی برای تحلیل ویدیوهای پهپادی با هوش مصنوعی، سیاست‌های داخلی و اخلاقی خود را نقض کرده است. طبق اسناد داخلی، فناوری هوش مصنوعی «جنمائی» گوگل در زمانی در اختیار پیمانکاری به نام «کلودای ایکس» قرار گرفته که این شرکت، پیمانکار ارتش رژیم صهیونیستی معرفی شده و با ساختار نظامی تل آویو همکاری داشته است.

نرم افزار

ذکر

ارتباط روزانه با قرآن

می‌کند و در ماه‌های شعبان و رمضان، فرصتی مناسب برای آمادگی معنوی و بهره‌مندی از معارف قرآنی ارائه می‌دهد. این آب ایرانی کم‌حجم و کاربردی، ابزار مناسبی برای ترویج انس با قرآن و محتوای معنوی در فضای دیجیتال محسوب می‌شود.

خبر خوب

ماهواره ایرانی

رونمایی از پایگاه فضایی سلماس و چناران

۱۴ بهمن ماه به مناسبت سالروز فناوری فضایی، نخستین تصاویر دریافتی از ماهواره «پایا» رونمایی شد. این ماهواره که توانایی تهیه تصاویر با وضوح بالا از سطح زمین را دارد، گامی مؤثر در تقویت ظرفیت‌های سنجش از دور ایران برای کاربردهای مدیریت بحران، نظارت بر منابع طبیعی و برنامه‌ریزی‌های عمرانی محسوب می‌شود. همچنین، دو پایگاه فضایی پیشرفته در شهرهای سلماس (آذربایجان غربی) و چناران (خراسان رضوی) به‌عنوان زیرساخت‌های کلیدی دریافت و پردازش داده‌های ماهواره‌ای کشور به بهره‌برداری رسیدند.

یادداشت

اسلحه‌ای استراتژیک!

مهدی امیدی

خبرنگار

برای تبیین نسبت میان «انقلاب اسلامی» و «رمان»، پیش از هر چیز نیازمند صورتی روشن از تعریف این دو مفهوم و شناخت مسیر تطور آنها در بستر اجتماع هستیم. ادبیات در معنای اصیل خود، چیزی فراتر از میراث مکتوب یا اصطلاحات علمی است؛ ادبیات تجلی نظم و نثری است که زبان را به مثابه ماده‌ای اجتماعی به خدمت می‌گیرد تا میان انسان‌ها ارتباط برقرار کند. از همین منظر، رمان به عنوان یکی از پرطرفدارترین قالب‌های ادبی، نه یک پدیده‌انترزاعی، که مولودی اجتماعی است. تاریخ، تولد رمان را در دل تحولات عصر رنسانس جست‌وجو می‌کند؛ جایی که شرایط خاص اجتماعی، این نوع ادبی را پدید آورد و متقابلاً رمان با آفرینش اندیشه‌های نو، جامعه اروپایی را دگرگون ساخت که نمونه بارز آن را در «دن‌کیشوت» سرواتنس می‌بینیم. در ایران اما، این پیوند با تأخیری چند سده‌ای و در دوران قاجار شکل گرفت. هم‌زمان با تاج‌گذاری آقامحمدخان و رشد سرمایه‌داری در غرب، نخبگان ایرانی نظیر عباس‌میرزا با اعزام محصلان به اروپا، دریچه‌آشنایی با علم و فرهنگ غربی را گشودند. ثمره این تعامل، ورود چاپخانه، مطبوعات و صنعت ترجمه بود که سنگ‌بنای رمان فارسی را بنا نهاد.

رمان در ایران نیز همچون غرب، از دل یک تحول اجتماعی- فرهنگی برخاست. با این حال، رمان‌نویسان پیش از انقلاب غالباً در حصار رئالیسم و ناتورالیسم، به جای همراهی با باورهای اصیل مردم، به نقد توده‌ها و گاه تاختن به فرهنگ دینی برخاستند که آثار صادق هدایت نمونه‌ای از این جریان است.

با وقوع انقلاب اسلامی به‌عنوان پدیده‌ای برآمده از مبانی دینی و مردم‌سالاری، نسبتی نوین میان فرم و محتوا پدیدار شد؛ انقلاب اسلامی نه تنها هنر را نفی نمی‌کند، بلکه آن را برای بیان آرمان‌های خود و خلق تمدنی نوین به خدمت می‌گیرد. در عصر تکنولوژی و رسانه، انقلاب برای نیل به اهداف تمدنی خود چاره‌ای جز برقراری نسبت منطقی با رمان ندارد.

با این حال، پس از گذشت چهار دهه، همچنان در میانه دو لبه قیچی گرفتاریم: گروهی که در «کلیشه‌های محتوایی» غرق شده‌اند و گروهی که دچار «توهمات هنر مدرن» هستند. این چالش برخاسته از تعاریف نادرست از جایگاه نویسنده است. نویسنده در تراز انقلاب اسلامی، منتقد و اندیشمندی است که برای اصلاح جامعه قلم می‌زند و مخاطبی مطالبه‌گر می‌سازد. او باید بلندگوی طبقه مستضعف باشد و اعتراض و مفاهیم متعالی خود را چنان در تن «فرم» ببوشاند که نه دچار شعارزدگی شود و نه مخاطب را دلزده کند.

باید واقع‌بین بود؛ ما در خلق قهرمان‌های دفاع‌مقدس و اسطوره‌های ملی- مذهبی در ساحت رمان، غالباً با زبانی الکن مواجه بوده‌ایم. به جز آثاری انگشت‌شمار، شخصیت‌های سترگ ما یا در فانتزی‌های عاشقانه ذبح شده‌اند یا در شخصیت‌پردازی‌های مصنوعی و فاقد عمق. ریشه این ناکامی، عدم آشنایی دقیق نویسندگان با «فرم هنری» است.

امروز رمان به اسلحه‌ای استراتژیک در جنگ نرم بدل شده که حتی سینما نیز با اقتباس از آن حیات می‌گیرد. برای عبور از وضعیت فعلی، آنتستی دوباره با رمان و تزریق خیل عظیم مفاهیم دینی و تاریخی در این قالب، یک ضرورت تمدنی است.

نگاهی به جشنواره فیلم فجر در میانه راه

ظهور قهرمانان ملی

آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ

سالگرد تولد چهل و چهار سالگی سینمای نوین ایران در غبار و سکوت اتفاق افتاد؛ چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر در حالی به‌ایستگاه ۴۴ رسید که فضایی متفاوت از ادوار گذشته بر آن حاکم بود. این رویداد که همواره بیش از متن، با حاشیه‌های پررنگ و جنجال‌های رسانه‌ای گرم می‌شدد، این بار با نوعی سکوت خبری سنگین و کاهش محسوس تراکنش اطلاعاتی به مرحله اجرا رسید. تا جایی که حتی در روزهای منتهی به آغاز جشنواره، وضعیت جشنواره و برنامه‌های آن در ابهام قرار داشت. با این حال، جشنواره فجر نشان داد که حتی با مدیریت دبیر کهنسال و تیمی که در اطلاع‌رسانی تا دقیقه نود با کندی عمل می‌کرد، نمی‌تواند از لنز حوادث روز جامعه دور بماند. حوادث دی‌ماه و شرایط سیاسی کشور، بار دیگر تور حواشی را داغ کرد و جشنواره را به سیبل مهاجمان رسانه‌ای بدل ساخت.

شکست پروژه تحریم و دیکتاتوری محفلی

از سال ۱۳۸۸ به این سو، کلیدواژه «تحریم» همواره در ایام فتنه و غبارهای سیاسی به حواشی جشنواره راه یافته است. امسال نیز طرح انصراف و تحریم از سوی رسانه‌های بیگانه و فضای مجازی به شدت پمپاژ شد. اما واقعیت صحنه در پردیس ملت (خانه جشنواره) و سینماهای مردمی، روایت دیگری داشت. تقریباً هیچ مورد جدی از انصراف با هدف تحریم از سوی فیلمسازان رخ نداد. با وجود کاهش صدور کارت برای اهالی رسانه، سالن‌ها همچنان مملو از جمعیت است و بلیت‌های بخش مردمی به سرعت فروخته شد.

در این میان، نکته تأمل‌برانگیز، فشار و ارعاب سازمان‌یافته‌ای بود که برخی علیه همکاران خود به راه انداختند؛ نوعی «دیکتاتوری گروهی» که حضور در مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور را جرم‌نگاری می‌کرد. ایسن رفتارهای واگرایانه که در برخی نشست‌های خبری نیز بازتاب داشت، مصداق بارز «بر سر شاخ بودن و بن بریدن» است. سینماگران باید بدانند که اعتبار و حیات حرفه‌ای آنها در گروی زنده ماندن این صنعت و جشنواره ملی است، نه تبعیت از موج‌های سیاسی که هدفشان خاموش کردن چراغ سینمای ایران است.

سینما در خط مقدم نبرد ۱۲ روزه

یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های دوره چهل و چهارم، پایان یافتن عادت دیرینه «تأخر زمانی» در سینمای استراتژیک ایران است. دوربین سینمای ما که معمولاً سال‌ها پس از وقوع حوادث ملی به حرکت درمی‌آمد، این بار با یک چرخش تاریخی،



تنها ۷ ماه پس از نبرد سرنوشت‌ساز ایران با رژیم صهیونیستی و آمریکا (جنگ ۱۲ روزه)، به بازنمایی این حماسه پرداخته است.

اختصاص یک‌ششم از فیلم‌های بخش مسابقه به این موضوع، گامی نوین در به‌روزرسانی سینمای ملی است. آثاری همچون: «نیم‌شب»، «سقف»، «قمارباز»، «رقص باد» و «کافه سلطان» همچنین بایدبه‌آثار استراتژیک‌وصدصهیونیستی چون «غبار میمون» و «سرزمین فرشته‌ها» نیز اشاره کرد.

این فیلم‌ها نشان دادند که سینما دیگر نمی‌خواهد صرفاً روایتگر تاریخ پایگانی شده باشد، بلکه می‌کوشد در برابر سانسور رسانه‌های غربی، روایتگر صادق حماسه‌های معاصر۱ باشد که هنوز ابعاد امنیتی آنها برای عموم فاش نشده است.

ظهور قهرمانان ملی بر پرده نقره‌ای

سینمای ایران در دهه‌های اخیر به شدت از

برداشت

نگاهی به چهل‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

بارقه‌های امید در مسیر ناهموار اجرا

سعید رضایی

خبرنگار

چهل‌وچهارمین دوره جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در حالی به پایان رسید که بار دیگر نشان داد تئاتر ایران، با وجود همه دشواری‌ها، هنوز ایستاده و می‌تبد. روشن ماندن چراغ سالن‌ها و حضور پرشور هنرمندان جوان و شهرستانی، در فضای سرد اقتصادی و اجتماعی این روزها، خود نشان‌های امیدبخش است. در واقع، «نفس برگزاری» جشنواره در این شرایط، بی‌تردید گامی رو به جلو برای حفظ پویایی صحنه به‌شمار می‌آید؛ زیرا تئاتر به‌عنوان زنده‌ترین هنر جمعی، تنها زمانی معنا می‌یابد که روی صحنه باشد، نه در قاب خبرها یا گزارش‌ها.

ایسن دوره از جشنواره تئاتر فجر نشان داد که پتانسیل نمایش ایرانی، به‌ویژه در استان‌ها، همچنان زنده و قابل اتکاست. گروه‌های شهرستانی با شور و انرژی، روایتگر فرهنگ‌های بومی خود شدند و هنرمندان جوان نیز توانستند روح تازه‌ای در کالبد آثار بدمد. تئاتر فجر همچنان مهم‌ترین ویترین هنر نمایش در کشور است؛ جایی که تجربه و جسارت، در کنار هم به صحنه می‌آیند و امکان تبادل اندیشه میان هنرمندان از سراسر ایران فراهم می‌شود. همین ویژگی است که سبب شده فجر، با همه ضعف‌ها و حاشیه‌هایش، همچنان جایگاهی یگانه در میان جشنواره‌های هنری کشور داشته باشد.

اما وقتی از سطح شور و امید به عمق ساختارها می‌رسیم، چالش‌ها روشن‌تر می‌شوند. مشکلات اجرایی و مدیریتی همچنان پاشنه‌آخیل جشنواره‌اند؛ ناهماهنگی‌های مکرر در جدول

خللاً «قهرمان» رنج برده و به سمت روایت‌های «آپارتمانی» و ضدقهرمانانه گرایش یافته است. امسال اما، جشنواره شاهد بازگشت قهرمانان واقعی به سینما بود. فیلم «کوچ» به عنوان یکی از مهم‌ترین آثار این دوره، به ریشه‌های شکل‌گیری شخصیت شهید حاج قاسم سلیمانی از تولد تا زمان پیوستن به سپاه می‌پردازد. نمایش ابعاد انسانی و خانوادگی این اسطوره معاصر، پاسخی است به نیاز فطری جامعه برای داشتن الگوهای بومی. علاوه بر این، فیلم‌های «جانشین» (درباره شهید حسین املاکی) و «مارون» (درباره شهید هدایت‌الله طیب) تلاش کردند تا ذائقه مخاطب را از ابرقهرمان‌های خیالی هالیوودی به سمت واقعیت‌های درخشان تاریخ معاصر ایران سوق دهند.

تغییرات ساختاری و چالش نظم

چهل و چهارمین دوره جشنواره با تغییراتی در ساختار مدیریتی همراه بود. حذف «هیئت انتخاب» و واگذاری مسئولیت مستقیم آثار به دبیر جشنواره (منوچهر شاهسواری) یکی از این بدعت‌ها بود. اگر چه این اقدام در راستای استانداردهای جهانی (مانند جشنواره کن و برلین) ارزیابی می‌شود، اما انتقاداتی را نیز برانگیخت. در بخش آمار و ارقام، ابتداء قرار بود ۲۲ فیلم در مسابقه حضور داشته باشند که با نظر دبیر به ۳۱ فیلم افزایش یافت. همچنین حضور ۱۳ فیلم‌اولی (۳۶ درصد آثار) نشان از تزییق خون تازه به رگ‌های سینما دارد.

حضور چهره‌هایی چون رسول صدرعاملی، سروش صحت، احمد مرادپور و محمدحسین مهدویان در کنار نسل جدید، ترکیبی از تجربه و انگیزه را پدید آورده است.

با این حال، «بی‌نظمی» بزرگ‌ترین نمره منفی در کارنامه این دوره است. تغییر ۶ باره جدول نمایش در ۶ روز اول، لغو اکران فیلم‌هایی مانند «قایق‌سواری در تهران» به بهانه اصلاحات فنی در دقایق آخر و جایه‌جایی‌های مکرر، نشان از ضعف جدی در انضباط تشکیلاتی دبیرخانه دارد.

فنی سالن‌ها باید در دستور کار سیاست‌گذاران فرهنگی قرار گیرد.

به موازات این کاستی‌ها، فقدان یک پیوست رسانه‌ای حرفه‌ای نیز احساس می‌شد. بسیاری از نمایش‌های متعهد و اندیشمند این دوره، به دلیل ضعف در اطلاع‌رسانی و تولید محتوای رسانه‌ای، نتوانستند اثر خود را به جامعه انتقال دهند. تئاتر فجر برای ماندن در حافظه فرهنگی جامعه، نیازمند رسانه‌ای پویا و شبکه ارتباطی کارآمد است؛ رسانه‌ای که نه‌فقط خبر برگزاری دهد، بلکه گفت‌وگویی دائمی میان اثر و مردم ایجاد کند.

با همه اینها، تلاش برگزارکنندگان جشنواره برای حفظ حرمت صحنه و فراهم کردن بستری برای گفت‌وگوی هنرمندان، شایسته تقدیر است. اما اگر قرار باشد فجر تئاتر در دهه‌های پیش‌رو همچنان نقشی الهام‌بخش ایفا کند، باید از وضعیت مدیریت موقت و ستادی به سمت دبیرخانه دائمی و تخصصی حرکت کند. جشنواره‌ای از این سطح، نیازمند برنامه‌ریزی میان‌مدت، تعامل با دانشگاه‌ها، و شورای هنری مستقل است تا از روزمرگی نجات یابد.

تئاتر فجر، بیش از هر چیز، میراث انقلاب فرهنگی ایران و نماد پایداری هنر در برابر فراموشی است. این میراث وقتی ماندگار می‌شود که ساختارهایش شفاف، حرفه‌ای و پاسخ‌گو باشند. در غیر این صورت، شور هر ساله برگزاری، به تکرار بی‌ثمر بدل خواهد شد. آنچه امروز بیش از همه اهمیت دارد، بازاندیشی در کیفیت و معناست. بازگشت به خود تئاتر، به حقیقت زیستن روی صحنه، و به آن پیوند انسانی میان بازیگر و تماشاگر که تنها در تئاتر معنا دارد.



آقا‌زاده‌ها را باید در دل میدان جهاد تبیین و در خط مبارزه با دشمنان داخلی و خارجی شناخت. یکی از این آقا‌زاده‌ها که در مسیر پدرش قدم برداشت و تا آخرین لحظه برای تبیین و برای اسلام و وطن از جان مایه گذاشت شهید فرج‌الله شوشتری فرزند شهید نورعلی شوشتری است. صادق قدمیاری فرزند شهید محمدعلی قدمیاری دریا‌ه شهید فرج‌الله می‌گوید: «فرج‌الله بسیار ساده رفتار می‌کرد، بسیار ساده صحبت می‌کرد و ساده زندگی می‌کرد؛ به یاد دارم چند روز پس از شهادت سردار نور علی شوشتری، با فرج‌الله برای مراسمی راهی تهران شدیم، فرج‌الله یک پراید مدل پایین داشت در مسیر که می‌رفتم مسافری کنار جاده ایستاده بود و فرج‌الله سوارش کرد در مسیر که می‌رفتم به مسافر گفتم این آقا را می‌شناسی؟ گفت نه! گفتم ایشان پسر ارشد سردار شهید شوشتری هستند. حرم را باور نکرد چرا که سادگی فرج‌الله برایش غیر قابل باور بود، لمس کردن سادگی رفتار و منش و حتی لباس پوشیدن فرج‌الله برای بسیاری از مردم که تصور دیگری از آقا‌زاده دارند برایشان غیر قابل باور بود.

فرج‌الله در زمان زلزله کرمانشاه مدتی در غرب مستقر شد و یا به واسطه پدر شهیدش تعصب عجیب و غریبی به سیستان و بلوچستان داشت. گاهی پیش می‌آمد که فرج‌الله را مدتی پیدا نمی‌کردیم، بعداً متوجه می‌شدیم سیستان رفته است. همیشه در موقعیت‌ها و حوادث اولین نفری بود که بسیج می‌شد. همیشه دوست داشت به مردم سیستان و بلوچستان خدمت کند و ادامه‌دهنده راه شهدای وحدت بویژه پدرش سردار شهید نورعلی شوشتری باشد؛ می‌گفت من باید ادامه‌دهنده راه پدرم باشم و عمل وحدت را اجرا کنم، البته تلاش‌های زیادی در این حوزه انجام داد.

هر وقت فرزندان شهدا و یا خانواده شهدا مشکلی داشتند فرج‌الله متوجه می‌شد تا رفع مشکلات آنها پیش می‌رفت و پیگیر بود به نوعی فرج‌الله بزرگتر فرزندان شهدا بود، همیشه خود را جای پدرش می‌گذاشت و می‌گفت: اگر شهید بود همین کار را می‌کرد؛ فرزندان شهدا و مشکلات مردم همیشه در اولویت حرف‌هایش بود و واقعا دغدغه داشت؛ هیچ وقت دنبال کارهای شخصی خود نبود. صلابتی که برای کمک کردن به مردم و فرزندان و خانواده شهدا داشت را در وجود هیچکس تا به امروز ندیدم. فرج‌الله سه دختر داشت و وقتی با دخترهایش صحبت می‌کرد حس قشنگی داشت. خیلی سخت است در مسیری قرار بگیری که بدانی دست خالی هستی و ممکن است برنگردی، فرج‌الله دست خالی در میدان با اغتشاشگران مقابله کرد آن هم نه برای خود بلکه به خاطر مردم اقدام به بازگشایی معبر کرد؛ فرج‌الله شب حادثه از بچه‌ها و خانواده‌اش عبور کرد تنها برای حفظ کشورش تنها برای اینکه جان مردم به خطر نیفتد؛ فرج‌الله اهل سلاح دست گرفتن نبود، سلاح او حرف زدنش با جوانان و نوجوانان و مردم بود.»

پاسخ ایران به تهدیدات سریع، دقیق، کوبنده

گزارش صبح صادق از نمایش قدرت موشکی جمهوری اسلامی ایران



کشور محسوب می‌شود و توان حمل بیش از یک تن مواد منفجره را دارد.

خرمشهر-۴ از موتور پیشرفته «اروند» بهره می‌برد که با استفاده از سوخت‌های هاپر گولیک (خودمشتعل) کار می‌کند. استفاده از این نوع سوخت موجب افزایش سرعت آماده‌سازی عملیاتی موشک و کاهش وابستگی به فرآیندهای پیچیده اشتعال می‌شود.

یکی از نوآوری‌های مهم در طراحی این موشک، قرار گرفتن موتور در داخل مخزن سوخت است که علاوه بر افزایش پایداری سازه‌ای، موجب کاهش طول موشک و بهبود نسبت قطر به طول شده؛ موضوعی که نقش مهمی در افزایش پایداری بالستیکی و دقت اصابت دارد.

سرعت این موشک در خارج از جو به ۱۶ مایخ و در داخل جو به حدود ۸ مایخ می‌رسد. چنین سرعتی موجب می‌شود زمان پرواز موشک از لحظه شلیک تا اصابت به هدف، حدود ۱۰ تا ۱۲ دقیقه باشد؛ بازه زمانی کوتاهی که عملاً فرصت واکنش مؤثر را از بسیاری از سامانه‌های دفاع موشکی سلب می‌کند.

کابوس سه مرحله‌ای

موشک خرمشهر-۴ دارای سه فاز اصلی پروازی است. در فاز نخست، موشک پس از پرتاب از سکوی متحرک، ارتفاع، سرعت اولیه و مسیر کلی پرواز را تنظیم می‌کند. در مرحله بعد که فاز میانی محسوب می‌شود، سرچنگی پس از جدایش از بدنه وارد مسیر بالستیک شده و موتورهای تعبیه‌شده در آن، وظیفه رفع اغتشاشات ناشی از جدایش و اصلاح مسیر پروازی را برعهده دارند.

این مرحله مهم‌ترین بخش هدایت موشک محسوب می‌شود و خطاهای احتمالی در مسیر طولانی پرواز را به حداقل می‌رساند. در فاز سوم، سرچنگی آماده ورود به جو غلیظ زمین می‌شود. در این مرحله، سرعت موشک از ۱۶ مایخ به حدود ۸ مایخ کاهش می‌یابد، اما همچنان این سرعت برای رهگیری توسط سامانه‌های پدافندی بسیار بالا ارزیابی می‌شود.

برای حفظ پایداری مسیر در این مرحله، موتورهای کمکی فعال شده و سرچنگی با ایجاد حرکت چرخشی مشابه حرکت یک مته، مسیر خود را تثبیت می‌کند تا انحرافی در مسیر اصابت ایجاد نشود.

موتورهای تاکتیکی

سرچنگی موشک خرمشهر-۴ که با نام عملیاتی «خیبر» نیز شناخته می‌شود، از پیشرفته‌ترین سرچنگی‌های مانورپذیر در زرادخانه موشکی ایران به شمار می‌رود.

بر اساس اطلاعات فنی منتشر شده، این سرچنگی از مجموعه‌ای شامل هشت موتور کمکی بهره می‌برد که چهار موتور وظیفه تنظیم نگرش، تثبیت پایداری و ایجاد چرخش اولیه سرچنگی را برعهده دارند و چهار موتور دیگر برای اصلاح مسیر جانبی و افزایش دقت اصابت به کار گرفته می‌شوند.

این ساختار کنترلی پیشرفته موجب شده سرچنگی خرمشهر-۴ از مانورپذیری بالا و دقت قابل توجهی در مرحله پایانی پرواز برخوردار باشد.

کارشناسان نظامی معتقد هستند استفاده از این سامانه کنترلی، علاوه بر افزایش دقت اصابت، احتمال عبور سرچنگی از سامانه‌های پدافندی دشمن را نیز به شکل قابل توجهی افزایش می‌دهد و نقش مهمی در ارتقای توان عملیاتی این موشک ایفا می‌کند.

عبور از جنگ الکترونیک

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های خرمشهر-۴، انجام هدایت اصلی در فاز میانی پرواز است؛ موضوعی که موجب می‌شود پس از ورود سرچنگی به جو، سامانه‌های هدایت الکترونیکی خاموش شده و موشک به یک سامانه کاملاً مکانیکی تبدیل شود.

ایمن ویژگی، احتمال اثرگذاری جنگ الکترونیک دشمن را به حداقل رسانده و قابلیت بقا و نفوذپذیری موشک را به‌طور قابل توجهی افزایش می‌دهد.

مانورپذیری

در طراحی این موشک تلاش شده سطح مقطع راداری آن به حداقل برسد. حذف بالک‌های متداول و جایگزینی آن‌ها با سامانه کنترل بردار رانش (تراست وکتور) از جمله اقدامات مهم در این حوزه است که علاوه بر کاهش اصطکاک هوا و اعوجاج پروازی، موجب افزایش مانورپذیری موشک شده است.

قدرت تخریب سنگین

بر اساس اعلام مسئولان صنایع دفاعی، دقت اصابت خرمشهر-۴ در برد ۲ هزار کیلومتری حدود ۳۰ متر برآورد می‌شود که این میزان دقت در کنار وزن بالای سرچنگی، قدرت تخریب قابل توجهی برای این موشک ایجاد کرده است.

آمادگی عملیاتی بالا

از دیگر پیشرفت‌های اعمال‌شده در نسل چهارم موشک خرمشهر، افزایش ماندگاری سوخت مایع است.

به گفته سردار سیدمهدی فرحی رئیس اسبق سازمان صنایع هوافضای وزارت دفاع، با تغییر در آلایز مخازن و ترکیب سوخت، امکان نگهداری سوخت در این موشک تا چندین سال فراهم شده و به‌صورت عملیاتی ماندگاری ۳ ساله برای آن اعلام می‌شود.

خرمشهر-۴ همچنین از قابلیت پرتاب از سکوی متحرک برخوردار است و زمان آماده‌سازی عملیاتی آن به کمتر از ۱۵ دقیقه کاهش یافته است؛ موضوعی که انعطاف عملیاتی این موشک را در شرایط رزمی افزایش می‌دهد.

یک موشک، ۸۰ هدف

در این موشک علاوه بر ارتقای ویژگی‌های سخت‌افزاری، از فناوری‌های نوین نیز استفاده شده است.

بهره‌گیری از سامانه‌های دفاع سایبری برای مقابله با نفوذ و حملات سایبری و استفاده از هوش مصنوعی برای بهینه‌سازی مسیر پرواز و افزایش قدرت مانور، از جمله قابلیت‌هایی است که سطح بقا و اثربخشی عملیاتی این موشک را ارتقا داده است.

شهید سردار امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده ففید نیروی هوافضای سپاه درباره توان عملیاتی این موشک اعلام کرده بود: «پس از شلیک یک موشک خرمشهر، در منطقه هدف ۸۰ نقطه مورد اصابت قرار می‌گیرد و در صورت شلیک ۱۰۰ فروند از این موشک، حدود ۸ هزار هدف در سرزمین دشمن مورد اصابت قرار خواهد گرفت.»

پیام روشن

نمایش این موشک در شهر موشکی سپاه، حامل پیامی روشن به بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای است؛ پیامی مبنی بر اینکه توان موشکی ایران نه‌تنها حفظ شده، بلکه با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، دقت، سرعت و قدرت نفوذ آن به‌طور مستمر ارتقاء یافته است.

همچنین، تغییر دکترین نیروهای مسلح به آندنی نشان می‌دهد که خرمشهر-۴ و سایر موشک‌های بالستیک کشور، نقش کلیدی در راهبردهای بازدارندگی فعال و پاسخ به هرگونه تهدید احتمالی ایفا می‌کنند و هرگونه محاسبه نادرست درباره توان دفاعی ایران می‌تواند پیامدهای پر هزینه و غیر قابل جبران به دنبال داشته باشد.

خبر

مبارزه با قاچاق

قرارگاه منطقه‌ای نجف اشرف نیروی زمینی سپاه از کشف و ضبط ۳۰ قبضه سلاح کلت کمری از یک باند سازمان یافته قاچاق سلاح و مهمات خبر داد. طی اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی توسط سربازان گمنام امام‌زمان(عج) قرارگاه منطقه‌ای نجف اشرف نیروی زمینی سپاه با همکاری رزمندگان تیپ تکاور انصار الرسول(ص) یک باند سازمان یافته قاچاق سلاح و مهمات، تعداد ۳۰ قبضه سلاح کلت کمری که از مرزهای غربی کشور قصد ورود به داخل کشور را داشته اند کشف و ضبط شد. در این رابطه تعداد ۶ نفر از باند مذکور دستگیر و تحویل مراجع قضایی استان شدند.

یک میلیون لیتر گازوئیل

روابط عمومی نیروی دریایی سپاه پاسداران (ندسا) اعلام کرد: منطقه دوم امام حسن مجتبی(ع) نیروی دریایی سپاه در عملیاتی هدفمند، دو شناور حامل سوخت قاچاق را در آب‌های حوالی جزیره فارسی توقیف کرد. بر اساس این گزارش از این شناورها بیش از یک میلیون لیتر سوخت قاچاق کشف شد. ۱۵ خدمه خارجی این شناورها دستگیر و برای رسیدگی قضایی به مراجع ذی‌صلاح معرفی شدند. مقامات ندسا اعلام کردند این دو شناور بخشی از یک شبکه سازمان یافته قاچاق سوخت بودند که طی ماه‌های گذشته فعال بودند و با رصد مستمر اطلاعاتی و رهگیری دقیق رزمندگان نیروی دریایی شناسایی و متوقف شدند.

داروی رایگان

در ایام دهه مبارک فجر، بسیج عشایری سپاه قدس گیلان با اجرای طرح‌های حمایتی، بار دیگر نقش اجتماعی خود را پررنگ کرد. به گفته سرهنگ پاسدار روح‌الله اسماعیل‌زاده، در قالب این برنامه‌ها چهار هزار رأس دام عشایری به‌صورت رایگان ویزیت و دارو دریافت کردند؛ اقدامی که با همکاری بسیج جامعه پزشکی، کشاورزی، بنیاد برکت و حوزه‌های بسیج انجام شد. وی تأکید کرد خدمت‌رسانی به عشایر محدود به دهه فجر نیست و در طول سال، متناسب با نیازهای فصلی ادامه دارد. این رویکرد حمایتی، سلامت دام، پایداری معیشت و نقش تاریخی عشایر در امنیت و توسعه کشور را هدف گرفته است.

جانشین فرمانده کل سپاه

دشمن تحت کنترل و نظارت ماقرار دارد



سردار احمد وحیدی، روزه عنوان کرد: «آمادگی نیروهای مسلح در وضعیتی عالی و به مراتب بیشتر از دوران دفاع مقدس ۱۲ روزه است؛ همچنین همه تحرکات دشمنان به‌طور کامل تحت کنترل و نظارت ماقرار دارد.»

جانشین فرمانده کل سپاه در گفت‌وگویی، درباره تهدیدات دشمنان علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی و فضا‌سازی‌های صورت‌گرفته در شبکه‌های مجازی در این زمینه، اظهار کرد: «دشمنان به دنبال حاکم کردن فضای جنگ هستند و اینها بخشی از عملیات روانی آنهاست؛ لذا ما نباید در این تله بفتیم و فعالیت‌های کشور به هیچ وجه نباید تحت تأثیر این عملیات قرار بگیرد.»

سردار وحیدی همچنین در خصوص حضور ناوگروه آمریکا در منطقه گفت: «حضور این ناوگروه‌ها در منطقه موضوع جدیدی نیست

و ما آن را بخشی از عملیات روانی دشمن ارزیابی می‌کنیم که نباید به آن توجه کرد.» وی سپس درباره میزان آمادگی نیروهای مسلح پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه عنوان کرد: «آمادگی نیروهای مسلح در وضعیتی عالی و به مراتب بیشتر از دوران دفاع مقدس ۱۲ روزه است؛ همچنین همه تحرکات دشمنان به‌طور کامل تحت کنترل و نظارت ماقرار دارد.»

معاون سیاسی سپاه

قدرت نظامی ایران قابل معامله نیست



سردار یدالله جوانی، گفت: «رونمایی از موشک خرمشهر ۴ که قدرت تخریبی بالایی دارد، یعنی اینکه هر چند پای میز مذاکره حاضر شده‌ایم اما از قدرت نظامی خود صرف‌نظر نخواهیم کرد.»

معاون سیاسی سپاه با حضور در استودیو تهران شبکه المیادین، اعلام کرد که موشک رونمایی شده «خرمشهر-۴»، قدرت تخریب فوق‌العاده‌ای دارد و دشمنان باید این را بدانند. رونمایی از موشک خرمشهر-۴ حاوی پیام خاص خود است و پیامش این است که هر چند ایران پای میز مذاکره حاضر شده، اما حاضر نیست از قدرت نظامی خود چشم‌پوشی کند. در خصوص وضعیت سپاه و قرار گرفتن آن در لیست تروریسم اروپا گفت: «کاری که آنها کردند، رسوایی خودشان بود. سپاه به رهبری سردار سلیمانی توانست حکومت داعش در

عراق و سوریه را نابود کند و این خطر را از ملت‌ها دور کند. این خیلی مضحک است که اروپایی‌ها آن را در لیست تروریسم قرار دادند. آنها به دنبال راه انداختن جنگ روانی و تحت فشار گذاشتن جمهوری اسلامی ایران تحت بهانه‌هایی مثل دفاع از حقوق بشر هستند. من فکر می‌کنم آنها اشتباه کردند و از مسئولیت خود فرار می‌کنند و هر روز در دنیا از طریق این اقدامات آبروی خود را می‌برند و منزوی‌تر خواهند شد.»

گزارش صبح صادق از راهبری فضای مجازی، نشست‌های تبیینی و کارگاه رسانه در سپاه سلمان استان سیستان و بلوچستان

تبیین مؤثر در عصر رسانه نیازمند پیوند تحلیل با تولید محتوا است



برنامه راهبری فضای مجازی معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه با هدف رصد و تقویت فضای مجازی به میزبانی معاونت سیاسی سپاه سلمان استان سیستان و بلوچستان برگزار شد.

به گزارش صبح صادق؛ این برنامه به همراه نشست‌های تبیینی و کارگاه توانمندسازی فعالان این حوزه با حضور «علی حیدری»، مسئول مرکز اطلاع‌رسانی و مطالعات سیاسی معاونت سیاسی و «رامین نصیری» دبیر شبکه هادیان جهادگر فضای مجازی، به صورت میدانی و عملیاتی اجرا شد.

این برنامه دو روزه که هر سال در تعدادی از رده های اجرا می شود، مجموعه‌ای از جلسات ظرفیت‌سنجی و آسیب‌شناسی و ارزیابی فعالیت‌ها، نشست‌های تحلیلی و کارگاه‌های مهارتی را در برمی گیرد که مخاطبان متنوعی از جمله پاسداران، بسیجیان، فعالان رسانه‌ای و شبکه هادیان جهادگر فضای مجازی و... را شامل می‌شود که از سوی مرکز اطلاع‌رسانی و مطالعات سیاسی معاونت سیاسی سپاه برنامه‌ریزی و اجرا شده است.

روز نخست؛ راهبری، تبیین و تحلیل
روز نخست این سفر به جلسات راهبری فضای مجازی و نشست‌های تبیینی اختصاص داشت. ابتدا در نشستی با حضور حجت الاسلام اکبرپور مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه سلمان استان سیستان و بلوچستان، معاون هماهنگ کننده و معاون سیاسی نمایندگی، فرایند راهبری، تبیین و کارگاه توانمندسازی هادیان جهادگر فضای مجازی تشریح شد. در ادامه مجموعه‌ای از نشست‌ها در سطوح مختلف برگزار شد؛ از نشست شورای تحلیل نیروهای مسلح استان تا جلسات هدایت سیاسی

ویژه فرماندهان و کارکنان سپاه سلمان و رده‌های دیگر سپاه، نشست‌های بصیرتی برای بسیجیان ادارات، جلسات ویناری برای آحاد بسیجیان در بستر شبکه‌های فضای مجازی و شبکه‌ها، تان نشست‌های تحلیلی ویژه مسئولان و فعالان حوزه رسانه و فضای مجازی. در این نشست‌ها، مسئول مرکز اطلاع‌رسانی و مطالعات سیاسی معاونت سیاسی تمرکز اصلی خود را بر تحلیل وضعیت جاری کشور، بررسی روند اغتشاشات، سازوکارهای عملیات روانی دشمن و اصول مواجهه رسانه‌ای با بحران‌ها قرار داد و با تشریح مؤلفه‌های جنگ شناختی و رسانه‌ای، بر ضرورت شناخت دقیق صحنه، پرهیز از واکنش‌های احساسی و حرکت بر مدار تحلیل مبتنی بر واقعیت تأکید کرد. گفتنی است در این چارچوب، اصول حرفه‌ای فعالیت رسانه‌ای، الزامات اخلاقی و امنیتی حضور در فضای مجازی و شیوه‌های اثرگذاری بر افکار عمومی توسط علی حیدری مورد بحث قرار گرفت.

در بخش دیگری از این نشست‌ها، موضوع اغتشاشات و نحوه مواجهه رسانه‌ای با آنها بررسی شد. تحلیل‌ها و بحث‌های صورت گرفته نشان می‌داد که بخش مهمی از این رخدادها در بستر جنگ روایت‌ها شکل می‌گیرد و مدیریت افکار عمومی، نیازمند حضور فعال، هوشمند و سازمان‌یافته نیروهای توانمند و با مهارت در فضای مجازی است. در همین راستا، نقش شبکه‌های مردمی فضای مجازی، فعالان رسانه‌ای و هادیان جهادگر فضای مجازی در تبیین واقعیت‌ها برای افشار مختلف جامعه و ضرورت این مهم بیش از پیش مورد یادآوری و تأکید قرار گرفت. گفتنی است که نشست‌های روز نخست در مکان‌های مختلفی برگزار شد و مخاطبان گوناگونی

را دربر گرفت و با استقبال خوبی مواجه شد؛ کارکنان ستادی و صفی سپاه حضرت سلمان، آحاد بسیجیان محلات و ادارات سطح استان، فعالان رسانه‌ای، هادیان جهادگر فضای مجازی و اعضای شبکه ثامن همگی در سلسله نشست‌ها و جلسات راهبری فضای مجازی حضور داشتند. همچنین بخشی از این جلسات به‌صورت حضوری و بخشی دیگر به‌صورت ویناری برگزار شد تا امکان مشارکت حداکثری مخاطبان از نقاط مختلف استان فراهم شود.

روز دوم؛ کارگاه توانمندسازی
روز دوم برنامه به برگزاری کارگاه توانمندسازی هادیان جهادگر فضای مجازی و فعالان فضای مجازی اختصاص داشت. این کارگاه به‌صورت ترکیبی حضوری و ارتباط تصویری برگزار شد و ارتباط هم‌زمان با نواحی مختلف استان برقرار بود. در این بخش، مباحث متنوعی پیرامون فعالیت حرفه‌ای در فضای مجازی مطرح شد.

مسئول مرکز اطلاع‌رسانی و مطالعات سیاسی معاونت سیاسی در این کارگاه بر ارتقای سواد رسانه‌ای، افزایش توان تحلیلی فعالان و حرکت به‌سمت تولید محتوای دقیق، مسئولانه و اثرگذار تأکید کرد؛ محتوایی که بتواند در شرایط پیچیده رسانه‌ای، نقش تبیینی خود را ایفا کند و در برابر موج‌های تحریف، سانسور، وارونه‌نمایی و عملیات روانی دشمن، کارآمد و اثربخش باشد.

دبیر شبکه هادیان جهادگر فضای مجازی نیز در این کارگاه، اصول انتشار محتوا، ملاحظات امنیتی، شیوه‌های تولید محتوای مؤثر، شناخت مخاطب، انتخاب بستر مناسب انتشار و مدیریت پیام در شرایط عادی و بحرانی مورد بررسی قرار داد.



رامین نصیری تفاوت قالب‌های محتوایی، ضرورت توجه به اقتضانات هر پلتفرم و پرهیز از کلیشه‌سازی در تولید محتوا به نکاتی را ارائه داد. بخشی از جلسات نیز به پاسخ‌گویی به پرسش‌های فعالان و انتقال تجربیات میدانی اختصاص یافت. موضوع رصد و بررسی فعالیت‌های معاونت سیاسی سپاه سلمان، در دو جلسه در روزهای اول و دوم با حضور مسئول مرکز اطلاع‌رسانی و مطالعات سیاسی، دبیر شبکه هادیان جهادگر فضای مجازی برگزار شد. در این نشست‌ها، سجاد ملکوتی معاون سیاسی سپاه سلمان و مدیران این معاونت در خصوص فعالیت‌های فضای مجازی گزارش کاملی را ارائه کردند و راهکارهای ارتقای فعالیت‌ها بررسی شد. مزیت نسبی فعالیت‌های فضای مجازی معاونت تعامل قوی با مرکز راهبری فضای مجازی نمایندگی و سازمان فضای مجازی بسیج و... بود.

شایان ذکر است که مجموعه برنامه‌های دو روزه راهبری فضای مجازی، نشست‌های تبیینی و کارگاه توانمندسازی، بستری برای هم‌افزایی فکری، انتقال تجربه و تقویت توانمندی‌های فعالان این حوزه فراهم کرد. طرح مباحث تحلیلی درباره شرایط داخلی و منطقه‌ای، در کنار آموزش‌های کاربردی فضای مجازی، نشان داد که تبیین مؤثر در عصر رسانه، نیازمند پیوند تحلیل عمیق مسائل و موضوعات سیاسی با مهارت‌های عملی تولید محتوای تبیینی و فعالیت در فضای مجازی است؛ مسیری که در این برنامه به‌صورت هم‌زمان دنبال شد و برنامه‌ای که در افق چشم‌انداز آینده هادیان جهادگر فضای مجازی برنامه ریزی شده و قرار است تا به صورت مطلوب و حداکثری اجرا شود.

۱۵

پاسدار

شماره ۱۲۲۵ | دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۴

صداق

روی خط

جنگ روانی از جنگ نظامی خطرناک‌تر است

۰۹۳۶۰۰۰۷۸۴۱/ رشد شرکت‌های دانش‌بنیان واقعاً جای امیدواری دارد. اشتغال صدها هزار نفر و رسیدن تعداد شرکت‌ها به بالای ده هزار، اتفاق کمی نیست. این مسیر اگر درست حمایت شود، می‌تواند هم اقتصاد را مقاوم کند و هم جلوی فرار مغزها را بگیرد. حیف است این ظرفیت نادیده گرفته شود.

۰۹۱۷۰۰۰۱۲۹۴/ تهدیدهای ترامپ قبل از سالگرد انقلاب، همان حرف‌های کهنه استعمار است. مردم ایران یک بار در ۵۷ برای استقلال و آزادی هزینه دادند و هنوز هم پای همان شعار ایستاده‌اند. این ملت نشان داده با فشار و تهدید، مسیرش عوض نمی‌شود و تجربه تاریخ هم همین را می‌گوید.

۰۹۱۶۰۰۰۶۷۱۸/ ترامپ امروز دقیقاً همان چیزی را می‌خواهد که ملت ایران علیه‌اش انقلاب کرد. حرف از مذاکره می‌زند اما هدفش تسلیم است. تسلیمی که یعنی تضعیف دفاع، بی‌اراده شدن کشور و برگشت به وابستگی. مردم ایران این مسیر را قبلاً رفته‌اند و بهیاش را خوب می‌شناسند.

۰۹۳۸۰۰۰۵۴۷۶/ کشوری که توان دفاعی‌اش را بدهد، نه امنیت دارد نه وحدت. پروژه‌هایی که بعضی سیاستمداران آمریکایی در سر دارند، بیشتر شبیه تضعیف و فشار داخلی است. اگر هوشیار نباشیم، هزینه‌اش می‌تواند تمامیت ارضی کشور باشد.

۰۹۲۱۰۰۰۸۹۳۵/ دشمنان ایران بدانند تاریخ این سرزمین پر از غیرت و ایستادگی است. این ملت هیچ‌وقت باج دادن به بیگانه را افتخار ندانسته. عزت، خاک و اراده مردم ایران همیشه خط قرمز بوده و هست.

۰۹۱۳۰۰۰۲۱۶۴/ حضور رهبر انقلاب در حرم امام خمینی در این شرایط، پیام ثبات و آرامش دارد. جامعه‌ای که زیر فشار و تهدید است، بیشتر از هر چیز به ثبات فکری نیاز دارد. این رفتارها برای مردم پیام اطمینان می‌فرستد و جلوی التهاب و شایعه را می‌گیرد.

۰۹۱۲۰۰۰۹۰۱۲/ حتی اگر همه مشکلات اقتصادی هم حل شود، تا وقتی تکلیف حکمرانی در فضای مجازی و حوزه آگاهی روشن نشود، ناراضیاتی باقی می‌ماند. بخش مهمی از ناامیدی‌ها ریشه در همین فضا دارد. این موضوع فقط فرهنگی نیست، مستقیم روی سیاست و اقتصاد هم اثر می‌گذارد.

۰۹۱۹۰۰۰۳۳۸۷/ ترامپ با یک بازی روانی دنبال شکستن اراده ملت ایران است. نمایش ناو و هواپیما چیز تازه‌ای نیست. سال‌هاست می‌گویند همه گزینه‌ها روی میز است. اما واقعیت این است که مردم ایران از این تهدیدها عبور کرده‌اند و تجربه نشان داده ترسی در کار نیست.

۰۹۱۶۰۰۰۸۸۲۶/ آمریکا و صهیونیست‌ها بدشان نمی‌آید درگیری پرشدت‌راه بیندازند، اما حساب هزینه‌فایده را می‌کنند. اینها شاید فعلاً عقب بکشند، اما از مسیرهای دیگر برمی‌گردند. نباید خیال کرد خطر کاملاً رفع شده است.

۰۹۳۸۰۰۰۱۴۷۳/ هدف اصلی آمریکا از این نمایش‌ها، فرسودن ذهن مردم است. می‌خواهند ایرانی خسته، نگران و ناامید شود؛ هم از امنیت بترسد هم از آینده اقتصادی. این جنگ روانی گاهی از خود جنگ خطرناک‌تر است و باید جدی گرفته شود.

خبر

قدرت‌دانی ۴۳۳۲ نفره

در پی اقدام دولت‌های اروپایی برای قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی، ۱۴۳۳۷ نفر از استادان دانشگاه‌های سراسر کشور با صدور بیانیه‌ای این تصمیم را غیرحقوقی، مداخله‌جویانه و مغایر اصول بین‌الملل دانستند. امضاءکنندگان بیانیه با تأکید بر جایگاه قانونی سپاه به‌عنوان بخشی از نیروهای مسلح رسمی ایران، این اقدام رای‌اثر و موجب تقویت انسجام ملی ارزیابی کردند. آنان نقش سپاه در مقابله با تروریسم، حفظ امنیت کشور و حمایت مردمی از این نهاد را برجسته دانسته و از دولت‌های اروپایی خواستند رویکردی عقلانی‌تر و مسئولانه‌تر در قبال ایران در پیش گیرند.

۲۲۵ سری جهیزیه

در ایام‌الله دهه مبارک فجر، ۲۲۵ سری جهیزیه به ارزش ۶۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال با مشارکت مردم‌باری و محرومیت‌زدایی قرارگاه منطقه‌ای کر بلا و حمایت نیروی زمینی سپاه و قرارگاه مرکزی جهاد سازندگی، میان نوجو و سنان پنج شهرستان مغایر اصول توزیع شد. این اقدام با هدف ترویج فرهنگ ازدواج آسان در شهرهای شادگان، آبادان، اروندکنار، اهواز و خرمشهر انجام گرفت. برای هر مجموعه جهیزیه ۳۰۰ میلیون ریال هزینه شده است. مسئولان این طرح را نمادی از مردم‌داری و تداوم خدمات محرومیت‌زدایی در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دانستند و بر استمرار خدمت‌رسانی به مناطق محروم استان خوزستان تأکید کردند.

